

تفسیر سوره انعام

محسن قرائتی

عنوان: تفسیر سوره انعام
موضوع: تفسیر
نویسنده: محسن قرائتی
منتشر شده توسط سایت اینترنتی [زون](http://www.zoon.ir)

با مراجعه به سایت اینترنتی زون، میتوانید از امکانات دیگر ما همچون دسترسی به قالبهای مختلف این کتاب الکترونیکی برای شنیدن آثار هنرمند مورد علاقه خود توسط پخش کننده صوتی و یا مطالعه آنها بوسیله گوشی تلفن همراه تان استفاده کرده و برترین و تازه ترین آفرینه های برجسته ترین هنرمندان جهان را دریافت کنید. شایان توجه است که این نسخه رایگان از کتاب ممکن است دارای محدودیتهایی از قبیل عدم حق کپی برداری باشد، برای دریافت نسخه بدون محدودیت آن با ما تماس بگیرید.

سایت اینترنتی: www.zoon.ir
بخش پشتیبانی: <http://support.zoon.ir>
نشانی ایمیل: info@zoon.ir

إِنَّمَا نَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ
ترجمه :

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد، اما کافران (دیگران را) با پروردگارشان برابر و همتا می گیرند.

نکته ها :

○ در تمام قرآن ، واژه ی نور مفرد و واژه ی ظلمات به صورت جمع آمده است . اصولاً حقّ، یکی و راههای باطل بسیار است . آری نور، نشانه ی وحدت و ظلمات ، نشانه ی پراکندگی است . يعدلون از عدل ، به معنای همتاست .
○ اولین آیه ی این سوره ، به آفرینش نظام هستی ، دوّمین آیه به آفرینش انسان و سوّمین آیه به نظارت بر اعمال و رفتار انسان اشاره دارد.

○ به فرموده ی حضرت علی علیه السلام : این آیه ، پاسخ به سه گروه از منحرفان است :

الف : مادیون که منکر آفرینش الهی و حدوث خلقتند. خلق السماوات ...

ب : دوگانه پرستان که برای نور و ظلمت دو مبداء قائلند. جعل الظلمات والنور (۲)

ج : مشرکین که برای خداوند، شریک و شبیه قائلند. ثمّ الذین کفروا برّبهم يعدلون (۳)

○ امام موسی بن جعفر ۸ درباره ی ... برّبهم يعدلون فرمودند: یعنی کافران ، ظلمات و نور و جور و عدل را یکسان می شمارند.(۴)

پیام ها :

۱ خداوند هم از عدم به وجود آورده است ، هم در موجودها، کیفیات جدید و نوآوری هایی قرار می دهد. (آفرینش ابتدائی خَلَقَ آفرینش تَبَعِي جَعَلَ)

۲ شریک دانستن برای خدا، نوعی انکار خدا و کفر به اوست . الذین کفروا برّبهم يعدلون

۲-هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلًا وَأَجَلًا مُّسَمًّىٰ عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

ترجمه :

او کسی است که شما را از گل آفرید، پس از آن اجلّی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و اجلّی معین (که

مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیا است) نزد اوست . پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید؟

نکته ها :

○ در آیه ی پیش ، مسائل آفاقی و خلقت آسمان ها و زمین مطرح شده ، اینجا خلقت انسان و حیات محدود او در این دنیا آمده است .

○ در قرآن ، ۲۱ مرتبه از اجل مسمی سخن به میان آمده است .

○ خداوند برای عمر انسان دو نوع زمان بندی قرار داده : یکی حتمی که اگر همه ی مراقبت ها هم به عمل آید، عمر

(مانند نفت چراغ) تمام می شود. و دیگری غیر حتمی که مربوط به کردار خودمان است ، مثل چراغی که نفت

دارد، ولی آن را در معرض طوفان قرار دهیم .

○ در روایات ، کارهایی چون صلّه ی رحم ، صدقه ، زکات و دعا سبب طول عمر و اعمالی چون قطع رحم و ظلم ، سبب کوتاه شدن عمر دانسته شده است .(۵)

○ امام باقر علیه السلام در مورد اءجلا و اءجل فرمود: آنها دو اءجل هستند: یکی محتوم و قطعی و دیگری موقوف (یعنی مشروط و معلق). (۶)

○ به نقل ابن عباس ، خداوند برای انسان دو اءجل قرار داده : یکی از تولّد تا مرگ ، دیگری از مرگ تا قیامت . انسان با اعمال خود، گاهی از یکی می کاهد و به دیگری می افزاید. پس پایان اءجل هیچکس قابل تغییر نیست . وما يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ (۷)

پیام ها :

۱ مدّت عمر و پایان زندگی ، به دست ما نیست . هو الذی قضی اءجلاً

۲ تنها خداوند بر اءجل مسمّی (ءجل قطعی) ، آگاه است . اءجل مسمّی عنده

۳ با آنکه آفرینش و پایان کار انسان ، همه از خدا و به دست اوست ، پس چرا در مبداء و معاد شک کنیم ؟ ثم انتم تموتون

۳- وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

ترجمه :

و اوست که در آسمان ها و در زمین خداوند است . نهان و آشکار شمارا می داند، و هر چه را به دست می آورید (نیز) می داند.

نکته ها :

○ در پاسخ به عقیده ی انحرافی چند خدایی (خدای باران ، خدای جنگ ، خدای صلح ، خدای زمین و...) این آیه می فرماید: خدای همه چیز و همه جا یکی است .

○ امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: او به تمام مخلوقات از نظر علم و قدرت و سلطه و حاکمیت احاطه دارد. (۸)

پیام ها :

۱ منطقه ی فرمانروایی خداوند، تمام هستی است . فی السموات و فی الارض

۲ خداوند چون حاکم است ، آگاه است . هو الله فی السموات و فی الارض يعلم ...

۳ آشکار و نهان انسان نزد خداوند یکسان است . (۹) يعلم سرّکم و جهرکم

۴ ایمان به احاطه علمی خداوند، هم انگیزه برای کار نیک است و هم بازدارنده از کار بد. يعلم سرّکم و جهرکم

۵ خداوند، از آینده ی کارهای انسان آگاه است . و يعلم ما تکسبون

۴- وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

ترجمه :

و هیچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنها نمی آمد، جز آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند.

۵- فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ آيَاتُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

پس همین که حق برای آنان آمد، آن را تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای مهم (و تلخ درباره ی کيفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان خواهد آمد.

نکته ها :

○ شاید مراد از خبرهای بزرگ در آیه ، خبر فتح مکه یا شکست مشرکین در جنگ بدر و امثال آن باشد. (۱۰)

پیام ها :

- ۱ برای لجبازان ، نوع دلیل و آیه تفاوتی ندارد، آنها همه را رد می کنند. آیه من آیات ربهم
- ۲ لجوجان و کافران ، حاضر به شنیدن و تفکر و تحقیق کردن نیستند، همین که حقی آمد، تکذیب می کنند. فقد کذبوا بالحق لما جاءهم
- ۳ هم باید به مؤمنان دلگرمی داد که راهشان حق است ، بالحق و هم کافران را تهدید کرد که خبرهای تلخ برایتان خواهد آمد. فسوف یاءتیهم
- ۴ استهزا، شیوه ی همیشگی کفار است . كانوا به يستهزءون
- ۵ سقوط انسان سه مرحله دارد: اعراض ، تکذیب و استهزا. در این دو آیه به هر سه مورد اشاره شده است .

معرضین کذبوا يستهزءون

- ۶-ءَلَمْ یُرُوا کَمْ اءَهْلَکْنَا مِنْ قَبْلِہُمْ مِنْ قَرْنٍ مَکَّنَّہُمْ فِی الْاَرْضِ مَا لَمْ نُمَکِّنْ لَکُمْ وَاَعْرَسْنَا السَّمَاءَ عَلَیْہُمْ مِدْرَاراً وَجَعَلْنَا الْاَنْہَرَ تَجْرِی مِنْ تَحْتِہُمْ فَاَءَهْلَکْنٰہُمْ بِذُنُوبِہُمْ وَاَنْشَاْنَا مِنْ بَعْدِہُمْ قَرْنًا ءَاخَرِیْنَ
- آیا ندیدند که چه بسیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم ، با آنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده ایم ؟ (باران و برکت) آسمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری ساختیم ، پس آنان را به کیفر گناہانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از آنان پدید آوردیم .
- نکته ها :

○ قَرْنٌ به امتی گفته می شود که یکپارچه هلاک شده باشند.(۱۱) به مردمی هم که در یک زمان زندگی می کنند، قرن گفته می شود و چون معمولاً یک نسل ، از ۶۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشد، از این رو به ۶۰ یا ۸۰ یا ۱۰۰ سال یک قرن می گویند.(۱۲)

○ کلمه مدرار به معنای ریزش فراوان و پی در پی باران و به مقدار نیاز است .(۱۳)

پیام ها :

- ۱ افرادی که از تاریخ پند نمی گیرند، توبیخ می شوند. اءلم یروا
- ۲ کفار صدر اسلام از تاریخ امت های پیشین آگاه بودند و می توانستند درس بگیرند. اءلم یروا
- ۳ توجہ به زوال نعمت ها و سرنگونی گنہکاران ، از عوامل غفلت زدایی است . اءلم یروا... فاهلکناہم بذنوبہم
- ۴ تمدن هایی قبل از اسلام وجود داشته و سپس منقرض شده اند. اهلکنا من قبلہم
- ۵ از روشهای تربیتی قرآن است که داستان های واقعی و آموزنده را برای عبرت مردم نقل می کند. اهلکنا من قبلہم
- ۶ کیفر آنان که از امکانات خداداد استفاده سوء کنند، نابودی است . کم اءهلکنا
- ۷ به جای اءرسلنا من السماء، فرمود: اءرسلنا السماء (آسمان را برای شما فرستادیم) تا نهایت لطف الہی را بیان کند.
- ۸ عملکرد مردم ، عامل تحولات و حوادث تاریخی است . فاهلکناہم بذنوبہم
- ۹ هلاکت مردم به سبب گناہانشان ، از سنت های الہی است . فاهلکناہم بذنوبہم
- ۱۰ خداوند، علاوه بر عذاب آخرت ، در این دنیا هم کیفر می دهد. فاءهلکناہم
- ۱۱ اگر امکانات در دست صالحان باشد، نماز را برپا می دارند. ان مکنناہم فی الارض اقاموا الصلاۃ (۱۴) ولی اگر در دست ناهلان بی ایمان باشد، فساد و گناہ می کنند. مکنناہم ... فاهلکناہم بذنوبہم
- ۱۲ امکانات مادی ، مانع قهر و عذاب الہی نیست . مکنناہم ... فاهلکناہم آن گونه که کافران خیال می کردند: نحن اکثر اءموالاً و اءولاداً و مانحن بمعذبین (۱۵)

۱۳ امکانات مادی، رمز کامیابی نیست. مگناهم ... فاهلکناهم چنانکه در جای دیگر می خوانیم: ان الانسان ليطغى
ان رآه استغنى (۱۶)

۱۴ دو نوع مرگ داریم: طبیعی، که با رسیدن اجل است و غیر طبیعی که به خاطر کيفر الهی و با حوادث غیر
منتظره است. بذنوبهم

۱۵ قدرتمندان گنهگار فکر نکنند دنیا همیشه به کامشان است، خداوند دیگران را جایگزین آنان می کند.
اهلکناهم ... و انشاءنا من بعدهم قرناً آخرین

۷- وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ
ترجمه:

و (کافران لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی بر تو نازل می کردیم که آن را با دست
های خود لمس می کردند، باز هم کافران می گفتند: این، جز جادویی آشکار نیست.
نکته ها:

○ گروهی از مشرکان می گفتند: ما در صورتی ایمان می آوریم که نوشته ای بر کاغذ، همراه با فرشته ای بر ما نازل
کنی. ولی دروغ می گفتند و در پی بهانه جویی بودند.

○ قِرطاس چیزی است که بر روی آن بنویسند، چه کاغذ، چه چوب، یا پوست و سنگ، ولی امروز به کاغذ گفته می
شود.
پیام ها:

۱ وقتی پای لجاجت در کار باشد، هیچ دلیلی کارساز نیست، حتی محسوسات را منکر می شوند. فلمسوه بایدیهم
... ان هذا الا سحر مبين

۲ نسبت سحر، از رایج ترین نسبت هایی بود که مشرکان به پیامبر می دادند. ان هذا الا سحر مبين
۸- وَقَالُوا لَوْلَا اَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ اَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْاَمْرُ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ
ترجمه:

و (کافران بهانه جو) گفتند: (اگر محمد، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند)،
در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت و هیچ مهلتی به
آنان داده نمی شد.
نکته ها:

○ نزول فرشته ی مورد تقاضای کفار، اگر به صورت انسان باشد که مانند همان پیامبر خواهد بود و اگر به صورت
واقعی اش جلوه کند، طاقت دیدن آن را ندارند و با مشاهده ی آن، جان خواهند داد. (۱۷)

○ روحیه ی شیطانی تکبر، اجازه نمی دهد انسان از بشری همانند خود پیروی کند. گاهی می گوید: چرا انبیا مثل ما
غذا می خورند و در بازارها راه می روند و همچون ما لباس می پوشند؟ و قالوا ما لهذا الرسول ياءكل الطعام و
يمشى فى الاسواق (۱۸) گاهی به یکدیگر می گفتند: اگر از پیامبری مثل خودتان اطاعت کنید، زیان کرده اید.
ولئن اطعتم بشراً مثلكم انكم اذا لخاسرون (۱۹)
پیام ها:

۱ کفار بهانه گیر، انسان را شایسته مقام رسالت نمی دانستند و تقاضای دیدن فرشته را داشتند. لولا انزل عليه
ملك

۲ سنت الهی چنین است که اگر معجزه ای به درخواست مردم انجام شود و انکار کنند، هلاکت قطعی سراغشان
خواهد آمد. (۲۰) لقضى الامر

(شیوه دعوت های الهی ، براساس آزادی ، تفکر، انتخاب ومهلت داشتن است . تقاضای راه دیگری مانند نزول فرشته یا غذای آسمانی ، فرصت و مهلت را می گیرد ودر این صورت تنها راه ، پذیرش دعوت است وگرنه هلاکت (.

۹- وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ

ترجمه :

و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم ، حتماً او را به صورت مردی در می آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبیه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود) کار را بر دیگران مشتبه می سازند.

نکته ها :

○ کلمه لبس (بر وزن درس) به معنای پرده پوشی و اشتباه کاری است ولی کلمه لبس (بر وزن قفل) به معنای پوشیدن لباس است . (۲۱)

○ اگر پیامبر و الگوی انسان ها فرشته باشد، چگونه می تواند پیشوای انسان هایی باشد که دچار طوفان غرائزند و شکم و شهوت دارند؟

○ ممکن است معنی آیه چنین باشد: اگر پیامبر، فرشته می شد، باید به صورت مردی ظاهر شود که او را ببینند، و این سبب به اشتباه افتادن مردم می شد که آیا او انسان است یا فرشته . لبسنا علیهم پیام ها :

۳ سنت های الهی حکیمانه است و با تمایلات این و آن عوض نمی شود. لو جعلناه ملکا (حرف لو نشانه آن است که ما کار خودمان را می کنیم و کاری به تقاضاهای بیجا نداریم .)

۲ برای تربیت و دعوت ، باید الگوهای بشری ارائه داد، که در دعوت و عمل پیشگام باشند. ل جعلناه رجلاً

۳ پیامبران از میان مردم انتخاب می شوند. ل جعلناه رجلاً

۱۰- وَ لَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

ترجمه :

و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد.

نکته ها :

○ این آیه ، تسکینی برای پیامبر اسلام است ، که اولاً: پیامبران پیشین هم مورد استهزا قرار گرفته اند. ثانیاً: نه تنها عذاب اخروی ، بلکه قهر دنیوی هم دامنگیر استهزا کنندگان می شود.

پیام ها :

۱ یاد مشکلات دیگران ، صبر انسان را زیاد می کند و مبلغ دین نباید از استهزای مخالفان دلتنگ شود. لقد

استهزی ء برسُل من قبلک

۲ استهزا، یکی از جنگ های روانی دشمن و برای تضعیف روحیه ی رهبران است که باید در برابر آن مقاومت کرد.

استهزی ء برسُل من قبلک

۳ مسخره کنندگان ، عاقبت ذلیل می شوند و استهزا، دامن خودشان را می گیرد. فحاق بالذین سخروا

۴ استهزای دین ، یکی از گناهان کبیره است که وعده ی عذاب بر آن داده شده است . فحاق بالذین سخروا...

۵ خداوند حامی انبیاست واستهزا کنندگان را هلاک می کند. فحاق بالذین سخروا...

۶ استهزا شیوه دائمی کفار است . كانوا به يستهزءون

۱۱- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

ترجمه :

(ای پیامبر! به آنان (بگو: در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟

نکته ها :

○ فرمان سیروا فی الارض شش بار در قرآن آمده است . متأسفانه کافران بیش از ما به این دستور عمل کردند و
وجب به وجب کشورهای اسلامی را کاوش کردند و از منابع ، ذخایر، نقاط قوت و ضعف ، آثار فرهنگی ، کتب
خطی و هنرهای مسلمانان آگاه شده و آنها را غارت کردند و مسلمانان در خواب غفلت ماندند.

پیام ها :

۱ سفرهای علمی و آموزنده و عبرت آور، ستوده و نیکوست . سیروا... ثم انظروا

۲ شکست و سقوط مخالفان حق حتمی است ، اگر شک دارید، تاریخشان را بخوانید و با سفر، آثارشان را ببینید و
عبرت بگیرید. سیروا... ثم انظروا

۳ عوامل عزت یا سقوط جوامع ، قانونمند است . اگر عواملی مثل انکار و تکذیب حق در زمانی سبب هلاکت شد، در
زمان دیگر هم سبب می شود. سیروا... انظروا

۴ یکی از عوامل سقوط تمدن ها، تکذیب انبیا است . عاقبه المکذبین

۵ جلوه های گذرا مهم نیست ، پایان کار مهم است . عاقبه المکذبین

۱۲- قُلْ لَمَنْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست ؟ بگو: برای خداوند است که بر خود، رحمت را مقرر کرده است .
او قطعاً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد. کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن
استعدادها، به جای رشد، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند.

نکته ها :

○ موضوع وجوب رحمت بر خدا، در قرآن دوبار آنهم در این سوره (آیات ۱۲ و ۵۴) آمده است .

○ جمله ی لاریب فیه ، هم درباره ی قرآن آمده است ، هم درباره ی قیامت .

○ خداوند همان گونه که بر ما تکالیفی واجب کرده است ، وظایفی را هم بر خود مقرر فرموده ؛ از جمله : هدایت

کردن : إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۲۲)، رزق دادن : عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (۲۳)، لطف کردن : كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (۲۴) و

پیروزی و غلبه ی دین خدا: كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي (۲۵) ولی شرط بهره مند شدن از رحمت الهی ، رحم به

بندگان است . چنانکه در حدیث آمده است : مَنْ لَا يَرْحَمَ لَا يَرْحَمَ (۲۶)

○ سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: رحمت خداوند، صد درجه است ، یک درجه ی آن ،

منشاء همه ی الطاف الهی در دنیا شده است ، خداوند در قیامت ، با همه ی صد درجه رحمت خود با مردم معامله

خواهد کرد.(۲۷)

○ قرآن ، رحمت الهی را بر همه چیز شامل می داند: رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (۲۸) و این رحمت ، مصداق های

فراوان دارد، از جمله :

باران : يَنْزِلُ الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ (۲۹)

باد: يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرَى بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (۳۰)

شب و روز: وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۱)

پیامبر: و ما اءرسلناک الّا رحمةً للعالمین (۳۲)
 قرآن: هذا بصائر للنّاس و هُدی و رحمةً (۳۳)
 تورات: کتاب موسی اماما و رحمةً (۳۴)
 آزادی: فاءنجیناه و الّذین معه برحمةً منّا (۳۵)
 علاقه به همسر: و جعل بینکم مودّة و رحمةً (۳۶)
 گیاهان و میوه ها: فانظُر الی آثار رحمةً اللّهِ کیف یُحیی الارض بعد موتها (۳۷)
 پذیرش توبه: لاتقنطوا من رحمةً اللّهِ (۳۸)
 پیام ها:

۱ یکی از شیوه های تبلیغی که پیامبر مأمور به آن است، طرح سؤال و جواب است. قل لمن ... قل لله
 ۲ هستی بر اساس رحمت است و رحمت الهی بر همه چیز و همه جا گسترده است. کتب علی نفسه الرّحمة
 ۳ همان گونه که آفریده های خدا در دنیا (مثل باد، باران، روز و شب، گیاهان ...) رحمت است، معاد هم رحمت
 است. لیجمعنکم

۴ دلیل بر پا شدن قیامت، برخورداری مردم از رحمت است. کتب علی نفسه الرّحمة لیجمعنکم
 ۵ گرچه رحمت الهی گسترده و لازم است، لکن گروهی خود را محروم می کنند. خسروا انفسهم
 ۶ به جای استدلال، در پی هوا و هوس بودن و به جای اولیای خدا، سراغ طاغوت رفتن و به جای ایمان و اعتقاد به
 آخرت، کفر ورزیدن و به جای تسلیم نور، تسلیم نار شدن، خسارت عظیم کفّار است. (تمام آیه)
 ۱۳- وَ لَئِذَا مَا سَكَنَ فِي الْاَيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ترجمه:

و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست.
 نکته ها:

○ شب و روز، مانند گهواره، انسان و موجودات را در دامن خود آرامش می بخشد. برخی موجودات در شب، و
 بعضی در روز استراحت می کنند.
 پیام ها:

۱ هم کلّ نظام از خداوند است؛ وله ما سکن، هم نظارت و کنترل از آن اوست. هو السميع العليم
 ۱۴- قُلْ اءَغَیْرَ اللّهِ اءَتَّخِذُ وَلِیًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ یُطْعِمُ وَ لَا یُطْعَمُ قُلْ اِنِّیْ اءَمَرْتُ اءَنْ اءَکُونَ اءَوَّلَ مَنْ اءَسْلَمَ وَ لَا
 تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ
 ترجمه:

بگو: آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیرم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می
 دهد، ولی کسی به او طعام نمی دهد. بگو: همانا من مأمورم که اولین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست. و (به
 من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش.
 نکته ها:

○ در شاعن نزول آیه آمده است که جمعی از اهل مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: تو به خاطر فقر، از بت ها
 دست کشیده ای، ما حاضریم تو را بی نیاز کنیم تا با ما مخالفت نکنی. این آیه نازل شد و به آنان پاسخ داده شد.
 پیام ها:

۱ یکی از شیوه های تبلیغ و هدایت که پیامبر برای برانگیختن عقل مردم مورد استفاده قرار می دهد، بیان دلیل در
 قالب سؤال است. قل اءغیر اللّهِ

۲ انسان به دلیل نیازها و محدودیت ها به طور فطری به سراغ سرپرست و پناهگاه می رود، لکن بحث اصلی بر سر آن است که به سراغ چه کسی برویم . قل اعیر الله اتخذ...

۳ خداوند آسمان و زمین را بدون الگوی قبلی آفرید. فاطر السموات فاطر، یعنی آفریننده مبتکر.

۴ تاءمین نیازها از شئون ولایت الهی است . ولیا... یطعم

۵ جز خداوند، همه ی معبودها و مخلوقات نیازمندند. لایطعم

۶ چون خداوند هم خالق بشر و هم رازق اوست و نیازهایش را برطرف می کند، به این دلیل انسان باید نسبت به خدا تعبد و ولایت پذیری داشته باشد. فاطر... و هو یطعم ... انی امرت ان اکون اول من اسلم

۷ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به اظهار موضع عقیدتی خود می باشد. قل انی امرت ان ...

۸ رهبر باید پیشگام در آیین باشد و بالاترین درجه ی اخلاص و تسلیم را داشته باشد. اول من اسلم

۹ پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است . اعیرالله اتخذ ولیا... لاتکونن من المشرکین

۱۵- قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه :

بگو: همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم ، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم .

نکته ها :

○ خوف و ترس دو گونه است :

الف : ناپسند، مثل ترس از جهاد.

ب : پسندیده ، مانند خوف از عذاب الهی .

پیام ها :

۱ قانون الهی برای همه یکسان است ، پیامبر خدا هم اگر معصیت کند، باید از گرفتاری آن بترسد. اعخاف ان عصیت ربی

۲ ترس اولیای خدا، از قهر الهی است ، نه از طاغوت ها و مردم . اعخاف ... ربی

۳ توجه به ربوبیت خداوند، مقتضی پرهیز از معصیت اوست . ان عصیت ربی

۴ ترس از کیفر، از عوامل بازدارنده از انحراف و خطاست . اعخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم

۵ اظهار ترس رسول خدا از قیامت ، نقش سازنده برای دیگران دارد. قل انی اعخاف ... عذاب یوم عظیم

۶ در برابر تطمیع و وعده های دیگران ، از اهرم حساب قیامت استفاده کنید. (با توجه به شائن نزول آیه ی قبل که پیشنهاد کردند ما تو را بی نیاز می کنیم ، تو از تبلیغ دست بردار، پیامبر می فرماید: من از قیامت می ترسم .)

انی اعخاف ... عذاب یوم عظیم

۱۶- مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

ترجمه :

در آن روز، از هر کس عذاب الهی برداشته شود، قطعاً مشمول رحمت الهی شده و این است رستگاری آشکار.

نکته ها :

○ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست ، هیچ کس در قیامت با عمل

خود به بهشت نمی رود. پرسیدند: حتی شما یا رسول الله ؟ فرمود: حتی من ، مگر آنکه فضل و رحمت خدا مرا

دریابد. سپس داستان مبارک خود را روی سر نهاد و این آیه را تلاوت کرد.(۳۹) البتّه بدیهی است که رحمت الهی

تنها به اعمال صالح و افراد نیکوکار تعلق می گیرد.

پیام ها :

۱ خطر، متوجه همه است و نجات از عذاب الهی، لطف ویژه می طلبد. من یصرف ... فقد رَحِمَهُ
۲ تسلیم خدا شدن، زمینه ی دریافت رحمت الهی است. اَنیْ اَمَرْتُ اِنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ مِنْ یُصْرَفُ عَنْهُ ... فَقَدْ رَحِمَهُ

۳ تنها رحم الهی قهر او را برمی گرداند، قبول اعمال ما و شفاعت اولیای خدا هم پرتوی از رحمت اوست. مَنْ یُصْرَفُ ... فَقَدْ رَحِمَهُ

۱۷-وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
ترجمه:

و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و آسیب درگیر کند، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیز تواناست.
پیام ها:

۱ سرچشمه ی همه ی امور یکی است، نه آنکه خیرات از منبعی و شرور از منبع دیگر سرچشمه گیرد. و اِنْ یَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ... و اِنْ یَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ

۲ باید همه ی امیدها به خدا و همه ی خوف ها از او باشد. فلا کاشف له الا هو

۳ قوانین الهی استثنا بردار نیست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواجهه با حوادث تلخ و شیرین، باید متوجه خدا باشد. و اِنْ یَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ... و اِنْ یَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۸-وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ
ترجمه:

اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه.
نکته ها:

○ کلمه ی قهر، به آن نوع غلبه ای گفته می شود که مقهور، ذلیل در برابر قاهر باشد.

○ در آیه ی ۱۴، ولایت و رزاقیت خدا مطرح بود: ولیاً... و هو یطعم در آیه ی ۱۵، قهر و قیامت الهی: اَنیْ اَخَافُ... عَذَابَ دَرِ اَیْهِ ی ۱۶، نجات و رحمت خدایی: ...فَقَدْ رَحِمَهُ دَرِ اَیْهِ ی ۱۷، حلّ مشکلات و رسیدن به خیرات: فلا کاشف له الا هو و در این آیه، قدرت مطلقه ی خدا مطرح است: و هو القاهر فوق عباده
پیام ها:

۱ از دیگران هراسی نداشته باشیم که قدرت خدا فوق همه ی قدرت هاست. و هو القاهر فوق عباده

۲ قدرت و قهاریت خدا، همراه با حکمت و علم اوست. الحکیم الخبیر

۳ نفع و ضرر رساندن خداوند، بر اساس حکمت و آگاهی اوست.

۱۹- یَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ... یَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ... و هو الحکیم الخبیر بَیِّنِی وَ بَیِّنْکُمْ وَ اءُوحِیَ اِلَیَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَنْذِرْکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ اءِتِنَکُمْ لَتَشْهَدُوْنَ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اءِلٰهَةً اءٰخَرٰی قُلْ لَّا اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَاحِدٌ وَاِنِّیْ بِرَبِّیْٓ اَمَّمٌ تَشْرِکُوْنَ
ترجمه:

بگو: چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است؟ بگو: خداوند میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم. آیا شما گواهی می دهید که با خداوند، خدایان دیگری هست؟ بگو: من گواهی نمی دهم. بگو: همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم.

نکته ها:

- مشرکان مکه، از پیامبر اسلام برای رسالتش شاهد می طلبیدند و نبوت آن حضرت را نمی پذیرفتند و می گفتند: حتی یهود و نصارا تو را پیامبر نمی دانند. این آیه در زمان غربت اسلام، خبر از آینده ای روشن و رسالت جهانی اسلام می دهد.
- حضرت علی علیه السلام در تفسیر عبارت انما هو اله واحد فرمودند: اگر خدایان دیگری بودند، آنها هم پیامبرانی می فرستادند. (۴۰)
- عده ای را به عنوان اسیر نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آوردند، حضرت از آنان پرسید: آیا تاکنون دعوت به اسلام شده اید؟ گفتند: نه، حضرت فرمود: همه را به محل امن برسانند و آزادشان کنند، زیرا کسی که هنوز ندای اسلام را نشنیده است نباید اسیر نمود، سپس این آیه را تلاوت فرمود: لانذرکم به و من بلغ (۴۱)
- امام صادق علیه السلام فرمودند: انذار همیشگی باید همراه با منذر همیشگی باشد. پس امامت و رهبری الهی نیز تا ابد باید همراه قرآن باشد. (۴۲)
- معمولاً در انسان ها انگیزه ی دفع ضرر، قوی تر از جلب منفعت است. لذا قرآن، به مسأله ی انذار تاءکید کرده است. لانذرکم در آیات دیگر نیز می خوانیم: ان اذنت الا نذیر (۴۳)، انما انا نذیر مبین (۴۴)
- در احادیث متعددی من بلغ به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر شده است. (۴۵)
- امام صادق علیه السلام نیز درباره من بلغ فرمودند: مقصود کسی است که وظیفه امامت به او رسیده است و او همانند پیامبر، مردم را با قرآن انذار می کند. (۴۶)
- پیام ها:
- ۱ برای حقانیت پیامبر اسلام، گواه بودن خداوند کافی است. قل الله شهید
 - ۲ طرح و بیان حقایق به شکل سؤال و جواب از شیوه های تبلیغی قرآن است. قل ای شیء... قل الله
 - ۳ غفلت و سهو و فراموشی و محدودیت، هم قدرت خبرگیری انسان را کم می کند، هم قدرت گواه بودن او را، و چون خدا از این عوارض دور است، پس بزرگ ترین شاهد خداوند است. اکبر شهادة قل الله
 - ۴ قرآن، بزرگ ترین گواه بر رسالت پیامبر است. الله شهید بینی و... هذا القرآن
 - ۵ برای مردم غافل، سخن گفتن از زاویه ی انذار مؤثرتر است. لانذرکم
 - ۶ رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جهانی و جاودانی و برای همه ی مردم در همه ی عصرها و نسل هاست. لانذرکم به و من بلغ
 - ۷ تا قانون به مردم ابلاغ نشود، توبیخ و مسئولیتی در کار نیست. و من بلغ و به اصطلاح علم اصول، عقاب بدون بیان، قبیح است.
 - ۸ از جمله شرایط لازم برای رهبر آسمانی: ایمان به مکتب: اوحی الی هذا القرآن، امید به آینده و من بلغ، صلابت قل لا اءشهد و براءت از شرک است. اننی بری ء مما تشرکون
- ۲۰- اَلَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ اَبْنَاءَهُمْ اَلَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
ترجمه:
- کسانی که به آنان، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری)، محمد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و سعادت آینده) خودشان زیان زدند، ایمان نمی آورند.
- نکته ها:
- این آیه، مشابه آیه ی ۱۴۶ سوره ی بقره است.

○ هم نام و نشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات وانجیل بوده و علمای اهل کتاب ، او را به عنوان پیامبر موعود به مردم بشارت می دادند، و هم اخلاقیات حضرت و یارانش در کتب آنان بوده است : محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم ... ذلک مثلهم فی التوراء و مثلهم فی الانجیل کزرع ... (۴۷)

○ شناخت فرزند، اصیل ترین و قدیمی ترین شناخت هاست . چون او را از هنگام تولد می شناسند، ولی شناخت برادر و پدر و مادر برای انسان ، ماه ها پس از تولد است چنانکه شناخت همسر نیز پس از ازدواج می باشد. از این رو آیه می فرماید: آنان پیامبر را مانند فرزندان خود می شناسند.

پیام ها :

۱ خداوند بر اهل کتاب حجّت را تمام کرده و آنان پیامبر اسلام را به خوبی می شناختند. الذین آتیناهم الکتاب یعرفونه

۲ پیامبر باید به گونه ای شناخته شود که هیچ شکّی در او نباشد. یعرفونه کما یعرفون ابناءهم

۳ تنها شناخت و علم ، مایه ی نجات انسان نیست ، چه بسیار خداشناسان و پیامبرشناسان و دین شناسان که به خاطر عناد و لجاجت از زیان کارانند. یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسروا انفسهم

۴ کتمان حقّ، سبب سوء عاقبت و خسارت است . خسروا انفسهم فهم لایؤ منون

۲۱- وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَی اللّهِ کَذِبًا اَوْ کَذَّبَ بِآیَاتِهِ اِنَّهٗ لَا یُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ

ترجمه :

و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بدهد، یا آیات الهی را تکذیب کند؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند.

نکته ها :

○ در قرآن پانزده مرتبه تعبیر مَن اَظْلَمُ آمده که در مورد افترا بر خدا، بازداشتن مردم از مسجد و کتمان شهادت و حقّ است . این می رساند که ظلم فرهنگی و بازداشتن مردم از رشد و فهم ، بدترین ظلم به جامعه است .

پیام ها :

۱ هر چیز که عزیزتر و مقدّس تر باشد، خطر ظلم درباره ی آن بیشتر است . از این رو ظلم به خدا و افترا بر ذات مقدس الهی ، بدترین ظلم هاست . ومن اءظلم

۲ ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها، بدترین ستم هاست . شرک ، افترا به خدا، ادّعی نبوت دروغین ، بدعت ، تفسیر به رأی ، همه نمونه ای از این گونه ظلم هاست . و مَن اظلم مِمَّنِ افْتَرَى عَلَی اللّهِ کَذِبًا اَوْ کَذَّبَ بِآیَاتِهِ

۲۲- وَیَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِیْعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِیْنَ اَءْشَرُکُوْا اَیْنَ شُرَکَاؤُکُمْ الَّذِیْنَ کُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ

ترجمه :

و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم ، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوییم : کجایند شریکان شما که بر ایشان گمان (خدایی) داشتید؟

نکته ها :

○ بازخواست ذلّت بار مشرکین در قیامت ، نشانه ی محرومیّت آنان از رستگاری است ، همان محرومیّتی که در آیه ی قبل به آن اشاره شده است .

○ گرچه آیه ، به شرک نظر دارد، ولی آنان هم که رهبری غیر اولیای خدا را بپذیرند و با اولیای معصوم الهی به مخالفت و جنگ برخیزند، به نوعی مشرکند. در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم : و مَن حاربکم مشرک (۴۸) و در حدیث آمده است : الرّاد علینا کالرّاد علی اللّهِ و هو علی حدّ الشّرك باللّهِ (۴۹) کسی که کلام و راه ما را رد کند، همچون کسی است که کلام خدا را نپذیرد و چنین شخصی به منزله ی مشرک است .

پیام ها :

۱ دادگاه قیامت ، علنی است . نحشرهم جميعاً ثم نقول

۲ قبل از هر عقیده و عشق و پرستشی ، آماده ی پاسخگویی در روز قیامت باشیم . و یوم نحشرهم ... اءین شرکاؤ کم

۳ قیامت روز ظهور حقّ بودن توحید، حتّی برای مشرکان است . اءین شرکاؤ کم

۴ شرک ، خیالی بیش نیست . تزعمون

۲۳- ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

ترجمه :

پس (از آن همه فریفتگی به بتان ، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزاری جسته و) بگویند:

سوگند به خدا! پروردگارمان ، ما هرگز مشرک نبوده ایم .

۲۴- أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت .

نکته ها :

○ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از فتنه در لم تکن فتنتهم ، معذرت خواهی مشرکان می باشد.(۵۰)

○ ضلّ الشیء به معنای ضایع شدن ، هلاکت و نابودی چیزی است .(۵۱)

○ دروغگویان به مقتضای خصلتی که در دنیا کسب کرده اند، در قیامت نیز دروغ می گویند. واللّه ما کنا مشرکین ،

چنانکه در جای دیگر می خوانیم : یوم یبعثهم اللّٰه جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون أنّهم علی شی

ء الا أنّهم هم الکاذبون (۵۲)

○ حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه در حدیثی می فرماید: بعد از این دروغ ، بر لبشان مهر زده می شود و سایر

اعضای آنان حقّ را بازگو می کنند.(۵۳)

○ امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت خداوند آن چنان عفو و بخشش می کند که به ذهن هیچ کس حتّی

خطور نمی کند، تا آن اندازه که مشرکان نیز می گویند: ما مشرک نبودیم ، (تا مشمول عفو الهی شوند).(۵۴)

پیام ها :

۱ قیامت ، آن چنان حتمی است که گویا هم اکنون نیز حاضر است . أنظر و نفرمود: ستنظر. (پیامبر صلی الله علیه و

آله در دنیا نیز می تواند باچشم ملکوتی ، شاهد صحنه های قیامت باشد).

۲ تکیه گاه های غیر الهی نابود خواهد شد. ضلّ عنهم

۳ در دادگاه الهی ، نه دروغ انسان کارساز است ، نه سوگند او. ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۴ آن همه اصرار بر تکیه گاه های غیر الهی ، خیالی بیش نیست . و ضلّ عنهم ما کانوا

۲۵- یفترون نأ علی قلوبهم اءکنه اءن یفقهوه و فی اءاذانهم و قرأ و إن یروا کلّ آیه لا یؤمنوا بها حتّی إذا جاءوک

یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذآ الا اءسطیر الاولین

ترجمه :

بعضی از آنها کسانی هستند که (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند، ولی ما بر دلهایشان پرده هایی قرار داده ایم

تا آن را نفهمند و در گوشهایشان (نسبت به شنیدن حقّ) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند که اگر هر

آیه و معجزه ای را ببینند، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند با تو جدال می کنند و کسانی که کافر شدن می گویند: این نیست جز افسانه های پیشینیان .

نکته ها :

○ در شاعن نزول این آیه آمده است که ابوسفیان ، ولید بن مغیره ، عتبه ، شیبه و نضر بن حارث ، در کنار کعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می دادند، به نضر گفتند: چه می خواند؟ گفت : به خدای کعبه نمی فهمم چه می خواند، ولی چیزی جز افسانه ها و داستان های پیشینیان نیست ، من مشابه این داستان ها را برای شما گفته ام . سپس این آیه نازل شد.

○ اءکنه جمع کن یا کنان به معنای پرده است . وقر به معنای سنگینی و اءساطیر جمع اسطوره به معنای مطالب پی در پی و خیالی است که شنیدن آن جاذبه دارد.

○ پرده افکنی بر دل وسنگینی گوش ، به خاطر روحیه ی لجاجت مشرکان است . قرآن می فرماید: فلما زاغوا اءزاغ الله قلوبهم (۵۵)

○ از اینکه در آیه ی قبل ، سخن از مشرکین بود ولی در این آیه درباره همان گروه تعبیر به الذین کفروا نموده است معلوم می شود مشرکین همان کفارند.

پیام ها :

۱ پیامبران و رهبران الهی باید از روحيات کفار و مخالفین و ترفندهای آنان آگاه باشند. و منهم من يستمع

۲ از همه ی کفار مایوس نباشید، بعضی از آنان لجوجند. و منهم

۳ شنیدن صوت قرآن ، آنگاه ارزش دارد که در دل اثر کند. اءکنه ان یفقهوه

۴ کفار بر انکار خود اصرار دارند و پرده افکنی خداوند بر دل کفار، به خاطر همین عناد و اصرار خود آنان است . ان یروا کل آیه لایؤمنوا

۵ لجاجت ، درد بی درمان است و مثل آینه ی موج دار، بهترین صورت ها را هم زشت نشان می دهد. ان یروا کل آیه لایؤمنوا

۶ اگر کسی به قصد جدال و با سوء ظن و روح منفی و موضعگیری قبلی ، حتی با پیامبر هم ملاقات کند، بهره ای نخواهد برد. جاءک یجادلونک ...

۷ کفار هیچ راه صحیح و منطقی برای مقابله با پیامبر اسلام نداشتند. (پناه به جدال و تهمت نشانه عجز آنان از منطق است) یجادلونک ...

قرآن ، برای کافران و مشرکان نیز جذاب است . یقول الذین کفروا ان هذا الا ساطیر الاولین (اساطیر، به معنای سخن زیباست . (۵۶))

۲۶- وَ هُمْ یَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ یَنْوُونَ عَنْهُ وَ اِنْ یُهْلِكُونَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَ مَا یَشْعُرُونَ

ترجمه :

و آنان ، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) باز می دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند، و(لی) نمی فهمند.

نکته ها :

○ یَنْوُونَ از ریشه ی ناءى ، به معنای دور کردن است .

○ برخی از اهل سنت ، در تفسیر خود این آیه را درباره ابوطالب دانسته و گفته اند که وی مردم را از آزار پیامبر نهی می کرد ولی خودش ایمان نمی آورد و از مسلمان شدن دوری می جست و برخی آیات دیگر را هم در این

باره می دانند (مثل توبه ۱۱۳، قصص ۵۶)، ولی به نظر پیروان مکتب اهل بیت، ابوطالب از بهترین مسلمانان است و دلایل ایمان ابوطالب پدر عزیز حضرت علی علیه السلام بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می کنم:

جملاتی که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره ایمان او فرموده اند، بهترین دلیل بر ایمان اوست.

۲- حمایت های بی دریغ وی از پیامبر در شرائط بسیار سخت.

۳- اقرارهای ابوطالب که در اشعار خود نسبت به پیامبر و رابطه خود با خدا دارد.

۴- سفارش های او به همسر و فرزند و برادرش حمزه که از اسلام و نماز و پیامبر حمایت کنند.

۵- حزن و اندوه فراوانی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر فوت ابوطالب پیدا شد.

۶- ابوبکر و عباس گواهی دادند که ابوطالب هنگام مرگ، کلمات لاله الا لله و محمد رسول الله می گفت.

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر برای ابوطالب دعا کرد و جنازه ی او را تشییع نمود و به حضرت علی علیه السلام دستور کفن کردن او را داد. تنها بر او نماز گذاشته نشد زیرا تا آن روز نماز میت واجب نشده بود، چنانکه بر خدیجه هم نماز گزارده نشد.

۸- حضرت علی علیه السلام در نامه ای به معاویه نوشتند که بسیار فرق است میان پدر من ابوطالب با پدر تو ابوسفیان.

۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در قیامت، شفیع پدر و مادر و عمویم ابوطالب هستم.

۱۰- در حدیث می خوانیم که خداوند به رسول خود وحی کرد که آتش بر پدر و مادر و کفیل تو حرام است.

۱۱- در مسلمان بودن فاطمه بنت اسد علیها السلام که از زنان خوش سابقه و مهاجر است، شکی نیست و اگر ابوطالب مسلمان نبود، هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه نمی داد که شوهر این زن، مردی بی ایمان باشد. (۵۷)

پیام ها:

۱- کفار و مشرکان، همواره در تلاش برای کارشکنی و بازداشتن مردم از گوش دادن به قرآن بودند. و هم ینهنون عنه ...

۲- دوری از پذیرفتن حق، سبب به هلاکت انداختن خود انسان می شود. و ما یهلکون الا انفسهم

۳- شعور واقعی، یافتن راه حق است و گم کردن راه حق و رهبر حق، از سوی هر که باشد، بی شعوری است. و ما یشعرون

۲۷- وَ لَوْ تَرَىٰ اِذْ وَقَفُوا عَلٰی النَّارِ فَقَالُوا یٰلَیْتَنَا نُرٌّ وَّلَا نُکَذِّبُ بَآیٰتِ رَبِّنَا وَنَکُوْنُ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ
ترجمه:

و اگر آنان را، آن هنگام که بر لبه ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده اند ببینی، پس می گویند: ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان (واقعی) باشیم.

نکته ها:

○ طبق آیات قرآن، آرزوی برگشت به دنیا، هم در لحظه ی مرگ است، و هم در قبر و هم در قیامت، ربّ ارجعون
لعلیٰ اعمل صالحا (۵۸)، ربّنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون (۵۹)

○ در آیه ۲۳، مشرکین شرک خود را انکار می کردند، ولی در این آیه، اعتراف و تقاضای برگشت و جبران می کنند.
پیام ها:

۱- کفار هنگام عرضه بر آتش، وحشت زده و ذلت بار ناله می زنند. اذ وقفوا علی النار فقالوا مراحل و مواقف قیامت متعدّد است، در بعضی از مراحل گنهکاران ناله می زنند و در بعضی مواقع مهر سکوت بردهانشان می خورد.

۲- تکذیب آیات الهی ، موجب پشیمانی در آخرت است . اذ وقفوا... فقالوا یا لیتنا

۳- تا فرصت دنیا باقی است ایمان آوریم ، چون در آخرت مجال برگشت نیست . یا لیتنا نردّ از آرزوها و حسرت

های کافران در قیامت ، برگشت به دنیا و ایمان و اطاعت است . و لا نکذب ... و نکون من المؤمنین

۲۸- بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

ترجمه :

(چنین نیست ،) بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلاً (در دنیا) پنهان می کردند، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر

آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده اند بازمی

گردند. و آنان قطعاً دروغگویانند.

نکته ها :

○ روز قیامت ، روز آشکار شدن اسرار پنهانی مردم است و قرآن بارها به این حقیقت اشاره کرده است . از جمله :

وبدالهم سیئات ما عملوا(۶۰)، و بدالهم سیئات ما کسبوا(۶۱)

پیام ها :

۱- در قیامت ، همه ی اسرار و رازها کشف و نهان و درون انسان ها آشکار می شود. بل بدالهم ما کانوا یخفون

۲- برگشتن از آخرت به دنیا، محال است . و لو ردّوا

۳- بعضی هرگز امیدی به خوب شدن و اصلاحشان نیست و با فرصت دادن (که خودشان خواستار آنند) باز هم

همانند که بودند. لو ردّوا لعادوا

(آری انسان بارها در دنیا به هنگام برخورد با شداید و تلخی ها، تصمیم هایی می گیرد، ولی چون به آسایش رسید،

همه چیز را فراموش می کند).

۴- وقتی دروغگویی خصلت انسان شد، در قیامت هم دروغ می گوید. و انهم لکاذبون چنانکه در آیه ۲۳ خواندیم

که مشرکین در قیامت به دروغ قسم می خورند و می گویند: واللّه ربّنا ما کنا مشرکین

۲۹- وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

ترجمه :

و گفتند: جز زندگی دنیوی ما، هیچ زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم .

۳۰- وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

و اگر ببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده اند، (خدا) می فرماید: آیا این (رستاخیز) حق نیست ؟ می

گویند: بلی ، به پروردگاران سوگند (که حق است). او می فرماید: پس به کیفر کفرورزی ها و کفران هایتان ،

عذاب را بچشید.

نکته ها :

○ در آیه ۲۷ و ۳۰، دو بار کلمه ی و لو تری تکرار شده است تا صحنه های سخت قیامت را ترسیم و گامی برای

هدایت مردم باشد.

○ طبق آیه ی ۳۰ خداوند با مجرم سخن می گوید. ولی بعضی آیات ، سخن گفتن خدا را با آنان نفی می کند.

لایکلمهم الله ، این مطلب یا اشاره به مواقف و صحنه های مختلف در قیامت است ، و یا آنکه مراد آن است که

خداوند با آنان کلام طیب و دلشادکننده نمی گوید.

○ در آیه ی ۲۲، خداوند کفار را در برابر نفی توحید مؤ اخذ نمود: این شرکاؤ کم و در آیه ۲۷ به خاطر تکذیب

نبوت مؤ اخذ کرد: لانکذب بایات ربّنا و در آیه ۳۰ به سبب انکار قیامت مؤ اخذ می کند. اءلیس هذا بالحقّ

○ اسلام برای انسان ها چند نوع حیات را ترسیم می کند:

۱- حیات دنیا. زهره الحیاء الدنیا (۶۲)

۲- حیات برزخی . من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (۶۳)

۳- حیات معنوی و هدایت . دعاکم لما یحییکم (۶۴)

۴- حیات اجتماعی . ولکم فی القصاص حیاة (۶۵)

۵- حیات طیبه (در سایه ی قلب آرام و قناعت). فلنحیینه حیاة طیبة (۶۶)

پیام ها :

۱- مشرکین ، افرادی سطحی نگر و مادی هستند و محدوده ی حیات را تنها در همین دنیا می بینند و منکر رستاخیزند. ان هی الا حیاتنا الدنیا (اگر در جای دیگر قرآن مشرکین بت را شفیع خود می دانند: هو لاء شفعاؤ نا) (۶۷) مرادشان شفاعت در دنیا است. (۶۸)

۲- خداوند، پیامبرش را تسلیت و دلجویی می دهد که همه ی لجاجت ها بی پاسخ نخواهد ماند. و لوتری

۳- مجرمان ، همانند اسیران ذلیل ، بازداشت و نگه داشته می شوند. اذ وقفوا

۴- در قیامت قاضی و بازپرس در درجه ی اول خود خداوند است . قال اءلیس هذا بالحق

۵- اعترافات کفار و مشرکان در قیامت ، سودی ندارد. قالوا بلی ... فذوقوا

۶- کفار، در قیامت بارها سوگند یاد می کنند. واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین قالوا بلی و ربّنا

۷- کیفرهای قیامت ، به خاطر مداومت در کفر و انکار معاد در دنیا است . و مانحن بمبعوثین ... فذوقوا العذاب بما

کنتم تکفرون

۳۱- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا لَوْ أَنَّا حَسَرْنَا عَلَىٰ مَا قَرَّرْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ
أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَّا سَاءَ مَا يَزُرُونَ

ترجمه :

قطعاً کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند، گویند: دریغ از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم ، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند.

نکته ها :

○ مراد از لقاءالله ، ملاقات معنوی و شهود باطنی در قیامت است ، چون در قیامت همه ی وابستگی های انسان به مال و مقام و بستگان قطع می شود و با روبرو شدن با پاداش و کیفر الهی ، حاکمیت مطلقه ی الهی را درک می کند.

○ حسرت ، برای از دست دادن منافع است و ندامت برای پیش آمدن ضررها. (۶۹)

○ به قیامت ، ساعت می گویند، چون در ساعتی و لحظه ای برق آسا ایجاد می شود. (در آیه ی ۷۷ سوره نحل آمده است : وما امر الساعة الا کلمح البصر او هو اقرب ، برپایی قیامت ، مانند چشم به هم زدن یا نزدیک تر از آن است.)

○ در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است : اهل آتش ، جایگاه خود (آن جایگاهی که خداوند برای هر شخصی در بهشت قرار داده است) را در بهشت می بینند و می فهمند زبان کرده اند می گویند: یا حسرتنا. (۷۰)

پیام ها :

۱- کسی که قیامت را نپذیرد، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده و این بزرگ ترین خسارت است . قد خسر

۲- قیامت ، ناگهانی فرا می رسد و کسی از زمان آن آگاه نیست ، پس باید همیشه آماده بود. جاءتهم الساعة بغتة

۳- روز قیامت ، روز حسرت است . یا حسرتنا

۴- اعتراف و حسرت ، نشانه ی آزادی انسان در عمل است زیرا می توانست خوب عمل کند و نکرد. یا حسرتنا

۵- قیامت روز حسرت و افسوس خوردن است ، اما حسرت ها در آن روز بی نتیجه است . قالوا یا حسرتنا... و هم یحملون ...

۶- گناهان ، در قیامت تجسم یافته و بر انسان بار می شوند. یحملون اءوزارهم

۷- تکذیب یا فراموشی قیامت ، سبب ارتکاب گناهانی است که در قیامت ، وزر و وبال انسان می گردد. کذبوا اءوزارهم

۳۲- وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّلَلْدَارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ اءَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

ترجمه :

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البته خانه ی آخرت ، برای تقوا پیشگان بهتر است . آیا نمی اندیشید؟ نکته ها :

○ اگر دنیا مزرعه ی آخرت قرار نگیرد، بازیچه می شود و مردم مانند کودکانی که سرگرم به اسباب بازی هایی چون مال و مقام و مانند آن شده اند. مثل صحنه ی نمایش که یکی لباس شاه می پوشد، دیگری نقش نوکر را بازی می کند و سوّمی وزیر می شود، ولی ساعتی بعد که همه ی لباسها و نقش ها کنار می رود، می فهمند که همه ی عناوین ، خیالی بیش نبود.

○ خیر بودن آخرت به خاطر آن است که هم لذّت هایش آمیخته به رنج نیست و هم زودگذر و موهوم و خیالی نیست .

○ با توجّه به آیات دیگر قرآن ، نباید این آیه را دعوت به رهبانیت و ترک دنیا دانست .

○ کلمه ی لعب به کاری گفته می شود که قصد صحیحی در آن نباشد و کلمه ی لهو به کاری گفته می شود که انسان را از کارهای مهم و اصلی باز دارد.(۷۱)

○ شباهت دنیا به لهو و لعب از جهاتی است :

الف : دنیا مثل بازی ، مدتّش کوتاه است .

ب : دنیا مثل بازی ، تفریح و خستگی دارد و آمیخته ای از تلخی و شیرینی است .

ج : غافلان بی هدف ، بازی را شغل خود قرار می دهند.

د: دنیاگرایی مثل بازی ، انسان را از اهداف مهم باز می دارد.

پیام ها :

۱- دنیا محوری ، فکری کودکانه و پوچ است . (لهو و لعب معمولاً کار کودکان است و سرگرم شدن به دنیا انسان را از آخرت باز می دارد) لهو و لعب

۲- راه نجات از حسرت آخرت ، فکر و تعقل است . یا حسرتنا... اءفلا تعقلون

۳- خردمند، فریب دنیا را نمی خورد. و للدار الاخرة خیر... اءفلا تعقلون

۴- بکار نرفتن اندیشه ، زمینه توجّه به دنیا و غفلت از آخرت است . اءفلا تعقلون

۵- غفلت از آخرت ، سبب توبیخ است . اءفلا تعقلون

۶- تعقل و تقوا، ملازم یکدیگرند. يتقون اءفلا تعقلون

۳۳- قَدْ نَعْلَمُ اِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَاِنَّهُمْ لَايَكْذُبُوْنَكَ وَّلٰكِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بَاٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ

ترجمه :

البته ما می دانیم که آنچه می گویند، تو را اندوهناک می کند، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند.

نکته ها :

- در شاعن نزول آیه آمده است که : دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را امین و صادق می دانستند، ولی می گفتند: اگر او را تصدیق کنیم ، قبیله و موقعیت ما تحقیر می شود. گاهی هم می گفتند: او صادق است ولی خیال می کند به او وحی شده ، از این روی ، این گونه آیات الهی را تکذیب می کردند.
- امام صادق علیه السلام درباره ی لایکذّبونک فرمود: یعنی آنان نمی توانند گفتار و مدّعی تو را ابطال کنند. (۷۲) پیام ها :

۱- رهبر نباید از تکذیب مخالفان محزون شود. به همین دلیل ، خداوند پیامبرش را دلداری می دهد و حمایت می کند. قد نعلم انه لیحزنک

۲- خداوند به حالات درونی انسان آگاه است . قد نعلم انه لیحزنک

۳- تکذیب پیامبر، تکذیب خداست ، همان گونه که بیعت با پیامبر، بیعت با خداوند است . لایکذّبونک ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون

۴- با توجه به مشکلات و تکذیب و جسارت های بزرگتر به دیگران ، مشکل خود را آسان بدانیم . لایکذّبونک ... بآیات الله یجحدون

۵- مخالفان رسول خدا، با مکتب طرفند، نه با شخص . لایکذّبونک ... بآیات الله یجحدون

۶- تکذیب آیات الهی ، هم ظلم به خود است ، هم ظلم به رسول الله ، هم ظلم به مکتب و هم ظلم به نسل های بعد. ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون

۳۴- وَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُم نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّل لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبَائِ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه :

و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، لیکن در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند، تا یاری ما به آنان رسید. (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنت های) خداوند، تغییر دهنده ای نیست . قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی).

نکته ها :

- کلمات ، به معنای سنت های الهی است : ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون وان جئنا لهم الغالبون (۷۳)

○ تاریخ ، سرچشمه و منبعی پذیرفته شده برای شناخت حوادث است . از صبر انبیای پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود و صالح و لوط و ... که تکذیب کردند، باید عبرت گرفت ، سنت و برنامه الهی ، فرستادن رسولان و آزادی مردم در انتخاب است . کافران را به کیفر می رساند و رسولان را در راه دعوت ، امداد می کند.

○ در آیات متعددی از قرآن خداوند یاری و پیروزی رهبران و مؤمنان صابر را بر خود لازم دانسته است از جمله :

کتب الله لاغلبنا و رسلی (۷۴)

وكان حقاً علينا نصر المؤمنین (۷۵)

انا لننصر رسلنا (۷۶)

ولینصرن الله من ینصره (۷۷)

پیام ها :

- ۱- راه حق، هیچگاه هموار نبوده و تحقق آرمان انبیا همراه با تحمل مشکلات بوده است. فصبروا علی ما کذبوا
- ۲- یکی از بهترین اهرم های مقاومت در برابر شداید، بیان امدادهای الهی است. فصبروا... حتی اتاهم نصرنا
- ۳- رهبران، انتظار اطاعت همه را نداشته باشند. کذبوا
- ۴- شرط اصلی پیروزی، صبر است. فصبروا... حتی اتاهم نصرنا (خداوند به صابران، نوید پیروزی می دهد)
- ۵- دشمنان از هیچ تلاشی علیه حق، کوتاهی نمی کنند، خواه تکذیب باشد و خواه آزار. کذبوا، اوذوا
- ۶- صبر مستمر، زمینه ساز نزول نصرت و رحمت الهی است. فصبروا... حتی اتاهم نصرنا
- ۷- حق، پیروز است. اتاهم نصرنا
- ۸- سنت های الهی تغییر ناپذیر است و خداوند خلف وعده نمی کند. لامبدل لکلمات الله
- ۹- هر کس باید نمونه های مشابه خود را در تاریخ بشناسد. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: و لقد جاءک من نباء المرسلین

۱۰- از زحمات و رنج های پیشینیان باید یاد و قدردانی کرد. و لقد جاءک من نباء المرسلین

۳۵- وَإِنْ كَانَ كَبْرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

ترجمه :

و اگر اعراض و بی اعتنائی آنان (کافران) بر تو سنگین است (و می خواهی به هر وسیله آنان را به راه آوری، ببین) اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی، تا آیه ای (دیگر) برایشان بیاوری (پس بیاور ولی بدان که باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه ی آنان را بر هدایت گرد می آورد (ولی سنت الهی بر هدایت اجباری نیست) پس هرگز از جاهلان مباش.

نکته ها :

○ در شاعن نزول آیه آمده است: کفار به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر آنکه زمین را شکافته برایمان چشمه ای جاری سازی: لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا (۷۸)، یا به آسمان روی: اءو ترقی فی السماء (۷۹) شاید آیه اشاره به نوع درخواست های نابجای آنان باشد که اگر زمین را بکاوی یا نردبان به آسمان بگذاری و خود را به آب و آتش بزنی سودی ندارد. در دعوت تو نقصی نیست، اینان لجوجند، پس برای ارشادشان این همه دلسوزی نکن.

پیام ها :

- ۱- پیامبر، برای هدایت مردم، دلسوز و نسبت به از اعراضشان غمگین بود. و ان کان کبر علیک اعراضهم
- ۲- پیامبر باید روحیات مخاطبان خود را بشناسد و بداند که گروهی از هر معجزه ای که برایشان آورده شود روی گردانند. اعراضهم
- ۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواست به هر طریق مردم هدایت شوند، اما اشکال در روحیه ی لجوج کفار است که خداوند هشدار می دهد. تبتغی نفقا فی الارض او سلما فی السماء
- ۴- خداوند می تواند همه را هدایت کند، ولی حکمت او اقتضا می کند که انسان آزاد باشد. و لو شاء الله لجمعهم علی الهدی
- ۵- ارضای خواسته های بهانه جویان و بی صبری مبلغان، جهل است. فلا تكونن من الجاهلین (ریشه ی بسیاری از توقعات نابجا، جهل است)

۳۶- إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

ترجمه :

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند و (کافران که نمی گروند)، مردگانی هستند که روز قیامت خداوند آنان را برمی انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می شوند.

نکته ها :

○ قرآن ، بارها با تعبیر مرده و کر، از ناباوران یاد کرده است . در آیه ی ۸۰ سوره ی نمل و ۵۲ سوره ی روم می خوانیم : فَانْك لَا تَسْمَعُ الْمَوْتِي وَلَا تَسْمَعُ الصَّوْتِ إِذَا دُعِيَ إِذَا وُلِّوا مُدْبِرِينَ

پیام ها :

۱- انسان در انتخاب راه ، آزاد است . آنما يستجيب ...

۲- شنیدن و پذیرفتن حق، نشانه ی حیات معنوی و زنده دلی است .

(آری کسی که حیات معنوی ندارد و حق پذیر نیست ، مرده است . چون حیات به معنای خوردن و خوابیدن را

حیوانات هم دارند.) والموتی ...

۳- دل های حَقَّوْ به عهده ی تو و کَفَّار به عهده ی من ، تا پس از رستاخیز به حسابشان برسیم . والموتی یبعثهم

الله

۳۷- وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و گفتند: چرا بر او (محمد) معجزه ای (که ما می خواهیم) از سوی پروردگارش نازل نشده ؟ بگو: بی تردید خداوند قادر است که نشانه و معجزه ای (که می خواهید) بیاورد، ولی بیشتر (این بهانه جوینان) نمی دانند.

نکته ها :

○ در شاعن نزول آیه گفته اند: برخی از رؤ سآی قریش ، دست به تبلیغات سوء و جوسازی زده و از روی بهانه جویی

به پیامبر اسلام می گفتند که تنها قرآن به عنوان معجزه کافی نیست بلکه باید معجزاتی چون معجزات عیسی و

موسی و صالح و... بیاورد. (۸۰)

البته پیامبری که یادآور معجزات انبیای پیشین است ، حتما خودش هم می تواند نظیر آنها را بیاورد، وگرنه مردم را

به یاد آن معجزات نمی اندازد تا تقاضای امثال آن را داشته باشند. به علاوه ، طبق روایات شیعه و سنّی ، پیامبر

صلی الله علیه و آله معجزات دیگری غیر از قرآن هم داشته است .

○ هدف از آوردن معجزه ، اعلام رابطه خاص میان خدا و رسول ، و نشان قدرت بی انتهای الهی است ، نه برآوردن

تمایلات بی پایان مردم لجوج . البته گاهی برای اتمام حجّت ، معجزه ی درخواستی مردم را می آورده اند.

○ به شهادت تاریخ ، معجزات پیاپی ، سبب هدایت لجوجان نشده ، بلکه موجب قهر و عقاب الهی گشته است .

قرآن می فرماید: اگر ما فرشتگان را بر مردم نازل کنیم ، یا مردگان با آنان سخن بگویند، باز گروهی از لجوجان

ایمان نمی آوردند. (۸۱)

پیام ها :

۱- به بهانه جویی های مخالفان پاسخ دهید. قالوا... قل

۲- خداوند قادر است ، ولی حکیم هم می باشد و قدرتش آنگاه جلوه می کند که کار و تقاضا حکیمانانه باشد. ان الله

قادر... اکثرهم لا يعلمون

۳۸- وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُوْمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

يُخْشَرُونَ

ترجمه :

و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه آنها هم اُمت هایی چون شمايند. ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم ، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می آیند.

نکته ها :

○ قرآن توجه خاصی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت ، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می کند. و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّة آیات لقوم یوقنون (۸۲) در روایات و تجارب انسانی هم نمونه های فراوانی درباره ی شعور و درک حیوانات به چشم می خورد و برای یافتن شباهت ها و آشنایی با زندگی حیوانات ، باید اندیشه و دقّت داشت . (۸۳) امم امثالکم

○ مراد از کتاب در آیه ، یا قرآن است یا لوح محفوظ که در واقع کتاب خلقت است .

○ در آیات دیگر هم تعبیراتی چون : تبیاناً لکلّ شیء (۸۴) ، کلّ فی کتاب مبین (۸۵) آمده که نشانه ی کامل بودن قرآن است .

امام باقر علیه السلام فرمود: نشان کمال قرآن این است که ریشه و سرچشمه ی همه سخنان رسول الله و ائمه علیهم السلام است ، پس هر گاه حدیثی گفتیم ، سند قرآنی آن را از ما بخواهید.

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قیل و قال و فساد مال و سوءالات پی در پی ، نهی می کند. از امام باقر علیه السلام سند قرآنی آن را پرسیدند، فرمود: سند نهی از قیل و قال ، آیه لا خیر فی کثیر من نجواهم الاّ من امر بصدقہ اءو معروف اءو اصلاح بین الناس (۸۶) است . سند فساد مال ، آیه و لا تؤتوا السفهاء اءموالکم الّتی جعل الله لکم قیاماً (۸۷) و سند سوءال نابجا این آیه است : لاتساءلوا عن اءشیاء ان تبد لکم تسؤ کم (۸۸)

شعور حیوانات

○ از آیات و روایات و تجارب برمی آید که شعور، ویژه انسان نیست . به نمونه هایی توجه کنید:

۱- حضرت سلیمان همراه با سپاهیان از منطقه ای عبور می کردند، مورچه ای به سایر مورچگان گفت : فوری به خانه هایتان بروید، تا زیر پای ارتش سلیمان له نشوید. (۸۹) شناخت دشمن ، جزو غریزه ی مورچه است ، ولی اینکه نامش سلیمان و همراهانش ارتش اویند، این بالاتر از غریزه است .

۲- هدهد در آسمان از شرک مردم زمینی مطلع شده و نزد سلیمان گزارش می دهد که مردم منطقه ی سبأ، خداپرست نیستند. آنگاه ماءموریت ویژه ای می یابد. شناخت توحید و شرک و زشتی شرک و ضرورت گزارش به سلیمان پیامبر و ماءموریت ویژه ی پیام رسانی ، مسأله ای بالاتر از غریزه است . (۹۰)

۳- این که هدهد در جواب بازخواست حضرت سلیمان از علّت غایب بودنش ، عذری موجه و دلیلی مقبول می آورد، نشانه شعوری بالاتر از غریزه است . (۹۱)

۴- اینکه قرآن می گوید: همه موجودات ، تسبیح گوی خدایند ولی شما نمی فهمید، (۹۲) تسبیح تکوینی نیست ، زیرا آن را ما می فهمیم ، پس قرآن تسبیح دیگری را می گوید.

۵- در آیات قرآن ، سجده برای خدا، به همه موجودات نسبت داده شده است . ولله یسجد ما فی السموات و ما فی الارض ... (۹۳)

۶- پرندگان در مانور حضرت سلیمان شرکت داشتند. وحشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس والطیر (۹۴)

۷- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار سلیمان به اینکه خداوند، زبان پرندگان را به او آموخته است . علّمنا منطق الطیر (۹۵)

۸- آیه ی واذا الوحوش حشرت (۹۶) ، محشور شدن حیوانات را در قیامت مطرح می کند.

۹- آیه ی والطیر صافات کلّ قد علم صلاته و تسبیحه (۹۷) ، نشانه ی شعور و عباد آگاهانه ی حیوانات است .

○ انسان در حال رفاه و زندگی عادی معمولاً غافل است ، ولی هنگام برخورد با سختی ها پرده ی غفلت کنار رفته و فطرت خداجویی و یکتاپرستی انسان ظاهر می شود.

پیام ها :

۱- یکی از شیوه های تبلیغ و تربیت ، پرسش از مخاطب است . قل اءرایتکم ...
۲- تجربه نشان می دهد که در همه ی انسان ها (گرچه به ظاهر کفر ورزند)، فطرت خداجویی هست و به هنگام حوادث در انسان جلوه می کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور است مردم را به این فطرت خفته توجّه دهد. قل اءرایتکم ...

۳- هنگام حوادث و سختی ها، پرده ها کنار رفته وانسان فقط به خدا توجّه می کند و توجّه نکردن به معبودهای دیگر، نشانه ی پوچی آنهاست . اءغیر الله تدعون

۴۱- بَلْ اِیَّاهُ تَدْعُونَ فِیْکُشِفُ مَا تَدْعُونَ اِلَیْهِ اِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِکُونَ
ترجمه :

بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید.
نکته ها :

○ برداشتن عذاب ، یا برای اتمام حجت است ، یا به خاطر تغییر حالات قوم . چنانکه در آیه ۹۸ سوره ی یونس می فرماید: لَمَّا اَمْنُوا کَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْیِ چون ایمان آوردند، عذاب خواری و ذلت را از آنان برداشتیم .
پیام ها :

۱- همه معبودهای خیالی به هنگام برخورد انسان با حوادث فراموش می شوند. بل اِیَّاهُ تَدْعُونَ ... و تنسون ما تشرکون آنان نه تنها فراموش ، بلکه انکار می شوند. چنانکه در آیه ی دیگر می خوانیم : وَاللّٰهُ رَبَّنَا مَا کُنَّا مُشْرِکِیْنَ (۱۰۱) مشرکان در قیامت با سوگند شرک خود را انکار می کنند.

۲- دعای خالصانه ، همراه استجاب است . بل اِیَّاهُ تَدْعُونَ فِیْکُشِفُ

۳- یاءس از غیر خدا، سبب سرعت در استجاب دعاست . (حرف فاء در کلمه ی فیکشف)

۴- استجاب دعا، در اراده و مشیت حکیمانه ی خداوند است . فیکشف ...ان شاء

۴۲- وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَیْ اٰمَمٍ مِّنْ قَبْلِکَ فَاَخَذَ مِنْهُمْ بِالْبَآءِ سَآءٍ وَ الضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ یَتَضَرَّعُونَ

و همانا به سوی امت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم ، (و چون سرپیچی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم . باشد که تضرّع کنند.

نکته ها :

○ باءساء به معنای جنگ ، فقر، قحطی ، سیل ، زلزله وامراض مسری و ضراء به معنای غم ، غصه ، آبروریزی ، جهل و ورشکستگی است .

○ حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر هنگام ناگواری ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف خدا قرار می گیرند.(۱۰۲) مولوی در ترسیم این حقیقت می گوید:

پیش حق یک ناله از روی نیاز

به که عمری در سجود و در نماز

زور را بگذار و زاری را بگیر

رحم سوی زاری آید ای فقیر

پیام ها :

۱- بعثت انبیا در میان مردم ، یکی از سنّت های الهی در طول تاریخ بوده است . لقد ارسلنا الی أمم من قبلک

۲- تاریخ گذشتگان ، عبرت آیندگان است . قبلک

۳- در تربیت و ارشاد، گاهی فشار وسخت گیری هم لازم است . اخذناهم بالباءساء و الضراء

۴- مشکلات ، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است . يتضرعون

۵- هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست . لعلمهم يتضرعون

۶- همه ی افراد لجوج ، با فشار و در تنگا و سختی قرار گرفتن هم رام نمی شوند. لعلمهم يتضرعون

۴۳- فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَاءُ سُنَّاتِنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید، توبه و زاری نکردند؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند، برایشان زیبا جلوه داده است .

پیام ها :

۱- تضرّع به درگاه خداوند، سبب رشد و قرب به او و ترک آن نشانه ی سنگدلی و فریفتگی است . فلولا... تضرّعوا

۲- انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد تا آنجا که شیطان نیز از همین غریزه ، او را اغفال می کند. زین لهم الشیطان

۳- برای لجوجان ، نه تبلیغ مؤثر است ، نه تنبیه . قست قلوبهم

۴- ریشه ی غرور و ترک تضرّع ، مفتونشدن به تزیینات شیطانی است . فلولا... تضرّعوا... زین لهم الشیطان

۴۴- فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا آءُوتُوا آءَ خَدْنَاهُمْ بُغْتَهُ فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

ترجمه :

پس چون اندرزهایی را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدند) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند.

نکته ها :

○ مبلسون از ابلاس ، به معنای حزن و اندوه همراه با یأس است . حالتی که مجرمان ، هنگام پاسخ نیافتن در دادگاه پیدا می کنند.(۱۰۳)

○ در دو آیه ی قبل فرمود: ما افرادی را گرفتار می کنیم تا تضرّع کنند، در این آیه می فرماید: برخی در لحظه های گرفتاری هم خدا را فراموش می کنند. نسوا ما ذُکروا...

○ در قرآن می خوانیم : و عسی أن تحبوا شیا وهو شرّ لكم (۱۰۴)، چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که برای شما شرّ است و حضرت علی علیه السلام می فرماید: اذا رأیت سبحانه یتابع علیک نعمه و اءنت تعصیه فاحذره (۱۰۵) اگر دیدی خداوند نعمت هایش را بر تو مدام می دهد، ولی تو گناه می کنی ، پس به هوش باش ، چه بسا این لطفها عاقبت خوشی ندارد.

○ دنیا و بهره هایش ، هم می تواند برای انسان نعمت باشد، هم نعمت . در آیه مورد بحث ، دنیا نعمت به حساب آمده است . اما ایمان و تقوی ، برکات آسمان و زمین را برای اهلش به دنبال دارد، چنانکه در آیه ۹۶ سوره اعراف آمده است : ولو اءنّ اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ، بنابراین غفلت ، درهای خیر را بر روی انسان می بندد.

○ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اذا رأیت الله يعطى على المعاصى فان ذلك استدراج منه ، اگر مشاهده کردی که دنیا به کام گنهکاران است خوشحال مباش ، زیرا این استدراج الهی و به تدریج هلاکت کردن اوست (۱۰۶). و آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمودند.

امام باقر علیه السلام در تاءویل آیه فرمودند: چون مردم ولایت علی بن ابی طالب ۸ را ترک کردند و حال آنکه به آن امر شده بودند، فلما نسوا... دولت آنان را در دنیا بسط دادیم ، فتحنا علیهم ... تا حضرت قائم علیه السلام قیام کند، حتی ... اخذناهم بغتة. (۱۰۷)

پیام ها :

- ۱- همیشه رفاه زندگی ، علامت رحمت نیست ، گاهی زمینه ی عقوبت است . نسوا فتحنا
 - ۲- مهلت دادن به مجرمان و سرگرم شدن خلافکاران ، یکی از سنت های الهی است . فلما نسوا...فتحنا
 - ۳- قهر خداوند بعد از اتمام حجّت است . نسوا ما ذكروا...اخذناهم
 - ۴- تنگناها و گشایش ها به دست خداست . اخذنا... فتحنا
 - ۵- مرگ و قهر الهی ، ناگهانی می آید، پس باید همیشه آماده بود. بغتة
 - ۶- شادی عیاشان ، ناگهان به ناله ی مایوسانه تبدیل خواهد شد. فرحوا مبلسون
- ۴۵- فَقَطِعْ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه :

پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس ، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است .
نکته ها :

○ امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دوست داشته باشد ظالم باقی باشد، در واقع دوست دارد که خداوند معصیت و نافرمانی شود، همانا خداوند خویشتن را به جهت هلاک کردن ظالمان ستوده است . فقطع ... و الحمد لله (۱۰۸)

پیام ها :

- ۱- ستم ، ماندنی نیست . قطع
 - ۲- ظلم ، در نسل هم مؤثر است . دابر
 - ۳- انقراض و نابودی ستمگران ، حتمی است . (ظلم تمدن ها را ریشه کن می کند) فقطع دابر چنانکه در جای دیگر می فرماید: فهل تری لهم من باقیة (۱۰۹)
 - ۴- بی توجهی به هشدار انبیا ظلم است . نسوا ما ذكروا...الذین ظلموا
 - ۵- گاهی رفاه فراوان ، زمینه ی ظلم است . فتحنا علیهم ابواب کل شیء...الذین ظلموا
 - ۶- در تاریخ اقوامی بوده اند که هیچ اثری از آنان نیست . فقطع دابر
 - ۷- نابود کردن ستمکار، کاری پسندیده است . والحمد لله
 - ۸- هنگام نابودی ستمگران ، باید خدا را شکر کرد. فقطع ... والحمد لله
 - ۹- هلاکت ظالمان ، عامل تربیت دیگران است . رب العالمین
- ۴۶- قُلْ اَرْءَيْتُمْ اِنْ اَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰی قُلُوبِكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِ اللّٰهِ يَأْتِيْكُمْ بِهِ اَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْاٰیٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُوْنَ

ترجمه :

بگو: چه فکر می کنید، اگر خداوند، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند، جز خداوند، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟ ببین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم ، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی بر می گردانند.

نکته ها :

○ از ابتدای سوره تا اینجا حدود ده بار خداوند با طرح سؤال ، مخالفان را دعوت به تفکر کرده است . زیرا تفکر در نعمت ها و تصور و فرض تغییر و تحول آنها، زمینه ی خداشناسی است .

اگر درختان سبز نشوند، لو نشاء لجعلناه حطاما(۱۱۰)

اگر آبها تلخ و شور شوند، لو نشاء جعلناه أجاجا(۱۱۱)

اگر آبها به زمین فرو روند، إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غُورًا(۱۱۲)

اگر شب یا روز، همیشگی باشد، إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا... ان جعل الله عليكم النهار سرمدًا(۱۱۳)

و اگر چشم و گوش و عقل انسان از کار بیفتند، إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ... (۱۱۴)

○ امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خداوند هدایت شما را بگیرد، کیست که دوباره شما را هدایت کند؟ و سپس این آیه را تلاوت فرمود.(۱۱۵)

پیام ها :

۱- یکی از روشهای تبلیغی و تربیتی قرآن ، سؤال از وجدان هاست . اءراءیتم ان اخذ الله ... من اله

۲- برای خداوند، پس گرفتن نعمت هایی که داده آسان است ، پس بهوش باشیم . اخذ الله سمعکم ...

۳- هم آفرینش از آن خداوند است ، هم کارآیی لحظه به لحظه ی آنها نعمت پروردگار است . اخذ الله سمعکم

۴- گوش و چشم و عقل ، ابزار شناخت انسان و از مهم ترین نعمت های الهی است . سمعکم و ابصارکم ... قلوبکم

۵- معبودهای خیالی ، نه توان آفریدن و نه توان برگرداندن نعمت های از دست رفته را دارند من اله غیر الله

یاءتیکم (آری ، کسی لایق پرسش است که هم بتواند نعمتی را بدهد و هم بتواند بازستاند)

۶- با آن همه تنوع در استدلال ، توجه مشرکان به غیر خداوند، شگفت آور است . أنظر کیف ...

۷- برای انسان های لجوج ، هر نوع بیانی بی اثر است . نُصِرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذَفُونَ

۴۷- قُلْ أَعْرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

ترجمه :

بگو: چه خواهید کرد اگر عذاب خداوند، به طور پنهان و ناگهانی یا آشکارا به سراغ شما آید، آیا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد؟

نکته ها :

○ شاید مراد از بغته به هنگام خواب در شب و مراد از جهرة به هنگام کار در روز باشد. مثل آیه ی اءتاها امرنا لیلا اءونهارا(۱۱۶)، شاید مراد از بغته ، عذاب های بی مقدمه باشد و مقصود از جهرة ، عذاب هایی که آثارش از روز اول آشکار شود، مثل ابرهای خطرناک که بر سر قوم عاد فرود آمد. چنانکه در جای دیگر می خوانیم : قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ریح فیها عذاب اءلیم (۱۱۷)

○ سؤال : این آیه می گوید: تنها ظالمین از عذاب الهی هلاک می شوند، در آیه ای دیگر و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه (۱۱۸) فراگیری فتنه و شعله های عذاب نسبت به همه بیان شده و هشدار داده شده است ، چگونه مفهوم این دو آیه قابل جمع است ؟

پاسخ : در تفسیر کبیر فخررازی و مجمع البیان آمده است : هر فتنه ای هلاک نیست . در حوادث تلخ ، آنچه به ظالمان می رسد هلاکت و قهر است ، و آنچه به مؤمنان می رسد، آزمایش و رشد است .

پیام ها :

۱- پیامبر برای بیداری وجدان ها، مأمور به سؤال و پرسش از آنان است . قل اءراءیتکم

۲- از سرکشی خود و مهلت الهی مغرور نشوید، شاید عذاب خدا ناگهانی فرارسد. بغته

۳- وقتی عذاب خدا آید، هلاکت قطعی است ، نه خودشان و نه دیگران قدرت دفاع ندارند. عذاب الله یهلاک

۴- کیف‌های الهی ، به خاطر ظلم مردم و عادلانه است . یه‌لک ... الظالمون

۵- اعراض از دعوت انبیا، ظلم است . هم یصدفون الظالمون

– وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَءَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
ترجمه :

و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم ، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند.

۴۹- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان ، دام‌گیر آنان می شود.
نکته ها :

○ سؤال : با اینکه در آیات متعددی نسبت به اولیای الهی آمده است که ترسی بر آنان نیست ، لا خوف علیهم پس

چرا از ویژگی های اولیای الهی ، بیم از خدا مطرح شده است ، اَنَا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا...؟

پاسخ : اولاً گاهی بیمار، از عمل جراحی و مداوا می ترسد، ولی پزشک به او اطمینان می دهد که جای نگرانی و ترس نیست . جای نگرانی نبودن ، منافاتی با دلهره ی خود بیمار ندارد.

ثانیاً: معنای لاخوف علیهم آن است که ترس بر آنان حاکم نمی شود. (حرف علی به معنای استعلا و غلبه است) نه اینکه اصلاً ترسی ندارند و یحزنون یعنی اندوه دائم ندارند (فعل مضارع رمز تداوم است) نه اینکه برای لحظه ای هم نگران نیستند.

پیام ها :

۱- محدوده ی کار انبیا را تنها خدا تعیین می کند. و ما نرسل ... الا مبشرین ...

۲- مسئولیت انبیا، بشارت و هشدار است ، نه اجبار مردم . الا مبشرین و منذرین

۳- شیوه ی کلی کار انبیا، یکسان بوده است . مبشرین و منذرین

۴- ارشاد و تربیت ، بر دو پایه ی بیم و امید و کیفر و پاداش استوار است . مبشرین و منذرین

۵- ایمان و عمل صالح ، جدای از هم نیستند و عمل منهای ایمان هم کارساز نیست . آمن و اصلح

۶- کارهای مؤمن ، همیشه باید در جهت اصلاح باشد. آمن و اصلح

۷- صالح بودن کافی نیست ، مصلح بودن لازم است . اصلح

۸- ایمان و عمل ، انسان را از بیماری های روحی چون ترس و اندوه بیمه می کند. آمن و اصلح فلاخوف علیهم
ولا هم یحزنون (بهداشت روان ، در سایه ی ایمان و عمل صالح است)

۹- دستاورد جامعه ی نبوی ، نظامی متعادل و آرام و با امنیت است . فمن آمن و اصلح فلاخوف ...

۱۰- انسان فطرتاً خواهان آرامش و امنیت است . فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۱۱- مداومت بر فسق ، زمینه ساز عذاب الهی است . یمسهم العذاب بما كانوا یفسقون

۵۰- قُلْ لَا ءَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللّٰهِ وَلَا ءَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا ءَقُولُ لَكُمْ اِنِّي مَلَكٌ اِنْ ءَتَّبِعْ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ءَفَلَا تَتَفَكَّرُوْنَ

ترجمه :

(ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام ، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم . بگو: آیا نابینا و بینا برابرند؟ آیا نمی اندیشید؟

نکته ها :

○ گویا مردم بی ایمان خیال می کردند کسی می تواند پیامبر باشد که خزائن الهی در اختیارش باشد، یا انتظار داشتند تمام کارهای خود را از مسیر علم غیب حل کند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این آیه مأمور می شود با صراحت جلوی توقعات نابجا و پندارهای غلط آنان را بگیرد و محدوده ی وظائف خود را بیان کند و بگوید: معجزات من نیز در چهارچوب وحی الهی است، نه تمایلات شما و بدانید که هر کجا به من وحی شد معجزه ارائه خواهم داد، نه هر کجا و هرچه شما هوس کنید.

○ در این آیه، غیب دانستن پیامبر به صورت مستقل نفی شده، ولی گاهی آگاهی هایی از غیب به پیامبر عطا شده است. خداوند بارها درباره ی تاریخ حضرت یوسف و مریم و نوح و... به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک این قصه ها، اطلاعات غیبی است که به تو می دهیم. در آخر سوره ی جن هم فرموده است: خداوند علم غیب دارد و آن را جز به اولیای خویش عطا نمی کند. پس علم غیب مخصوص خداست و اگر بخواهد گوشه ای از آن را در اختیار اولیای خود قرار می دهد.

○ برخورد همه ی انبیا با مردم یکسان بوده است. همین سخنان را حضرت نوح هم به مردم خود می گفت. (۱۱۹) پیام ها:

- ۱- صداقت انبیا، تا آنجاست که اگر فاقد قدرتی باشند، به مردم اعلام می کنند. قل لا اقول
- ۲- از کارهای انبیا، مبارزه با خرافه گرایی و شخصیت سازی کاذب است. لا اقول ... لا اعلم
- ۳- از پیامبران، توقعات بیجا نداشته باشید. لا اقول لکم عندی خزائن الله
- ۴- زندگی، اهداف و شیوه ی کار رهبر باید صریح و روشن برای مردم بیان شود. قل لا اقول ...
- ۵- نگذارید مردم، شمارا بیش از آنچه هستید پندارند. (شخصیت ها اگر القاب کاذب را از خود نفی کنند، جلوی غلوه و انحرافات گرفته می شود). لا اقول لکم عندی خزائن الله ...
- ۶- انبیا، با پول و تهدید و تطمیع کار نمی کردند، تا دیگران از روی ترس و طمع، دور آنان جمع نشوند و خیال نکنند که اگر با پیامبر باشند، از علم غیب یا خزانه ی الهی مشکلاتشان حل خواهد شد. قل لا اقول ...
- ۷- پیامبر برای زندگی شخصی یا اداره ی حکومت، همچون دیگران از مسیر عادی اقدام می کند و از علم غیب و خزانه ی الهی استفاده شخصی نمی کند، گرچه برای اثبات نبوت لازم است استفاده کند. لا اعلم الغیب
- ۸- گرچه پیامبر خزائن الهی و علم غیب ندارد، ولی چون به او وحی می شود باید از او پیروی کرد. یوحی الی
- ۹- کار پیامبر، نه بر اساس خیال و سلیقه است، نه بر اساس تمایلات اجتماعی یا محیط زدگی، بلکه تنها بر اساس پیروی از وحی است. ان اتبع الا ما یوحی الی

۱۰- رفتار و گفتار پیامبران، برای ما حجت است، چون بر مبنای وحی است. ان اتبع الا ما یوحی الی

۱۱- پیروی از انبیا، بصیرت و اعراض از آنان، نابینایی است. قل هل یتوی الاعمی و البصیر

۱۲- فکر صحیح، انسان را به پیروی از انبیا وامی دارد و بهانه ها و توقعات را کنار می گذارد. افلا تتفکرون

۵۱- وَاذُنْرِبِهِمُ الَّذِیْنَ یَخَافُونَ اَنْ یُحْشَرُوْا اِلٰی رَبِّهِمْ لَیْسَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهِ وَّلِیٌّ وَّلَا شَفِیْعٌ لَّعَلَّهُمْ یتَّقُوْنَ

ترجمه:

و به وسیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شدن نزد پروردگارشان بیم دارند هشدار ده (زیرا) غیر از خداوند، برای آنان یاور و شفیع نیست، شاید که پروا نمایند.

نکته ها:

○ در قرآن بارها خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است که هشدار تو تنها در دل خداترسان اثر می

کند، مثل: اِنَّمَا تَنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ (۱۲۰) و اِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِیْنَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغِیْبِ (۱۲۱)

پیام ها:

۱- آمادگی افراد، شرط ناءثیر گذاری هدایت انبیا است . الَّذِينَ يَخَافُونَ

۲- عقیده به معاد، کلید تقوی است . يَخَافُونَ انْ يَحْشُرُوا ... لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۵۲- وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران . چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست ، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی .

نکته ها :

○ در شاعن نزول این آیه آمده است جمعی از کفار پولدار، چون دیدند فقیرانی مانند عمار و بلال و خباب و ... دور پیامبر را گرفته اند، پیشنهاد کردند که آن حضرت ، اینان را طرد کند تا آنان گرد او جمع آیند. به نقل تفسیر المنار خلیفه ی دوّم گفت : به عنوان آزمایش ، طرح را بپذیریم ، آیه ی فوق نازل شد. مشابه این مطلب در سوره ی کهف ، آیه ۲۸ نیز آمده است .

○ در تفسیر قرطبی آمده است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول این آیه ، از مجلس فقرا بر نمی خاست تا آنکه اول فقیران برخیزند.

○ منظور از خواندن خدا در صبح و شب ، ممکن است نمازهای روزانه باشد.(۱۲۲)

پیام ها :

۱- حفظ نیروهای مخلص و فقیر و مجاهد، مهم تر از جذب سرمایه داران کافر است . لا تطرد

۲- هدف ، وسیله را توجیه نمی کند. برای جذب سران کفر، نباید به مسلمانان موجود اهانت کرد. لا تطرد

۳- اسلام ، مکتب مبارزه با تبعیض ، نژاد پرستی ، امتیاز طلبی و باج خواهی است . (با توجه به شاعن نزول)

۴- اغلب طرفداران انبیا، پابرهنگان بوده اند. (با توجه به شاعن نزول)

۵- بهانه گیران ، اگر از رهبر و مکتب نتوانند عیب بگیرند، از پیروان و وضع اقتصادی آنان عیب جویی می کنند. (با توجه به شاعن نزول)

۶- هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی کند. یریدون وجهه

۷- میزان ، حال فعلی اشخاص است . اگر مؤمنان فقیر، خلاف قبلی داشته باشند، حسابشان با خداست . ما علیک من حسابهم من شیء

۸- حساب همه با خداست ، حتی رسول اکرم نیز مسئول انتخاب و عمل دیگران نیست ، ما علیک من حسابهم من شیء و خود نیز حساب و کتاب دارد. و ما من حسابک علیهم من شیء

۹- طرد پابرهنگان و محرومان مخلص ، ظلم است . فتکون من الظالمین

۵۳- وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

ترجمه :

و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم ، تا (از روی استهزا) بگویند: آیا اینانند آنها که خداوند، از میان ما بر آنها منت نهاده است ؟ آیا خداوند به حال شاکران داناتر نیست ؟

نکته ها :

○ بارها قرآن ، بلند پروازی و پر توقعی سرمایه داران را مطرح و محکوم کرده است . آنان توقع داشتند وحی و قرآن بر آنان نازل شود، از جمله : *اءلّٰقى الذّٰكر عليه من بيننا* (۱۲۳) آیا در میان ما وحی بر او نازل شد؟! *لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم* (۱۲۴) چرا وحی بر مرد بزرگی از آن دو قریه نازل نشد؟!
○ مؤ من واقعی ، شاکر نعمت ایمان است . شخصی نزد امام کاظم علیه السلام از فقر خود شکایت کرد. حضرت فرمود: غنی ترین افراد به نظر تو کیست ؟ گفت : هارون الرشید. پرسید: آیا حضری ایمان خود را بدهی و ثروت او را بگیری ؟ گفت : نه . فرمود: پس تو غنی تری ، چون چیزی داری که حاضر به مبادله با ثروت او نیستی . (۱۲۵) پیام ها :

- ۱- تفاوت های اجتماعی ، گاهی وسیله ی آزمایش و شکوفا شدن خصلت ها و رشد آنهاست . اغنیا، با فقرا آزمایش می شوند. *فتنّا بعضهم ببعض*
- ۲- اغنیا، فقرا را تحقیر می کنند و خود را ارزشمند می پندارند. *اهولاء...من بيننا*
- ۳- فقرای با ایمان ، برگزیدگان خداوند. *منّ الله عليهم*
- ۴- پاسخ توهین های کافران ، با نوازش و مهر الهی به مؤ منان داده می شود. *اهو لاء... اعلم بالشاكرين*
- ۵- *منّ الله* بر فقیران ، نتیجه ی شکر آنان است . *منّ الله ... بالشاكرين*
- ۶- خداوند طبق حکمتش عمل می کند، نه توقع مردم . *اعليس الله باءعلم بالشاكرين*
- ۷- انبیا، نمونه بارز شاكرين هستند. *بالشاكرين* (فقرایی هم که هدایت انبیا را پذیرفته اند، شاکر نعمت هدایت هستند.) *اعلم بالشاكرين*

۵۴- *وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنُ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ*
ترجمه :

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است .

۵۵- *وَكَذٰلِكَ نَفُصِّلُ الْآيٰتِ لِتَسْتَبِيْنَ سَبِيْلَ الْمُجْرِمِيْنَ*
و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم ، (تا حق آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود. نکته ها :

- در شاعن نزول آیه آمده است ، جمعی گنهگار، خدمت پیامبر آمده و گفتند: ما خلاف های زیادی کرده ایم . حضرت ساکت شد. این آیه نازل شد.
- در این سوره ، خداوند دوبار جمله : *كتب على نفسه الرحمة* گفته است ، یکی برای دلگرم کردن مؤ منان در همین دنیا (همین آیه) ، یکی هم در آیه ۱۲ که برای معاد است . *كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم*
- جهالت ، گاهی در برابر علم است و گاهی در برابر عقل ، و در آیه ۵۴ در برابر عقل است . یعنی از روی جهل و بی خردی به گناه کشیده شده اند، نه آنکه نمی دانستند. پیام ها :
- ۱- ایمان زائر پیامبر خدا، از شرایط دریافت لطف الهی است . و *اذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل ...*
 - ۲- زیارت پیامبر، راه دریافت لطف خداست . *جاءك ... فقل سلام عليكم كتب*
 - ۳- رابطه ی رهبر و مردم ، بر پایه ی انس و محبت است . *اذا جاءك ... فقل سلام عليكم*
 - ۴- بهترین عبارت تحیت ، سلام علیکم است . *فقل سلام عليكم*

۵- تحقیر شدن مؤمنان را جبران کنید. (در آیه ی ۵۳ متکبران با لحن تحقیر آمیزی می گفتند: اَهُؤْلاءِ... ولی در آیه ۵۴ خداوند آن تحقیر را جبران می کند و به پیامبرش دستور سلام کردن به مؤمنان را صادر می کند). فقل سلام علیکم

- ۶- سلام ، شعار اسلام است . بزرگ نیز به کوچک ، سلام می کند. فقل سلام علیکم
- ۷- مرتبی و مبلّغ ، باید با برخوردی محبت آمیز با مردم ، به آنان شخصیت دهد. سلام علیکم
- ۸- اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد، قابل بخشش است . (جهالت ، عذری قابل قبول برای بخشش و گذشت از خطاکاران است .) من عمل منکم سوءً بجهالة
- ۹- خداوند، رحمت را بر خویش واجب کرده ، ولی شرط دریافت آن ، عذرخواهی و توبه است . کتب ... ثمّ تاب
- ۱۰- توبه ، تنها یک لفظ نیست ، تصمیم و اصلاح هم می خواهد. تاب و اءصلح
- ۱۱- توبه ی مؤمن حتما پذیرفته می شود، عمل منکم آغاز توبه ، بعد از گناه است . من بعده
- ۱۲- عفو الهی همراه با رحمت است . غفور رحیم (گناهکار نباید مایوس شود)
- ۱۳- روشنگری نسبت به سیمای مجرمان و راه خطاکاران و اهل توطئه ، از اهداف مکتب است . لتستبین سبیل المجرمین

۵۶- قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَعْبَادَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ أَهُؤْءَاكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ترجمه :

بگو: من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام . بگو: من از هوسهای شما پیروی نمی کنم ، که در این صورت گمراه شده و از هدایت یافتگان نخواهم بود.
پیام ها :

- ۱- در پاسخ به تمایلات نابجای مشرکین مبنی بر پذیرش بت ها و روش آنان ، باید با صراحت جواب نفی داد. نُهَيْتُ، لا اءتبع ، ضللت (آری شرک ، در هیچ قالبی مجاز نیست)
 - ۲- برخورد و موضع گیری های پیامبر صلی الله علیه و آله ، از وحی سرچشمه می گیرد. قل ، قل
 - ۳- برائت از شرک ، جزو اسلام است . نُهَيْتُ أَعْبَادَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
 - ۴- ریشه ی شرک ، هواپرستی است . لا اءتبع اءهوائکم
 - ۵- مبلّغ ، نباید در پی ارضای هوسهای مردم باشد. لا اءتبع اءهوائکم
 - ۶- هواپرستی ، زمینه ی هدایت را در انسان از بین می برد. لا اءتبع اءهوائکم ... ما اءنا من المهتدین
- ۵۷- قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ يَقِصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ ترجمه :

بگو: همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم ، ولی شما آن را دروغ پنداشتید. آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین (داور و) جدا کننده ی حق از باطل است .
نکته ها :

- بیّنه از کلمه ی بینونه (جدایی)، به دلیلی گفته می شود که به طور کامل و روشن ، حق و باطل را از هم جدا می کند. دلائل و معجزات پیامبران ، نه ثقیل بود نه مبهم ، همه می فهمیدند و اگر لجاجت نمی کردند، از جان و دل می پذیرفتند، به همین خاطر پیامبران خود را دارای بیّنه معرفی می کردند.
- کفّار می گفتند: اگر راست می گویی ، چرا قهر خدا بر ما نازل نمی شود؟ تستعجلون به نظیر آیه ای که می گفتند: اگر این مطلب راست است ، خدایا بر ما سنگ بباران ، فامطر علينا حجارةً من السماء(۱۲۶) استعجال و عذاب

خواهی در اقوام دیگر هم بوده و به حضرت هود و صالح و نوح هم می گفتند: اگر راست می گویی عذاب موعود را سریعاً برای ما بیاور. فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا (۱۲۷)

پیام ها :

- ۱- دعوت انبیا بر اساس بیینه است ، نه خیال و تقلید کورکورانه علی بیینه
- ۲- اعطای بیینه به پیامبر، پرتوی از ربوبیت خداوند است . بیینه من ربی
- ۳- انبیا باید بیینه ی الهی داشته باشند، نه آنکه طبق تقاضای روزمره ی مردم کار کنند. بیینه من ربی (قرآن ، بیینه و دلیل روشن و گواه حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله است)
- ۴- پیامبر اسلام بر قرآن که بیینه ی اوست ، احاطه ی کامل دارند. (علی بیینه به معنای استعلا و احاطه بر مفاهیم قرآن است)
- ۵- کافران ، بیینه ی پیامبر را تکذیب می کنند، ولی انتظار دارند او از هواهای نفسانی آنان پیروی کند. لا اتبع اهوئکم کذبتم به

۶- با بهانه جویان ، صریح حرف بزنید. ما عندی

۷- پیامبر، تنها فرستاده ای همراه با منطق و بیینه است و نظام هستی به دست خداست . (با تقاضای نزول سریع قهر الهی از پیامبر، قلع و قمع خود یا نابودی هستی را نخواهید). ما تستعجلون به

۸- آیه ، هم تهدید کافران است ، هم دلداری پیامبر. و هو خیرالفاصلین

۵۸- قُلْ لَوْ اَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقَضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظّٰلِمِيْنَ

ترجمه :

بگو: اگر آنچه که درباره آن شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم ،) قطعاً کار میان من و شما پایان گرفته بود، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند).

پیام ها :

- ۱- عجله ی مردم ، حکمت خدا را تغییر نمی دهد. تستعجلون ... واللّٰه اعلم
- ۲- کیفرها به دست خداوند است ، اما اگر او به درخواست کفار در عذاب خود عجله کند، هیچ کس باقی نمی ماند. لقصی الامر چنانکه در آیه ۱۱ سوره ی یونس آمده است : ولو يُعَجِّلَ اللّٰهُ للنّٰس الشّرّ استعجالهم بالخیر لقصی الیهم اءجلهم

۳- خدا طبق حکمت و سنت خود، به ظالمان مهلت می دهد. قل لو ان عندی ما تستعجلون به لقصی ... واللّٰه اعلم بالظالمین

۴- تاءخیر در قهر و عذاب الهی سبب نشود که کافران خیال کنند کفرشان از یاد رفته است . واللّٰه اعلم بالظالمین

۵- اعراض از ایمان و عجله در عذاب ، ظلم است . بالظالمین

۵۹- وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَةٍ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِيْنٍ

ترجمه :

و گنجینه های غیب ، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه را در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی از درخت نمی افتد جز آنکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است .

نکته ها :

○ مفاتح ، یا جمعِ مَفْتَح به معنای گنجینه و خزانه است ، یا جمعِ مِفْتاح به معنای کلید است ، ولی معنای اول مناسب تر است . (۱۲۸)

○ کلمه ی تر و خشک ، کنایه از همه ی چیزهایی است که مقابل همنند، مثل مرگ و حیات ، سلامتی و مرض ، فقر و غنا، نیک و بد، مجرد و مادی . این مطلب در آیه ی و کَلَّ شَىْءٍ اءَحْصِيْنَاهُ فِى اِمَامٍ مُّبِيْنٍ (۱۲۹) نیز بیان شده است

○ شاید مراد از سقوط برگ ها، حرکات نزولی و مراد از دانه های در حال رشد زیر زمین ، حرکات صعودی باشد. (۱۳۰)

پیام ها :

۱- دلیل آنکه عذاب عجولانه ای که کَفَّار تقاضا می کنند فرا نمی رسد، علم خداوند به اسرار هستی است . ما تستعجلون ... و عنده مفاتح الغیب

۲- احکام الهی بر اساس آگاهی او بر غیب و شهود است . اِنَّ الْحُكْمَ اِلَّا لِلّٰهِ و عنده مفاتح الغیب

۳- دامنه ی علم غیب ، گسترده تر از علوم عادّی است . (زیرا قرآن درباره آن تعبیر انحصاری دارد.) لا یعلمها الاّ هو

۴- بر خلاف کسانی که می گویند خداوند تنها به کلیّات علم دارد، خداوند به همه چیز دانا و از همه ی جزئیّات هستی آگاه است . پس باید مواظب اعمال خود باشیم . لا تسقط من ورقه ...

۵- جز خداوند، هیچکس از پیش خود علم غیب ندارد. و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الاّ هو

۶- در جهان ، مرکزیتی برای اطلاعات وجود دارد. فی کتاب مبین

۷- نظام هستی ، طبق برنامه ی پیش بینی شده ای طراحی شده است . کتاب مبین

۶۰- وَهُوَ الَّذِی یَتَوَقَّعُکُمْ بِاللَّیْلِ وَیَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیْهِ لَیْفُضِیْ اءَجَلٌ مُّسَمّیٌّ ثُمَّ اِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ

ترجمه :

و او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدّت معین (عمر شما) سپری شود. عاقبت بازگشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید خبر می دهد.

نکته ها :

○ جَرَحْتُمْ از جارحۀ به معنای عضو است ، عضوی که با آن کار و کسب می شود و سپس به خود کار و عمل گفته شده است .

○ با اینکه خداوند به هنگام خواب روح انسان را می گیرد، ولی می فرماید: ما شما را می گیریم ، پس معلوم می شود روح انسان تمام حقیقت اوست .

پیام ها :

۱- خواب ، یک مرگ موقتی است و هربیداری نوعی رستاخیز. یتوفاکم ، یبعثکم

۲- قانون طبیعی آن است که شب برای خواب و روز برای کار باشد. یتوفاکم باللیل ، جرحتم بالنهار

۳- هر روز عمر، یک فرصت و بعثت جدید است . یبعثکم

۴- زندگی ما، تاریخ و برنامه و مدّت معین دارد. اءجل مسمی

۵- خود را برای پاسخگویی قیامت آماده کنیم . الیه مرجعکم

۶- خداوند با اینکه کار بد ما را می داند ولی باز هم به ما مهلت داده و روح گرفته را به بدن برمی گرداند. یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم

۷- قیامت ، روز روشن شدن حقیقت اعمال است . ینبئکم بما کنتم تعملون

۶۱- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفْظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ
ترجمه :

وتنها اوست که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود، هیچ کوتاهی نکنند.
نکته ها :

○ گرفتن روح در شب و برگرداندن آن در روز یکی از نمونه های قاهر بودن خدا بر انسان است .

○ مسأله ی قبض روح ، در قرآن هم به خداوند نسبت داده شده الله یتوقی الانفس ، هم به ملک الموت و هم به فرشتگان . این اختلاف تعبیر شاید به خاطر آن باشد که جان افراد عادی را فرشتگان می گیرند و جان افراد برجسته را ملک الموت که فرشته برتری است و جان اولیای خدا را ذات مقدس او می گیرد.

و شاید به این دلیل باشد که ابتدا فرشتگان ، روح مردم را می گیرند و سپس تحویل ملک الموت می دهند و آنگاه ملک الموت (عزرائیل) روح های گرفته شده را به خداوند تحویل می دهد و به همین دلیل گرفتن روح مردم هم کار فرشتگان و هم کار ملک الموت و هم کار خداوند به شمار می رود.

○ ممکن است مراد از فرشتگان محافظ، آنان باشند که مراقب و نگهدار انسان از حوادثند، (۱۳۱) له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امرالله (۱۳۲) و ممکن است مراد از حفظه ، فرشتگانی باشند که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسانند. رسلنا لدیهم یکتبون (۱۳۳)

○ ایمان به مراقبت فرشتگان از انسان ، عامل شکر از خداست ، همان گونه که ایمان به ثبت اعمال توسط فرشتگان عامل حیا و تقواست .

پیام ها :

۱- خداوند، قدرت و سلطه ی کامل دارد و اگر ما را آزاد گذاشته ، به خاطر مهلتی است که از روی لطف اوست . و هو القاهر...

۲- تسلط خدا بر بندگان چنان است که کسی را تاب مقاومت نیست . و هو القاهر فوق عباده

۳- در دستگاه آفرینش ، انواع مراقبت ها وجود دارد. حفظه

۴- فرستادن فرشتگان محافظ، دائمی است . یُرسل (فعل مضارع نشانه ی دوام و استمرار است)

۵- هر دسته از فرشتگان ، مأموریت خاصی دارند. حفظه توفته

۶- برای قبض روح یک نفر چند فرشته حاضر می شوند. اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا

۷- فرشتگان در انجام مأموریت ، سهل انگاری ندارند و معصومند. لایفرطون چنانکه در آیه دیگر آمده است : لا یعصون الله ما امرهم (۱۳۴)

۶۲- ثُمَّ رُدُّوْا۟ اِلَی اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْحَقِّ اِنَّ لَهٗ الْحُكْمَ وَ هُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِیْنَ

ترجمه :

سپس مردم به سوی خداوند، مولای حقشان بازگردانده می شوند، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آن خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است .

نکته ها :

○ در روایات آمده است که خداوند، حساب بندگان را به اندازه ی دوشیدن شیر یک گوسفند و در زمانی بسیار کوتاه ، انجام می دهد. (۱۳۵)

○ از امام علی علیه السلام سؤال شد: کیف يُحاسبُ الله الخلقَ علی کثرتهم؟ فقال: كما يَرزُقُهُم علی کثرتهم . فقيل: كيف يُحاسبُهُم و لا يرونه؟ فقال: كما يَرزُقُهُم و لا يرونه (۱۳۶) چگونه خداوند با وجود مخلوقین زیاد به حساب آنان رسیدگی می کند؟ حضرت فرمودند: همان گونه که آنان را روزی می دهد. سؤال شد: چگونه حسابرسی می کند در حالی که او را نمی بینند؟ فرمودند: همان گونه که روزی شان می دهد، ولی او را نمی بینند.

○ سؤال: با این همه آیات و روایات بر حسابرسی سریع الهی ، پس طولانی بودن روز قیامت برای چیست ؟ پاسخ: بلندی روز قیامت ، نوعی عقوبت است ، نه به خاطر فشار کار و ناتوانی از محاسبه ی سریع . (۱۳۷) (بشر که مخلوق الهی است ، در دنیای امروز به وسیله ی کامپیوتر، در کمتر از یک دقیقه بزرگ ترین محاسبات را انجام داده و مثلاً انبارها و کالاهای آن و امور مالی مربوط به آن را بررسی و محاسبه می نماید).

پیام ها :

۱- بازگشت همه به سوی خداست و او یگانه قاضی قیامت است . ردّوا الی الله ... له الحكم

۲- مولای حقیقی کسی است که آفریدن ، نظارت کردن ، خواب و بیداری ، مرگ و بعثت ، داوری و حسابرسی به دست او باشد، الی الله مولاهم الحقّ

۳- همه ی مولاها یا باطلند، یا مجازی ، مولای حقیقی تنها خداوند است . الله مولاهم الحقّ و ولایت انبیا و اولیا، پرتوی از ولایت الهی است .

۴- سرعت حسابرسی خداوند، از هر نوع و هر وسیله ی حسابرسی سریعتر است . و هو اَسرع الحاسبین

۵- سرعت حسابرسی و رسیدگی به امور، یک ارزش و روش الهی است . و هو اَسرع الحاسبین

۶۳- قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ اَنْجَاكُمْ مِنْ هَذِهِ لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ترجمه :

بگو: چه کسی شمارا از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گوید): اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد، از شکرگزاران خواهیم بود.

۶۴- قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْكِرُونَ

بگو: خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد، باز شما (به جای سپاس)، شرک می ورزید.

نکته ها :

○ کلمه ی تَضَرُّعٌ به معنای دعای آشکار و کلمه ی خُفْيَةً به معنای دعای پنهان است .

○ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین دعا، دعای با صدای آهسته و خُفْيَةً است و از جمعی که با صدای بلند دعا می خواندند، انتقاد کرد و فرمود: خداوند شنوا و نزدیک است . (۱۳۸)

○ در آیه ۱۲ سوره ی یونس نیز آمده است : انسان هنگام خطر، به یاد خدا می افتد و او را می خواند، اَمَّا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُرَّةَ مَرِّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا اِلَى صُرِّ مَسَّةٍ هَمِيْنُ كَمَا مَشَكَّلْنَا حُلَّ شَدِّهِمْ اِنَّا فَتَنَّا بِهٖمْ لَعَلَّ يَرْجِعُوْنَ اِلَى رَبِّهِمْ فَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ اَنْتُمْ كُنْتُمْ اَشْكَارًا اَصْلًا صَدَا نَزْدَهٗ اَسْت .

○ شدايد برای انسان ، چهار حالت به وجود می آورد: احساس نیاز، تضرّع ، اخلاص و التزام به شکرگزاری . آری ، شدايد و سختی ها و قطع شدن اسباب مادی ، روح خداجویی را شکوفا می کند و انسان در مشکلات ، دست خدا را می بیند.

پیام ها :

- ۱- یکی از شیوه های تبلیغ و موعظه ، سؤال از وجدان مردم است . مَنْ يُنَجِّكُمْ
 - ۲- یادآوری و توجه دادن انسان به خلوص او در دعا به هنگام شهادت، از بهترین روشهای خداشناسی است .
تدعونه تضرعاً و خفیه
 - ۳- انسان در سختی ها و شهادت، دست از کفر و شرک برداشته و موحد می شود. تدعونه تضرعاً و خفیه
 - ۴- برای هر کس ، مشکل خودش ، بزرگ ترین مشکل است . اءنجانا من هذه
 - ۵- انسان به تعهدات خود در برابر خدا بی وفاست . ثم انتم تشرکون
 - ۶- بدترین نوع ناسپاسی ، شرک است . لنکونن من الشاکرین ... ثم انتم تشرکون
 - ۷- راحتی و احساس رهایی و بی نیازی ، زمینه ی غفلت از خدا و شرک به اوست . قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم انتم تشرکون
- ۶۵- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِّنْ تَحْتِ اَرْضِ جُلُودِكُمْ اَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَآءَ سَ بَعْضٍ اَنْظُرْ كَيْفَ نَصَّرَفَ الْاٰیٰتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ

ترجمه :

بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را به صورت گروه های گوناگون با هم درگیر کند، و طعم تلخ جنگ و خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند. بنگر که چگونه آیات را گونه گون بازگو می کنیم ، باشد که بفهمند.

- ۶۶- وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيْلٍ
و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند، با آنکه سخن حقی است ، بگو: من وکیل و عهده دار ایمان آوردن شما نیستم .
نکته ها :

- لبس به معنای آمیختن ، و شیع جمع شیعه ، به معنای گروه است .
- در آیه ی قبل ، قدرت نجات بخش الهی مطرح شد، اینجا قدرت قهر و عذاب او.
- امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از عذاب آسمانی ، دود و صیحه و مراد از عذاب زمینی ، فرورفتن در آن و مراد از یلبسکم شیعا، تفرقه در دین و بدگویی و کشتن یکدیگر است .(۱۳۹) شاید آن حضرت در مقام بیان بعضی از نمونه ها بوده اند نه تمام مصادیق ، زیرا مثلا عذاب فوق شامل فشار طاغوت ها که حاکم بر مردمنده و عذاب تحت شامل قهری بدنبال نافرمانی مردم از رهبر حق که از مردم و در مردم و هم سطح آنان است نیز می شود.

- تعبیر گوناگونی در قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، این مضمون را بیان می کند که پیامبر مسئول ابلاغ دین خداست ، نه اجبار مردم به ایمان آوردن . از جمله : ما جعلناک علیهم حفیظاً(۱۴۰) ، لست علیهم بمصیطر(۱۴۱) ، ما اءنت علیهم بجبار(۱۴۲) ، ما علی الرسول الا البلاغ (۱۴۳) ، اءفانت تکره الناس (۱۴۴) ، لا اکره فی الدین (۱۴۵) ، ان اءنت الا نذیر(۱۴۶) و قل لست علیکم بوکیل .
پیام ها :

- ۱- یکی از وظایف پیامبر، یادآوری قدرت بی مانند خداوند است . قل هو القادر
- ۲- شرک ، زمینه ساز دریافت انواع عذاب هاست . ثم انتم تشرکون قل هو القادر...
- ۳- خداوند، هم نجات بخش است ، هم عذابگر، آنکه آگاهانه سراغ غیر خدا می رود، باید منتظر عذاب باشد. قل هو القادر علی اءن یبعث ...
- ۴- تفرقه و تشتت ، از عذاب های الهی و در کنار عذاب آسمانی و زمینی مطرح شده است . یلبسکم شیعاً
- ۵- گاهی مردم ، به وسیله ی مردم و با دست یکدیگر عذاب و تنبیه می شوند. یدیق بعضکم بءس بعض

۶- مبلغان دینی باید از روشهای گوناگون برای ارشاد مردم بهره گیرند. انظر كيف نصرّف الايات
۷- اگر مفهومی را در قالب های متنوع ارائه دادیم ، به تائیرات بیشتری امیدوار باشیم نصرّف الايات لعلمهم

بفقهون

۸- چون راه شما حقّ است ، از تکذیب مردم نگران نباشید. و هو الحقّ

۹- تو مسئول وظیفه هستی ، ضامن نتیجه نیستی . لست علیکم بوکیل

۶۷- لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

ترجمه :

برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می دهد) وقتی مقرر است (که در آن واقع می شود) و به زودی
خواهید دانست .

نکته ها :

○ در آیه ی قبل گفته شد: خداوند قدرت دارد از هرسو بر شما عذاب نازل کند، این آیه می فرماید: اگر عذابی بر
کفار لجوج نازل نشد، عجله نکنید، زیرا برای تحقّق هر خبری زمانی معین است .

پیام ها :

۱- تحقّق همه ی خبرها و برنامه های الهی ، قطعی و بر اساس حکمت و زمان بندی معین است . (هیچ حادثه ای
بدون برنامه و هدف و تصادفی نیست) لکلّ نباءٍ مستقرّ

۲- گرچه مجبور به ایمان آوردن نیستید، ولی فکر عاقبت و فرجام کار خودتان باشید. و سوف تعلمون

۳- زود قضاوت نکنید و مهلت دادن های الهی را نشانه ی غفلت خدا از خودتان نپندارید. سوف تعلمون

۶۸- وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا
تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما (به قصد تخطئه) کندوکاو می کنند، از آنان روی بگردان تا (مسیر سخن را
عوض کرده) وارد مطلب دیگری شوند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت ، پس از توجه ، (دیگر) با این قوم
ستمگر منشین .

نکته ها :

○ خوض به معنای کندوکاو و گفتگو به قصد تمسخر و تحقیر است ، نه برای فهم و درک حقیقت . (۱۴۷)

○ بعد الذّکری ممکن است به معنای تذکر دادن دیگری ، یا به معنای متذکر شدن خود انسان باشد.

○ سؤال : پیامبران الهی معصوم هستند، پس چگونه در آیه سخن از نفوذ شیطان در پیامبر مطرح شده است ؟

ینسینک الشیطان

پاسخ : تائیر شیطان در به فراموشی کشاندن ، مساءله ای فرضی است ، مثل آیه ی لئن أشركت لیحبطنّ عملک
(۱۴۸) یا آیه ولو تقول علينا بعض الآفویل (۱۴۹) یعنی اگر مشرک شوی ، یا اگر به ما نسبتی ناروا بدهی ، نه اینکه
چنین شده است .

و ممکن است مراد اصلی آیه ، پیروان پیامبرند، نه خود ایشان ، همان گونه که در فارسی ضرب المثلی است که به
در می گوئیم که دیوار بشنود.

○ مشابه این مطلب ، در سوره ی نساء آیه ۱۴۰ نیز آمده است : اذا سمعتم آیات الله یكفر بها و یتهزأ بها فلا
تقعّدوا معهم حتّى یخوضوا فی حدیث غیره ... اگر شنیدید که به آیات الهی کفر می ورزند یا مسخره می کنند با
آنان منشینید تا سخن را عوض کنند.

○ در روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از همنشینی با اهل گناه ، یا شرکت در جلسه ای که گناه می شود و انسان قدرت جلوگیری از آن را ندارد نهی شده است ، حتی اگر آنان از بستگان انسان باشند. حضرت علی علیه السلام به فرزندش وصیت کرد: خداوند بر گوش واجب کرده که راضی به شنیدن گناه و غیبت نشود. (۱۵۰)

○ رسول خدا صلی الله علیه و آله با استناد به این آیه فرمودند: کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، در مجلسی که در آن امامی سبّ می شود و یا از مسلمانی عیب جویی می گردد نمی نشیند. (۱۵۱)

○ حضرت علی علیه السلام مجالسه الاشرار تورث سوء الظنّ بالاخیار همنشینی با بدان ، سبب سوء ظنّ به نیکان می شود. (۱۵۲)

پیام ها :

۱- غیرت و تعصّب دینی خود نسبت به مقدّسات را به دشمنان نشان دهید. اذا راءیت الذّین یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم

۲- اعراض از بدی ها و مبارزه ی منفی با زشتکاران ، یکی از شیوه های نهی از منکر است . فاءعرض عنهم

۳- توجّه و گوش دادن به سخنان باطل (و دیدن و خواندن کتب و برنامه های گمراه کننده) نکوهیده است . (۱۵۳) یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم البتّه در مواردی که برای آگاهی و ردّ و پاسخ دادن توسط اهل فن باشد، منعی ندارد.

۴- به جای هضم شدن در جامعه ، یا گروه و مجلس ناپسند، وضع آن را تغییر دهید. حتی یخوضوا فی حدیث غیره

۵- اعلام برائت و محکوم کردن لفظی کافی نیست ، باید به شکلی برخورد کرد. فاعرض ... فلا تقعد

۶- مجالست با ظالمان نارواست ، پس پرهیز کنیم . فلا تقعد

۷- شرط تکلیف ، توجّه و آگاهی است . اما ینسینک الشیطان (فراموشی ، عذر پذیرفته ای است)

۸- سخن گفتن به ناحق درباره ی آیات قرآن ، (از طریق استهزا، تفسیر به راءی ، بدعت و تحریف) ظلم است .

الظالمین

۶۹- وَمَا عَلَی الذّین یتّقونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ وَلَکِنْ ذِکْرَی لَعَلَّهُمْ یتّقونَ

ترجمه :

کسانی که پروا پیشه کردند، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند.

نکته ها :

○ آیه ی تحریم همنشینی با یاوه گوین و مسخره کنندگان که نازل شد، عده ای گفتند: پس به مسجدالحرام هم

نباید برویم و طواف نیز نکنیم ، چون دامنه ی استهزاشان تا آنجا هم کشیده شده است . این آیه نازل شد که

حساب مسلمانان با تقوی که به مقدار توان تذکّر می دهند جداست ، آنها مسجدالحرام را ترک نکنند. (۱۵۴)

○ شرکت در جلسه ی اهل گناه به قصد نهی از منکر و ارشاد، مانعی ندارد، البتّه برای آنان که با تقوا و نفوذ ناپذیرند، وگرنه بسیاری برای نجات غریق می روند و خود غرق می شوند.

شد غلامی که آب جو آرد

آب جو آمد غلام ببرد

پیام ها :

۱- رعایت اهمّ و مهمّ در مسائل ، از اصول عقلی و اسلامی است . شنیدن موقّتی یاوه ها به قصد پاسخگویی یا نجات

منحرفان ، جایز است . و ما علی الذّین یتّقونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ

۲- تقوا وسیله ی حفاظت و بیمه ی انسان در مقابل گناه است . (مثل لباس ضد حریق ، برای ماءموران آتش نشانی و ما علی الذین یتقون

۳- از همنشینی با یاهو سرایان پرهیز کنیم وسخنانشان را استماع نکنیم ، ولی اگر به ناچار چیزی به گوش ما ، رسید مانعی ندارد. ما علی الذین یتقون ... من شیء

- علاوه بر تقوای خود، باید به فکر متقی کردن دیگران نیز باشیم .

۷۰- و ذالذین اتخذوا دینهم لعباولهوا و غرتهم الخیوه الدنیا و ذکر به ان تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلُّ عَدَلٍ لَا يُؤَخِّدُ مِنْهَا اءُؤَلِّئِكَ الذِّینَ اءُبْسَلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ اءَلِيمٌ بِمَا كَانُوا یَكْفُرُونَ

ترجمه :

و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است ، رها کن و به وسیله ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتند، در حالی که جز خدا هیچ یاور و شفیع ندارند، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) بپردازد از او پذیرفته نمی شود، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفر شان خواهد بود.

نکته ها :

○ مراد از رها کردن منحرفان در جمله ی ذر الذین اتخذوا دینهم ... اظهار تنفر و قطع رابطه کردن با آنان است ، که گاهی هم به نبرد با آنها می انجامد، نه اینکه تنها به معنای ترک جهاد با آنان باشد.

○ کلمه ی تُبْسَلَ به معنای محروم شدن از خوبی و به هلاکت رسیدن است .

○ به بازی گرفتن دین ، هر زمانی به شکلی خود را نشان می دهد، گاهی با اظهار عقائد خرافی ، گاهی با قابل اجرا ندانستن احکام ، گاهی با توجیه گناهان و گاهی با بدعت و تفسیر به رای و پیروی از متشابهات و... است .

پیام ها :

۱- غیرت دینی ، سبب طرد افراد بی دین و بایکوت کردن مخالفان مکتب در جامعه است . ذر الذین ... چنانکه در آیات دیگری نیز می خوانیم : فاعرض عنهم (۱۵۵)، ذرهم یاءکلوا ویتمتعوا(۱۵۶) و لا تحزن علیهم (۱۵۷)

۲- دلبستگی و فریفته شدن به دنیا، زمینه ی به بازی گرفتن دین است . الذین اتخذوا دینهم لعبا... غرتهم الحیاة الدنیا

۳- تذکر و موعظه ، سبب نجات از قهر و عذاب الهی است . و ذکر به

۴- در تذکر و هشدار باید از قرآن بهره گرفت . و ذکر به

۵- به دنیا مغرور نشویم که در قیامت جز خداوند چیزی به کمک ما نمی آید. لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

۶- عامل بدبختی های انسان ، خود او و عملکرد اوست . بما کسبت ... بما کسبوا... عذاب الیم بما کانوا یکفرون

۷۱- قل اندر عوا من دون الله ما لا ینفعنا و لایضرنا و نردُّ عَلٰی اءَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰیْنَا اللّٰهُ کَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّیْطٰنُ فِی الْاَرْضِ حٰیْرَانَ لَهٗ اءَصْحَبٌ یَّدْعُوْنَهٗ اِلٰی الْهُدٰی اٰتٰنَا قُلْ اِنْ هٰدٰی اللّٰهُ هُوَ الْهُدٰی وَاَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

ترجمه :

بگو: آیا غیر خداوند، چیزی را بخوانیم که سود و زبانی برای ما ندارد و پس از آنکه خداوند هدایتمان کرد، به عقب باز گشته (و کافر) شویم؟ همچون کسی که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند): نزد ما بیا (و حق را بپذیر ولی

او گوشش بدهکار نیست). بگو هدایتی که از سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما مأموریم که برای خدای جهانیان تسلیم باشیم.

۷۲- وَأَنْ أَعْقِبُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید. نکته ها:

○ در آیه ی ۷۲، از میان همه ی وظایف به نماز، و از میان همه ی عقائد به معاد اشاره شده است و این اهمیت آنها را می رساند.

○ در یکتاپرستی، آرامش و تمرکز است، ولی در شرک و چندتاپرستی، گیجی و تحیر. اءرباب متفرقون خیر اءم الله الواحد القهار (۱۵۸) آیا چند ارباب گوناگون بهتر است یا یک خدای قهار؟ خداوند هم یکی است: قل هو الله احد و هم زود راضی می شود یا سریع الرضا، ولی غیر خدا هم زیادند و هم هر کدام توقعات گوناگونی دارند و زود راضی نمی شوند.

پیام ها:

۱- با سؤال وجدان ها را تحریک کنید. قل اءندعوا من دون الله

۲- شرک، غیر منطقی است، چون انگیزه ی پرستش، کسب سود یا دفع ضرر است و بت ها قادر به هیچ نفع و ضرر رساندن نیستند. لاینفعنا و لایضرنا

۳- از غریزه ی منفعت خواهی مردم، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم. لاینفعنا و لایضرنا

۴- شرک، نوعی عقب گرد و ارتجاع اعتقادی است. نرد علی اعقابنا

۵- شرک، مایه ی سرگردانی و تحیر است. حیران

۶- در برابر انحرافات، باید موضع گیری صریح و مکرر داشت. قل اءندعوا... قل ان هدی الله ...

۷- تسلیم خدا شدن، مایه ی رشد خودماست. لنسلم لرب العالمین

۸- نماز، همراه تقوی کارساز است. اقیموا الصلوة واتقوه

۹- ایمان به معاد ورستاخیز، عامل پیدایش تقوی در انسان است. واتقوه و هو الذی الیه تحشرون

۷۳- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

ترجمه:

و او کسی است که آسمان ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید: موجود شو، بی درنگ موجود می شود، سخن او حق است. (و روز قیامت) روزی که در صور دمیده می شود، حکومت تنها از اوست، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه.

نکته ها:

○ در قرآن دو نوع دمیدن در صور آمده است: یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده ی مردم برای رستاخیز. در این آیه، یک بار آن مطرح شده است، اما در آیه ۶۸ سوره ی زمر، دمیدن در دو صور مطرح است: وَ نُفِخُ فِي الصُّورِ

فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

○ اگر در آیات قبل، سخن از تسلیم بودن در برابر خدا و اقامه ی نماز بود، اینجا علت آن ذکر شده که آفرینش به دست اوست، او آگاه و حکیم است و از هر چیز با خبر است.

○ امام صادق علیه السلام درباره ی عالم الغیب و الشهادة فرمودند: غیب آن است که هنوز نیامده و شهادت آنچه که بوده است می باشد. (۱۵۹)

پیام ها :

۱- آفرینش ، حکیمانه و هدفدار است . بالحقّ البتّه به این نکته در آیات متعدّدی اشاره شده است ، از جمله : و ما خلقنا السموات و الارض وما بينهما باطلا(۱۶۰)

۲- برای اراده ی خداوند، هیچ مانعی نیست . کن فیکون

۳- غیب و شهود، نهان و آشکار، برای خداوند یکسان است . عالم الغیب و الشهاده

۴- مبنای حکومت الهی بر حکمت و علم است . له الملك ... و هو الحکیم الخبیر

۵- در قیامت ، جلوه و نمود قدرت الهی بر همه آشکار می شود، چون آنجا اسباب و وسائل کارساز نیست . له الملك

۷۴- وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَزْرًا ءَاتَتْخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَعِزِّيكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ترجمه :

و (یاد کن) آن هنگام که ابراهیم به پدرش آزر گفت : آیا بتان را خدایان می گیری ؟ بی شک تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم .

نکته ها :

○ کلمه ی اءب بطور طبیعی به معنای پدر است ، ولی به معنای جدّ مادری ، عمو و مربّی هم گفته می شود. چنانکه فرزندان یعقوب به پدران و عموی پدر خود حضرت اسماعیل نیز اب گفتند: نعبد الهک و اله آبائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق (۱۶۱) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمود: اءنا و علیّ اءبوا هذه الأمة (۱۶۲)، من و علی ، پدران این امتیم . آزر، عموی ابراهیم بود، نه پدرش . پدران ابراهیم همه موحد بوده اند. از علمای اهل سنّت نیز، طبری ، آلوسی و سیوطی می گویند: آزر پدر ابراهیم نبوده است . به علاوه ، ابراهیم به پدر و مادر خویش دعا کرد: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي... (۱۶۳) در حالی که مسلمان حقّ ندارد برای مشرک طلب مغفرت کند، هر چند فامیل او باشد.

از مجموع اینها برمی آید که اءب در این آیه به معنای پدر نیست . به علاوه نام پدر ابراهیم علیه السلام در کتب تاریخ ، تاریخ ذکر شده است ، نه آزر. (۱۶۴)

○ استغفار حضرت ابراهیم برای عمویش آزر نیز قبل از روشن شدن روحیه ی کفر او و به خاطر وعده ای بود که به او داده بود، و چون فهمید که حقّ پذیر نیست ، از او تبری جست و جدا شد. فلما تبین له انه عدوٌّ لله تبرّأ منه (۱۶۵)

پیام ها :

۱- خویشاوندی ، مانع نهی از منکر نیست . اذ قال ابراهیم لابیه ...

۲- ملاک در برخورد، حقّ است نه سنّ و سال . قال ابراهیم لابیه

(حضرت ابراهیم به عموی خود که سن بیشتر داشته ، آشکارا حقّ را بیان کرده و هشدار داده است .)

۳- در شیوه ی دعوت به حق ، باید از بستگان نزدیک شروع کرد. لایبه و باید از مسائل اصلی سخن گفت . اءتتخذ اصناماً آلهة

۴- سابقه ی شرک و بت پرستی ، به پیش از رسالت حضرت ابراهیم بازمی گردد. اءتتخذ اصناماً

۵- اکثریت ، سابقه و سنّ، باطل را تبدیل به حقّ نمی کند و همه جا ارزش نیست . اءراک و قومک فی ضلال

۶- بت پرستی ، انحرافی است که وجدان های سالم و عقل ، از آن انتقاد می کنند. اءتتخذ اصناماً... ضلال مبین

۷- گرچه ابراهیم علیه السلام حلیم بود، ان ابراهیم لاواه حلیم (۱۶۶) و پیامبر باید حتی با فرعون هم نرم حرف بزند، ولی لحن برخورد حضرت ابراهیم در این آیه، به خاطر اصرار عموییش بر کفر بود. ائی اراک و قومک فی ضلال مبین

۷۵- وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ
ترجمه:

و اینگونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا (یقین پیدا کند و) از اهل یقین باشد.
نکته ها:

○ درباره ی ملکوت، بزرگان سخنانی گفته اند که برخی را در اینجا نقل می کنیم:
کلمه ی ملکوت از ملک است و واو و تاء برای تاءکید و مبالغه به آن افزوده شده است. ملکوت آسمان ها یعنی مالکیت مطلق و حقیقی خداوند نسبت به آنها و مشاهده ملکوت یعنی مشاهده اشیا از جهت انتساب آنها با خداوند. دید ملکوتی یعنی درک توحید در هستی و باطل بودن شرک. (۱۶۷)
عوامل هستی به چهار بخش تقسیم شده است: لاهوت (عالم الوهیت که جز خدا کسی از آن آگاه نیست)، جبروت (عالم مجردات)، ملکوت (عالم اجسام) و ناسوت (عالم کون و فساد و تغییر و تحولات). (۱۶۸)
عالم ملکوت، عالم اسرار و نظم و شگفتی ها و جهان غیب است. (۱۶۹)
ملکوت آسمان ها، عجایب آنها است. (۱۷۰)

ابراهیم با دیدن ملکوت آسمان ها و زمین، بیشتر با سنت، خلقت، حکمت و ربوبیت الهی آشنا شد. به فرموده ی امام باقر علیه السلام خداوند به چشم ابراهیم علیه السلام، قدرت و نوری بخشید که عمق آسمان ها و عرش و زمین را مشاهده می کرد. (۱۷۱)

○ استدلال محکم و برخورد علمی با دیگران، نیازمند ایمان قلبی است. حضرت ابراهیم هم پس از یقین، لیکن من الموقنین وارد استدلال می شود که در آیات پس از این می آید. (۱۷۲)

○ حرف واو در جمله ی ولیکون من الموقنین رمز آن است که دید ملکوتی چند هدف داشته که یکی از آن اهداف، به یقین رسیدن حضرت ابراهیم بوده است.
پیام ها:

۱- آنکه حق را شناخت و به آن دعوت کرد و از چیزی نهراسید، خداوند دید ملکوتی به او می بخشد. (همچون حضرت ابراهیم، به مقتضای آیه قبل) و کذلک نری ابراهیم ملکوت ... آری، یک جوان هم می تواند با رشد معنوی، به دید ملکوتی دست یابد. چون طبق تفاسیر متعدد، ابراهیم در آن زمان نوجوان بود.

۲- انبیا، از هدایت ویژه ی خداوند برخوردارند. و کذلک نری ابراهیم

۳- یقین، عالی ترین درجه ی ایمان است. و لیکن من الموقنین

۴- به یقین رسیدن، نیاز به امداد الهی دارد. نری ... الموقنین

۷۶- فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ
ترجمه:

پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: من زوال پذیران را دوست ندارم.

نکته ها:

○ در زمان ابراهیم علیه السلام ستاره پرستی رایج بوده و ستاره را در تدبیر هستی مؤثر می پنداشتند.

○ سؤال : آیا پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم حتی برای یک لحظه می تواند ستاره یا ماه و یا خورشید را بپرستد؟

پاسخ : مجادله و گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکان ، از باب مماشات و نشان دادن نرمش در بحث ، برای رد عقیده ی طرف است ، نه اینکه عقیده ی قلبی او باشد زیرا شرک با عصمت منافات دارد. گفتن کلمه ی یا قوم در دو آیه ی بعد نشانه ی مماشات در گفتن هذا ربی است ، به همین دلیل وقتی غروب ماه و خورشید را می بیند، می گوید: من از شرک شما بیزارم ، و نمی گوید از شرک خودم (آیه ۷۸).

به علاوه در آیه ی قبل خواندیم که خداوند، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان داد و او به یقین رسید و آغاز این آیه با حرف فاء شروع شد، یعنی نتیجه آن ملکوت و یقین این نوع استدلال بود.

○ موجودی که طلوع و غروب دارد، محکوم قوانین است نه حاکم بر آنها. ابراهیم ، ابتدا موقتاً پذیرش آن را اظهار می کند تا بعد با استدلال رد کند.

پیام ها :

۱- یکی از شیوه های احتجاج ، اظهار همراهی با عقیده ی باطل و سپس رد کردن آن است . هذا ربی
۲- بیدار کردن فطرت ها، فعال کردن اندیشه ها و توجه به احساسات ، از بهترین شیوه های تبلیغ است . لا أحب الافلین

۳- محبوب واقعی کسی است که محدود به مکان ، زمان و موقت نباشد. لا أحب الافلین

۴- معبود، باید محبوب و عبادت باید عاشقانه باشد، روح دین ، عشق است . لا أحب الافلین

۷۷- فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لم يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

ترجمه :

پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید، گفت : این پروردگار من است . پس چون غروب کرد، گفت : اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان می بودم .

نکته ها :

○ کلمه ی بازغ از بزغ ، به معنای شکافتن و جاری ساختن خون است . اما در اینجا گویا طلوع خورشید و ماه ، پرده ی تاریکی شب را می شکافد و سرخی کم رنگی در اطراف خود پدید می آورد.(۱۷۳)

○ ابراهیم علیه السلام هم با ستاره پرستان برخورد کرد، هم با ماه و خورشید پرستان .(۱۷۴) به گفته ی بسیاری از مفسران ، گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکین منطقه ی بابل بود.

○ انسان در هر فرضیه ای که به بن بست رسید، باید بدون لجاجت ، مسیر را عوض کند. بر خلاف مشهور که می گویند: مرد آن است که روی حرف خود بایستد و پافشاری کند، این آیه به ما می گوید: مرد آن است که حرفش حق باشد، گرچه با تغییر موضع باشد.

پیام ها :

پیام های ۱ و ۲ و ۳ آیه ی قبل ، در اینجا نیز موضوعیت دارد.

۴- در انتقاد، باید از روش گام به گام بهره گرفت . در آیه ی قبل فرمود: من آفلین را دوست ندارم . ولی اینجا می فرماید: پرستش ماه ، انحراف و ضلالت است .

۵- در راه شناخت ، باید به فیض و هدایت الهی تکیه کرد و بدون آن ، نمی توان به سرچشمه ی زلال معارف رسید.(۱۷۵) لئن لم يَهْدِنِي رَبِّي

۶- در درون انسان ، گمشده ای است که گاهی در پیدا کردن آن ، سراغ مصداق های گوناگون (و گاهی انحرافی) می رود. هذا ربی در دو آیه پی در پی آمده است .

۵- توحید ناب ، همراه با برائت از شرک است . و ما انا من المشركين

۸۰- وَحَاجَّةُ قَوْمِهِ قَالَ اَتَّحِجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَيْتَنِي وَلَا اَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند، او گفت : آیا درباره ی خدا با من محاجّه و ستیزه می کنید؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم ، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد، (که اگر هم آسیبی به من برسد، خواست خداست ، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فراگرفته ، پس آیا پند نمی گیرید؟

پیام ها :

- ۱- اهل باطل ، تعصّب دارند. حاجّه قومه (آنگونه که اگر بدهکار را آرام بگذارند طلبکار می شود، قوم منحرف هم به جای شرم از شرک خود، قد علم کرده احتجاج می کنند)
- ۲- تعصّب و پافشاری اهل باطل ، شگفت آور است . اءتجاجونى فى الله
- ۳- موحد، حتّى اگر تنها باشد، از مقابله با یک جمعیت نگرانی ندارد. اءتجاجونى فى الله ... و لا اخاف ...
- ۴- حقّ جویی از انسان است ولی هدایت از خداست . هدان (حتّى انبیا نیاز به هدایت الهی دارند)
- ۵- آنکه مشمول هدایت الهی شود، بیم ندارد. هدان ولا اخاف
- ۶- نترسیدن از غیر خدا، نشانه ی توحید است . لا اخاف (مشركين ، حضرت ابراهيم را به خطر و انتقام بت ها تهدید می کردند)
- ۷- از ریشه های شرک ، گمان ضرر و ترس از آسیب رسانی بت ها و طاغوت ها می باشد. لا اخاف ما تشركون (ترس موهوم از بت ها، سبب پافشاری و تعصّب بر بت پرستی بود)
- ۸- تاءثیر و نقش هر پدیده ای وابسته به اراده خداوند است . لا اخاف ما تشركون به الا ان يشاء ربى
- ۹- ربوبیت ، سزاوار کسی است که احاطه ی علمی دارد. وسع ربى كلشى ء علماً
- ۱۰- حقیقت ، امری فطری و وجدانی است که برای شناخت آن ، تذکر کافی است . اءفلا تتذکرون
- ۸۱- وَكَيْفَ اَخَافُ مَا اءشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ اءنَّكُمْ اءشْرَكْتُمْ بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا فَاَيُّ الْفَرِيقَيْنِ اءْحَقُّ بِالْاٰمِنِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ترجمه :

و چگونه از چیزی که شریک خدا ساخته اید بترسم و حال آنکه شما آنچه را که خدا هیچ دلیلی درباره ی آن بر شما نازل نکرده است شریک او گرفته و نمی ترسید؟ اگر می دانید (بگویید که) کدام یک از ما دو دسته به ایمنی (در قیامت) سزاوارتر است ؟

نکته ها :

○ کلمه ی سلطان ، به معنای دلیل و حجّت و برهان است .

○ بر خلاف آنان که ترس را انگیزه ی اعتقاد به خداوند می دانند، این آیه ، ترس را انگیزه ی شرک می داند.

پیام ها :

- ۱- از تهدیدات موهوم ، نهراسید. كيف اخاف ما اءشركتم
- ۲- امنيت روحی ، در پرتو توحید حاصل می گردد. كيف اخاف ما اءشركتم
- ۳- عقائد دینی باید بر اساس دلیل و برهان باشد. كيف ما اءشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا
- ۴- در بحث و مناظره ، نباید تعصّب مردم را تحریک کرد. فاءى الفریقین و نفرمود: ما در امان و شما در خطرید.

۵- علم صحیح ، وسیله راهیابی به خداست ، اگر آن را درست به کار گیریم ، به نتایج صحیح می رسیم . ان کنتم تعلمون

۸۲- الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

ترجمه :

کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند، آنانند که برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند.

۸۳- وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

این (نوع استدلال) حجت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم ، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می بریم . همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها را بالا می برد).

نکته ها :

○ آیات قبل درباره ی توحید و شرک بود و این آیات به منزله ی جمع بندی آیات گذشته است ، چنانکه امام علیه السلام فرمود: مراد از ظلم در این آیه شرک است. (۱۷۸)

○ در بعضی روایات مراد از ظلم را شک و تردید گرفته اند. (۱۷۹) البته شک گاهی غیر اختیاری و مقدمه ی تحقیق است ، ولی گاهی جنبه بهانه و تشکیک دارد که این نوع دوم ، ظلم است. (۱۸۰)

○ امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد که لحظه ای در طول زندگی به سراغ شرک نرفت. (۱۸۱)

○ کلمه ی لبس به معنای پوشاندن است . بنابراین ایمان چون فطری است ، نابود شدنی نیست بلکه غبارهایی آن را می پوشاند.

پیام ها :

۱- آفت ایمان ، ظلم و شرک و به سراغ رهبران غیر الهی رفتن است . آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم

۲- حفظ ایمان ، مهمتر از خود ایمان است . لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن

۳- امنیّت و هدایت واقعی ، در سایه ی ایمان و عدالت است . آمنوا... لهم الامن و هم مهتدون (نه مؤمنان ظالم ، هدایت یافته اند و نه عدالت خواهان بی ایمان)

۴- تا ایمان خالص نباشد، دلهره است . و لم یلبسوا... بظلم... لهم الامن

۵- علم و حکمت دو شرط لازم برای تدبیر و مدیریت است . ان ربک حکیم علیم (با توجه به اینکه کلمه رب در لغت به معنای مدیر و مرتبی آمده است)

۶- موحدی که با برهان و دلیل در برابر انحراف های جامعه بایستد، دارای درجاتی است . درجات

۷- درجات الهی ، حکیمانه به افراد داده می شود. نرفع درجات ... حکیم

۸۴- وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ترجمه :

و ما به او (ابراهیم)، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم . و از نسل او (ابراهیم)، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم .

نکته ها :

○ در این آیه و دو آیه بعد، جمعا نام ۱۷ نفر از پیامبران آمده است و این ترتیب، نه به حسب زمان است و نه به حسب رتبه، شاید هم تقسیم آنها در این سه آیه بر این اساس باشد که در آیه ۸۴ نام پیامبرانی آمده است که حکومت داشتند. در آیه ی ۸۵ پیامبرانی که فقیر بودند و از زندگی دنیا بهره ای نداشتند و در آیه ی ۸۶ پیامبرانی که گرفتاری های ویژه ای داشتند. (۱۸۲)

○ در ضمیر ذرّیته دو احتمال است: یکی آنکه ضمیر به حضرت ابراهیم برگردد، چون آیات پیش درباره ی اوست و اکثر این افراد از نسل اویند، روایت نیز همین را می فرماید. دیگر آنکه به نوح علیه السلام برگردد، چون ضمیر به نام او نزدیکتر است و از نسل او پیامبرانی همچون لوط بوده اند.
پیام ها:

۱- فرزند صالح، هدیه و موهبت الهی است. وهبنا نجزی
۲- پیامبرزادگی به تنهایی سبب افتخار نیست، ذرّیه ابراهیم، خودشان کمالاتی داشتند و از هدایت الهی برخوردار بودند. کلا هدینا

۳- سنّت هدایت و بعثت، همواره جریان داشته است. ونوحا هدینا من قبل

۴- الطاف الهی بی حساب و جهت به کسی داده نمی شود. کذلک نجزی المحسنین

۸۵- وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلُّ مِّنَ الصَّالِحِينَ

و زکریّا، یحیی، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم) و همه از شایستگانند.

۸۶- وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ

ترجمه:

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری دادیم.

۸۷- وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و از پدران و ذرّیه و برادرانشان، کسانی را (مورد لطف قرار داده و به خاطر لیاقتشان آنان را به نبوت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم.

نکته ها:

○ برخی گمان کرده اند که ذرّیه تنها به نوه های پسری گفته می شود، در حالی که حضرت عیسی که پدر نداشت و تنها از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منسوب بود، در این آیه از ذرّیه حضرت ابراهیم به شمار آمده است. و من ذرّیته... عیسی امام صادق و امام کاظم ۸ به استناد همین آیه، اهل بیت علیهم السلام را که از طرف مادر به پیامبر می رسند، ذرّیه رسول الله و ابناء رسول الله دانسته اند. (۱۸۳) فخر رازی نیز در تفسیر خود، این نکته را پذیرفته است. در تفسیر المنار هم حدیثی از صحیح بخاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله کلمه ی ذرّیه را درباره امام حسن علیه السلام به کار برده است.

○ در اینکه یسع نام مستقلی است، یا اینکه مضارع وسع است (مثل یحیی) و یا اینکه همان یوشع است که با تغییراتی از عبری به عربی وارد شده، اقوالی است.

○ برخی خواسته اند از کلمه ی من در من آبائهم استفاده کنند که در میان پدران انبیا افراد منحرف هم بوده اند

ولی لحن آیات، در مقام برگزیدگی پدران برای نبوت است. نه در مقام کفر و ایمان آنان. (۱۸۴)

۸۸- ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه:

آن هدایت خداست، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند و اگر شرک ورزند، قطعاً آنچه انجام داده اند از دستشان خواهد رفت.

پیام ها :

- ۱- هدایت واقعی ، هدایت خداوند است . هدایت های دیگر، سراب است . ذلك هدى الله
- ۲- هدایت ، کار خداست . حتی پیامبران ، از خود راه هدایتی ندارند . بیهدی به من یشاء
- ۳- شرک ، عامل محو و باطل شدن کارهاست . لو اشرکوا لحبط
- ۴- در سنت الهی ، تبعیض نیست . حتی اگر پیامبران شرک ورزند، تنبیه می شوند، چون اصالت با حق است ، نه اشخاص . (با توجه به اینکه آیات قبل مربوط به انبیا است) . ولو اشرکوا
- ۵- انبیا معصومند و غبار شرک هرگز بر دامانشان نمی نشیند . در آیه ، فرض شرک به عنوان فرض محال آمده است . لَوُ

۶- در جهان بینی الهی ، ارزش کارها در اخلاص آنهاست . اگر اخلاص نباشد، چیزی باقی نمی ماند . ولو اشرکوا لحبط

۸۹- اءُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَآءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوْا بِهَا بِكْفِرِيْنَ
ترجمه :

آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوت به آنان دادیم . پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش ، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می گماریم .
نکته ها :

○ کلمه ی حکم ، هم به معنای حکومت و زمامداری است ، هم به معنای قضاوت و داوری و هم به معنای درک و عقل . در مفردات راغب ، معنای اصلی آن منع و جلوگیری ذکر شده و چون عقل و قضاوت و حکومت صحیح مانع اشتباه و خلافند، به آنها حکم اطلاق شده است .

○ در تفسیر المنار و روح المعانی از مفسران نقل شده که مراد از (قومی که کفر نمی ورزند و حق را پذیرفته و حمایت می کنند) ایرانیانند. (۱۸۵)

○ امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب صاحب این امر، محفوظ هستند، اگر همه ی مردم از او دور شوند، خداوند اصحاب او را می آورد. آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره ی آنان فرمود: فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَآءِ فَقَدْ وَكَلْنَا... (۱۸۶)

پیام ها :

- ۱- پیامبران ، حق حکومت و قضاوت دارند . آتیناهم الكتاب و الحكم و النبوءة
- ۲- نیکوکاری ، صلاح پیشگی و راه یافتن به راه مستقیم ، از اوصاف انبیاست . نجزی المحسنین كل من الصالحينهدیناهم الی صراط مستقیمآتیناهم الكتاب

۳- هر مکتب طرفداران و مخالفانی دارد و میان آنان نیز ریزش است و هم رویش . گاهی طرفدار، مخالف و یا مخالف طرفدار می شود . مسلمان ، مرتد و کافر، مسلمان می شود . فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَآءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا

۴- با کفر گروهی ، مکتب حق بی طرفدار نمی ماند . وقتی راه ، حق و الهی باشد، آمد و رفت افراد نباید در انسان اثر کند . فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَآءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا

۹۰- اءُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدْيِهِمْ اَقْتَدِهٖ قُلْ لَّا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اِجْرًا اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ
آنان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده ، پس به هدایت آنان اقتدا کن . (ای پیامبر! به مردم) بگو: من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی کنم ، این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست . (و خواست من جز پندگرفتن اهل عالم نیست) .

نکته ها :

○ حرف ه در اقتده ، ضمیر نیست ، بلکه هاء سکت است و برای وقف به کار می رود.

پیام ها :

- ۱- پیروی از هدایت پیامبران ، اقتدا به هدایت الهی است . هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۲- نام و یاد و راه اولیای خدا باید زنده بماند و نوآوری ها نباید ارزش های پیشین را از یاد ببرد. فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۳- ارزش انسان به خط فکری و سیره ی عملی اوست . (فرمود: فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه ، و نفرموده : بهم اَقْتَدِه) .
- ۴- نسخ ادیان گذشته ، به معنای بطلان اصول و کلیّات آنها نیست ، خط کَلّی انبیا باید تداوم یابد. فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۵- موفّق ترین انسان باید از کمالات و اخلاق نیک و روش استوار پیشینیان بهره مند شود. فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۶- اهداف تمام انبیا، یکی است . (زیرا اقتدا به انبیایی که اهداف متضادّی دارند ممکن نیست) . فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۷- دلیل و نتیجه ی پیروی ، باید هدایت یافتگی باشد. هَدَى اللّٰهُ فَبِهَدَاهُمْ اَقْتَدِه
- ۸- مبلغ نباید به دنیاطلبی ، گرایش داشته و به آن متّهم شود. قل لاءسئلكم
- ۹- یکی از تفاوت های پیامبران با دیگر مدعیان آن است که هدف پیامبران ، مادیات نیست . لاءسئلكم
- ۱۰- انبیا، مایه ی یادآوری انسان های فراموشکار و غافلند. ذِکْرِی
- ۱۱- اسلام ، دین جهانی است . ذِکْرِی لِّلْعَالَمِیْنَ

۹۱- وَا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰی بَشَرٍ مِّنْ شَیْءٍ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِیْ جَاءَ بِهٖ مُّوسٰی نُورًا وَّ هُدٰی لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قِرَاطِیْسَ تُبَدُّوْنَهَا وَّ تُخْفَوْنَ کَثِیْرًا وَّ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا اَنْتُمْ وَّ لَآ اَبَاؤُكُمْ قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِیْ خَوْضِهِمْ یَلْعَبُوْنَ

ترجمه :

خداوند را آنگونه که شایسته ی اوست نشناختند، چرا که گفتند: خداوند بر هیچ بشری ، چیزی نازل نکرده است .
بگو: کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازید، و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات ،) به شما آموخته شد. (ای پیامبر!) بگو: خدا (بود که آنها را نازل کرد)، سپس رهایشان کن تا در یاهه گویی های خود غوطه ور باشند.

نکته ها :

○ گروهی از یهود با اینکه به نزول وحی بر حضرت موسی عقیده داشتند، اما از سر لجاجت می گفتند: خداوند بر هیچ پیامبری کتابی نازل نکرده است .

این آیه می فرماید: حرف شما با عقیده شما تناقض دارد. اگر خداوند بر هیچکس وحی نمی فرستد، پس تورات را که به آن عقیده دارید چه کسی نازل کرده است ؟

پیام ها :

- ۱- فرستادن پیامبران و کتب آسمانی ، لطفی از سوی خدا به بندگان است . کسانی که آنان را انکار می کنند، در واقع منکر لطف ، رحمت و حکمت الهی اند. ما قدروا اللّٰه ...
- ۲- به شبهاتی که القا می شود باید پاسخ داد. قالوا... قل
- ۳- تورات اصلی ، نور و هدایت بوده است . نورا و هدی
- ۴- در تورات مطالبی بوده که علمای یهود آنها را کتمان کرده اند. تخفون کثیرا
- ۵- مبلغان دینی باید بدون مصلحت اندیشی بی مورد، معارف و حقایق مکتب را برای مردم بیان نمایند. ما قدروا اللّٰه ... تخفون کثیرا
- ۶- بدون وحی ، دست انسان از معارف بسیاری کوتاه است . عَلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا...
- ۷- وظیفه ی انبیا، ابلاغ است ، نه اجبار. قل اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ

۸- احتجاج باید به قدر ضرورت باشد نه بیشتر. این آیه که خود نوعی احتجاج است می فرماید: اکنون که نمی پذیرند آنان را رها کن . ذرهم

۹۲- وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكًا مُصَدِّقًا لَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ
ترجمه :

این مبارک کتابی است که نازل کرده ایم ، تصدیق کننده آنچه (از کتب آسمانی) که پیش از آن آمده است ، (تا مردم را به پاداش های الهی مژده دهی) و اهل مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و(البته) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد وهمانان بر نمازهای خود محافظت دارند.
نکته ها :

○ در این آیه ، لتنذِر همراه با واو آمده است ، وَلِتُنذِرَ شاید اشاره به این باشد که قرآن ، غیر از انذار، هدف های دیگری نیز دارد.

○ با آنکه انبیا مبشّران هدایت و نجاتند، ولی چون دفع ضرر مقدّم بر جلب منفعت است و نیاز روحی انسان به انذار بیشتر است ، در قرآن کلمه نذیر و مشتقات آن ، بیش از بشیر و مشتقات آن به کار رفته است .
پیام ها :

۱- قرآن ، در بردارنده ی همه برکات است . (همچون : هدایت ، عبرت ، شفا، رشد، عزّت) مبارک

۲- قرآن ، هماهنگ با کتب آسمانی دیگر و تصدیق کننده آنهاست و این نشانه ی وحدت هدف و الهی بودن آنهاست . مصدّق

۳- در تبلیغ باید از أمّالقری و مراکز مهم شروع کرد و سپس به اطراف پرداخت . لتنذِر أمّالقری و من حولها

۴- عقیده به قرآن و قیامت ، در کنار هم است . یؤ منون بالا خرة یؤ منون به

۵- روشن ترین مظهر ایمان ، نماز است . علی صلاتهم يحافظون

۶- ایمان به آخرت ، از عوامل مراقبت بر نماز است . یؤ منون بالآخرة ... علی صلاتهم يحافظون

۹۳- مُثَلِّمًا مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَعْخِرُوا أَنفُسَهُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ
ترجمه :

و کیست ظالم تر از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت : به من وحی شده ، در حالی که چیزی به او وحی نشده است . و نیز آن کس که گفت : به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم . و (ای پیامبر!) اگر ببینی زمانی را که ستمگران در سكرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (برای قبض روح آنان) دست های (قدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می دهند (و می گویند): امروز به خاطر نسبت های ناروا که به خداوند می دادید و از آیات او سربیزی می کردید، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد.

نکته ها :

○ در شاعن نزول این آیه چنین آمده است : شخصی به نام عبدبن سعد از نویسندگان وحی بود. رسول خدا صلی

الله علیه و آله او را به خاطر خیانتی طرد کرد. او هم مردم را جمع کرده و می گفت : من نیز می توانم آیاتی مثل قرآن بیاورم .

بعضی هم شاعن نزول آیه را ادعای پیامبری مسیلمه کذاب دانسته اند که در اواخر عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و آیه را مدنی پنداشته اند که به امر پیامبر در اینجا گنجانده شده است .

○ غَمَرَات از غمره ، به معنای شادید لحظه ی مرگ است که انسان را در کام خود فرومی برد.

○ برخی از مدّعیان پیامبری عبارت بودند از: مسیلمه در یمن ، اءسود عنسی در یمن ، طلیحه اسدی در بنی اسد. (۱۸۷)

○ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از عذاب هون ، مرگ در حال تشنگی است. (۱۸۸)

○ امام باقر علیه السلام کسانی را که بی جهت ادّعیای امامت کنند، از مصادیق این آیه دانسته اند. (۱۸۹)
پیام ها :

۱- افترا به خداوند ظلم فرهنگی است و ادّعیای رهبری از سوی ناهلان ، بزرگ ترین ظلم است . و من اءظلم ممّن افتری ... اءو قال او حی الیّ

۲- دشمن حقّ، یا حقّ را پایین می آورد، یا خود را بالا می برد. ابتدا می گوید: قرآن افسانه است ، اگر موقّق نشد، می گوید: من هم می توانم مثل قرآن حرف های جالب بزنم . ساءنزل مثل ما اءنزل اللّٰه در جای دیگر می خوانیم :
لو نشاء لقلنا مثل هذا (۱۹۰)

۳- مدّعیان ناءهل ودروغین مناصب دینی ، بدجان می دهند. ولو تری اذالظالمون ...

۴- کیفرهای اخروی از لحظه ی مرگ شروع می شود، به کافران می گویند: جان بده ، بمیر، اءخرجوا اءنفسکم که همراه با نوعی تحقیر است .

۵- روح انسان از جسم او مجرد و مستقلّ است . اءخرجوا اءنفسکم

۶- کیفر توهین به وحی و دین ، عذاب مهین و خوارکننده است . تجزون عذاب الهون

۹۴- مُونَا فَرَدَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ اءوّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ اءَنَّهُمْ فِیكُمْ شُرَكُوًا لَقَدْ تَقَطَّعَ بَیْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
ترجمه :

به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم ، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه ی اموالی را که به شما دادیم پشت سر گذاشتید و آن شفیعان را که در (تعیین سرنوشت) خودتان شریکان خدا می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم . به راستی (پیوندهای) میان شما گسسته و آنچه (از شریکان و شفیعان که به نفع خود) می پنداشتید از (دست) شما رفت .
نکته ها :

○ این خطاب ، در لحظه ی مرگ یا هنگام قیامت ، با مشرکان صورت می گیرد.

خَوَّلْنَا از خَوْل ، به معنای چیزی است که نیاز به سرپرست دارد و معمولاً به اموال گفته می شود. خَوَّلْنَاكم به معنای تملیک و اعطاست .

پیام ها :

۱- در قیامت ، انسان ، تنهاست . جئتمونا فُرادی

۲- معاد، جسمانی است . كما خلقناكم اءوّل مرّة

۳- مشرکان به چهار چیز تکیه داشتند: قوم و قبیله ، مال و دارایی ، بزرگان و اربابان و بت ها و معبودان .

این آیه ، بی ثمری هر چهار تکیه گاه را در قیامت مطرح می کند:

فُرادی بدون قوم و قبیله .

تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْنَاكم بدون مال و ثروت و دارایی .

ما نَرَى مَعكم شُفَعاء بدون یار و یاور.

ضَلَّ عَنْكم محو تمام قدرت های خیالی .

۴- گمان های بی پایه ، اساس بسیاری از گمراهی هاست . شُفَعاءكم الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ

۵- در قیامت ، حقایق ظاهر و سراب ها ، محو می شوند. ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
- إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنْتَى تُؤَفِّكُونَ
ترجمه :

همانا خداوند، شکافنده ی دانه و هسته است ، زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده ی مرده از زنده است .
آن است خداوند شما، پس چگونه (از حق) منحرف می شوید؟

نکته ها :

○ فالق از فلق به معنای شکافتن است . حَبَّ و حَبَّة ، به دانه های خوراکی و غذایی مثل گندم و جو گفته می شود.
نَوَى به معنای هسته است .

○ از علف بی جان ، حیوان جاندار و از حیوان جاندار ، شیر بی جان پدید می آید. از هسته بی جان ، درخت زنده ، و
از درخت رشدیافته ، هسته ی بی جان خارج می شود.

○ یکی از مصادیق آیه به گفته روایات آن است که گاهی از انسان های بی ایمان ، افراد مؤمن پدید می آید و از
انسان های با ایمان ، گاهی فرزندان کافر به وجود می آید. (۱۹۱) یَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ
پیام ها :

۱- کاشتن دانه و هسته ، کار انسان است ، ولی شکافتن و رویاندن ، کار خداست . إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى

۲- دَقَّتْ در آثار طبیعی ، از بهترین راه های خداشناسی است . فالق الحَبِّ... مُخْرِجُ الْمَيِّتِ ... ذَلِكَمُ اللَّهُ

۳- رزق و روزی انسان ، از راه همین دانه ها و بذرهاست که خداوند رویانیده است ، پس به سراغ چه کسی می
رویم ؟ فَأَنْتَى تُؤَفِّكُونَ

۹۶- فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

ترجمه :

(خداوند)، شکافنده ی سپیده دم است ، و شب را مایه ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایام).
این است اندازه گیری خداوند قدرتمند دانا.

نکته ها :

○ اصْبَاحِ هم به معنای صبح است ، هم به معنای سپری کردن شب و وارد صبح شدن ، امّا در اینجا مراد، هنگام
دمیدن سپیده ی صبح است .

○ در آیه ی قبل ، سه نشانه از قدرت خداوند در زمین مطرح شد، در این آیه نشانه هایی از قدرت الهی در آسمان
ها آمده است . شب و روز دو نشانه از قدرت الهی است که به واسطه ی گردش منظّم خورشید و ماه پدید می
آیند.

○ شب ، برای استراحت است و از کار و تلاش و سفر در شب ، نکوهش شده است . (۱۹۲) (از اینکه در این آیه ، شب
عامل سکون و آرامش شمرده شده ، معلوم می شود صبح برای کار و تلاش است .)

○ امام رضا علیه السلام فرمود: ازدواج را در شب قرار دهید، چون شب و همسر، هر دو وسیله ی سکون و آرامش
انسانند. (۱۹۳)

پیام ها :

۱- پیدایش شب و روز، نیاز به قدرت و دانش دارد که این کار را با تقدیر و اندازه گیری دقیق انجام دهد. فالق
الاصباح ...تقدیر العزیز العلیم

۲- خورشید و ماه ، وسیله ی نظم و حسابرسی و برنامه ریزی است . (۱۹۴) حسبَانًا

۳- برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل ، نیاز به علم و قدرت دارد. تقدیر العزیز العلیم

۴- تفکر در نظم دقیق کرات آسمانی ، راه خداشناسی است . اَنِّي تَوَّ فَكُونَ ...فَالِقِ الْاَصْبَاحِ ...
۹۷- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید. قطعاً ما نشانه ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم .

نکته ها :

- علم هیئت ، از قدیمی ترین علوم بشری است و انسان از ستارگان در سفرهای صحرائی و دریایی بهره می برده است . این وسیله ابزاری مطمئن ، همیشگی ، دست نخورده ، طبیعی ، عمومی و بی هزینه است .
- اسلام به مظاهر طبیعت ، توجه خاصی دارد. نام برخی سوره ها از اشیای طبیعی است . عبادات اسلامی نیز با طبیعیات گره خورده است ، همچون : وقت شناسی ، قبله شناسی ، خسوف و کسوف و نماز آیات ، اوّل ماه و هلال . اینها سبب آشنایی مسلمانان با علم هیئت و ایجاد رصدخانه هایی در بغداد، دمشق ، قاهره ، مراغه و اندلس و نگارش کتاب هایی در این زمینه به دست مسلمانان شد.
- خداوند برای سفرهای دریایی و صحرائی که در عمر انسان ها به ندرت پیش می آید، خداوند راهنما قرار داده است ، آیا می توان پذیرفت که برای حرکت دائمی انسان ها و گم نشدنشان در مسیر حق ، راهنما قرار نداده باشد؟ و این بیانگر لزوم رسالت و امامت برای هدایت بشر می باشد.
- در احادیث مراد از ستارگان هدایت کننده ، رهبران معصوم و اولیای خدا بیان شده است . (۱۹۵)

پیام ها :

۱- ستارگان ، مخلوق خدا و وسیله ی راهیابی اند، (نه آنگونه که برخی پنداشتند خالق و مدبرند). جعل لكم النجوم لتهتدوا بها

۲- نظام ستارگان آسمان چنان دقیق است که می توان راه های زمینی را با آن پیدا کرد. لتهتدوا بها

۳- شناخت وزن و حجم و میزان فاصله و سرعت حرکت و مدار ستارگان و کلاً علم ستاره شناسی و نجوم ، به تنهایی انسان را به خدا نمی رساند، باید انسان اراده کند و بخواهد که از این راه ، خدا را بشناسد. لقوم يعلمون (آری ، تنها نگاه به آینه برای اصلاح سر و صورت کافی نیست ، بلکه اراده و تصمیم و اقدام برای اصلاح نیز لازم است ، چه بسیارند آینه فروشانی که دائماً به آینه نگاه می کنند، ولی حتی یقه ی خود را صاف نمی کنند).

۹۸- وَهُوَ الَّذِي اَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

ترجمه :

و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته شده اند. ما آیات خویش را برای گروهی که می فهمند به تفصیل بیان کردیم .

نکته ها :

○ در تعبیر انشاء دو نکته نهفته است : ۱ ابتکار ۲ تربیت مستمر، در آفرینش انسان هم نوآوری و ابتکار است ، هم تربیت مستمر. آری ، آفریدن تقلیدی یا آفریدن و رها کردن ، چندان ارزشی ندارد.

○ در باره ی تعبیر مستقر و مستودع ، معانی دیگری هم گفته شده است ، از جمله : شما دارای روح پایدار و جسم ناپایدارید، شما دارای ایمان پایدار و یا ناپایدارید، شما از نطفه ی زن که در رحم پایدار است و نطفه ی مرد که ناپایدار است پدید آمده اید، مستقر در زمین و ودیعه ی در قبر تا روز قیامت هستید، نعمت ها گاهی پایدار است و گاهی ناپایدار. در دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از نماز عید غدیر، از خدا خواسته شود نعمت هایش را برای ما مستدام بدارد، چون خود فرموده است : فمستقر و مستودع . (۱۹۶)

پیام ها :

۱- اصل و ریشه ی همه ی شما یکی است ، پس این همه اختلاف و برتری طلبی و تبعیض چرا؟ من نفس واحده
۲- این همه تنوع و نوآوری در خلقت انسان ها تنها از یک نفس ، نشانه ی عظمت خداوند است . و هوآذی انشاکم
من نفس واحده

۳- همه ی داده ها پایدار نیست . تا نعمت و امکانات هست ، بهترین استفاده و بهره را ببریم . فمستقر و مستودع

۴- انسان تا اهل فهم نباشد، از معارف بهره نمی برد. قد فصلنا الایات لقوم یفقهون

۹۹- و هو الذی انزل من السما ما فاخرجنا به نبات کل شی فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا مترا راکباً و من النخل
من طلعها قنوان ذانیة و جنت من اءغنا ب والزیبون والرمان مشتبهاً و غیر متشبه انظروا الی ثمره اذا اءثمر و ینعه ان
فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون

ترجمه :

و او کسی است که از آسمان ، آبی نازل کرد، پس به وسیله ی آن ، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج
ساختیم . از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم . و از شکوفه ی خرما خوشه هایی
نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغ هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم
و برخی غیر متشابهند. به میوه ی آن ، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد بنگرید. همانا در آن ، نشانه
هایی برای گروه با ایمان است .

نکته ها :

○ در آیه ی قبل فرمود: همه ی انسان ها از نفس واحدند، در این آیه می فرماید: همه ی گیاهان و درختان و میوه ها
نیز از یک سرچشمه اند و آن آب باران است .

○ متراکب از ریشه ی رکوب ، میوه های سوار بر هم و دانه های درهم فشرده است . طلع خوشه ی سر بسته
خرماست و قنوان ، رشته های باریک که بعداً خوشه های خرما را تشکیل می دهد. دانیة ، خوشه های به هم
نزدیک و یا نزدیک به زمین ، به خاطر سنگینی بار آن است . مراد از متشابه ، یا درختانی است که شباهت ظاهری
به هم دارند مثل زیتون و انار و یا میوه هایی است که شبیه به یکدیگرند.

○ در این آیه و دو آیه قبل سه تعبیر پی در پی آمده است : لقوم یعلمون ، لقوم یفقهون و لقوم یؤمنون که رمز آن
در پیام ۴، بیان گردیده است .

پیام ها :

۱- مایه ی رویش همه ی گیاهان و نباتات ، آب باران است . من السماء ماء فاءخرجنا به نبات کل شی ء

۲- هم نزول باران ، هم رویاندن گیاه و میوه ، کار خداست . اءنزل ... نخرج

۳- رابطه ی انسان با میوه ها فقط رابطه ی مادی و غذایی نباشد، بلکه رابطه ی فکری و توحیدی هم باشد. انظروا
الی ثمره ... فی ذلکم لایات

۴- بهره گیری از ستارگان ، علم و کارشناسی لازم دارد. لقوم یعلمون ، درک اینکه کاروان بشری همه از یک نفس
است و این کاروان ، به صورت پایدار و ناپایدار در جریان است درک عمیق می طلبد. لقوم یفقهون ، درک اینکه از
گیاه و باران و میوه باید بهره ی معنوی برد و از انتساب همه ی هستی به خدا نباید غافل بود، ایمان می طلبد.

لقوم یؤمنون

۱۰۰- وَجَعَلُوا لِلّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰی عَمَّا یَصِفُونَ

ترجمه :

و آنان برای خدا شریکانی از جنّ قرار دادند، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند، پسران و دخترانی ساخته و پرداختند. خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره ی او وصف می کنند. نکته ها :

○ خلق ، ایجاد چیزی از روی حساب است و خرق ، پاره کردن چیزی بی رویه و بی حساب . خرقوا یعنی بدون دقّت و مطالعه مطلبی را اظهار کردن ، یا بدون حساب ساختن و و بی دلیل ادّعا کردن است . (۱۹۷)

○ به گفته ی قرآن ، مسیحیان ، حضرت عیسی را و یهودیان حضرت عَزِیر را پسر خدا می دانستند. (۱۹۸) جمعی هم ملائکه را فرزندان خدا می پنداشتند. زردشتیان ، اهریمن را که از جنّ بود رقیب خدا قرار داده و همه ی بدی ها را به او منسوب می کردند، برخی عرب ها هم میان خدا و جنّ، نسبتی فامیلی معتقد بودند. جعلوا بینه و بین الجنّة نَسَباً (۱۹۹) این آیه همه ی آن گمان ها را باطل شمرده و می فرماید: خداوند از همه ی این اوصاف ، منزّه و برتر است .

پیام ها :

۱- جهل ، ریشه ی خرافه گرایی است . خرقوا ... بغیر علم (عقائد انسان نسبت به خداوند باید بر اساس علم باشد).

۲- چگونه مخلوق ، شریک خالق می شود؟ شرکاء... و خلقهم

۳- ازدواج و فرزند آوری ، تاءمین یک کمبود و نقص است و خداوند از این عیب ها، منزّه است . سبحانه

۱۰۱- بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اَئْتَى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَحْبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(او) پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است ، چگونه برای او فرزندی باشد، در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز داناست .

۱۰۲- ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

ترجمه :

آن است خداوند، پروردگار شما، معبودی جز او نیست ، آفریدگار هر چیز است ، پس او را بپرستید و او نگهبان و مدبّر همه چیز است .

نکته ها :

○ کلمه ی بدیع به معنای آفریدن ابتکاری است (نه تقلیدی) .

○ آنکه آسمان ها و زمین را بدون تقلید و نقشه ی قبلی آفرید، چه نیازی به فرزند و همسر دارد؟ او با یک اراده ، آنچه را بخواهد خلق می کند.

○ خالق کلّ شیء توحید در خلق است و هو علی کلّ شیء وکیل توحید در امر است . له الخلق والامر (۲۰۰) . پیام ها :

۱- آفریدگار جهان ، توانمند است و نیازی به همسر و فرزند ندارد. بدیع السموات

۲- خدایی را که قرآن معرفی می کند، با خدایی که دیگران عقیده دارند مقایسه کنید. ذلکم الله

۳- در عقیده ی اسلامی ، آفریدگار و پروردگار یکی است . ربّکم ... خالق کلّ شیء (اما مشرکین ، خالق را الله می دانند، ولی عقیده به چندین ربّ دارند).

۴- خالقیت مطلقه ی خدا، دلیل توحید است . لا اله الا هو خالق کلّ شیء

۵- هم آفرینش به دست خداست ، هم بقا و ثبات هر چیز به اراده ی اوست . خالق وکیل

۶- ربوبیت و خالقیت خدا، فلسفه ی پرستش است . ربّکم ... خالق کلّ شیء فاعبدوه

۱۰۳- لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

ترجمه :

چشم ها او را در نمی یابد، ولی او چشم ها را در می یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است .
نکته ها :

○ کلمه ی بَصَرَ هم به معنای چشم است و هم به معنای بصیرت . (۲۰۱) بنابراین آیه را می توان چنین معنا کرد: نه چشم ظاهری ، خداوند را می بیند و نه دل به عمق معرفت او راهی دارد.

○ لطیف چند معنی دارد: ۱ آنکه عطای خود را کم بشمارد و طاعت مردم را بسیار،

۲- دقیق ، رسیدگی پنهانی به امور و باریک بینی ، ۳ خالق اشیای ظریف و ناپیدا.

۴- اهل مدارا و رفاقت ، ۵ پاداش دهنده ی اهل وفا و بخشاینده ی اهل جفا.

○ امام رضا علیه السلام فرمود: لایق الاوهام و لایدرک کیف هو، افکار و اوهام بر خداوند احاطه ندارد و ذات او آنگونه که هست قابل ادراک نیست . (۲۰۲)

○ خداوند، هرگز دیدنی نیست . همین که حضرت موسی از زبان مردم درخواست دیدن خدا را نمود، پاسخ شنید:

لَنْ تَرَانِي (۲۰۳) هرگز مرا نخواهی دید. برخی از اهل سنت گفته اند: خدا در قیامت دیده می شود و به آیاتی

همچون الی رَبِّهَا نَاطِرَةً (۲۰۴) استدلال می کنند. (۲۰۵) غافل از آنکه خداوند، جسم و ماده نیست و مراد از نظر به

خداوند، نگاه با چشم دل است ، زیرا دیدن با چشم ، در جایی است که چیزی دارای جسم ، مکان ، محدودیت ،

رنگ و ... باشد و همه ی اینها نشانه ی نیاز و عجز است که خداوند از این نقص ها مبرا می باشد.

○ امام علی علیه السلام می فرماید: نه تنها چشم او را نمی بیند، بلکه وهم و فکر نیز نمی تواند بر او احاطه پیدا کند. (۲۰۶) سعدی در ترسیم این مطلب می گوید:

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم

و از آنچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر

ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

○ مراد از جمله ی یدرک الابصار، علم او به دیده های انسان است ، مانند سمیع و بصیر که به معنای علم او به شنیدنی ها و دیدنی هاست .

پیام ها :

۱- خداوند، جسم مادی نیست . لاتدرکه الابصار

۲- هیچ کس از ذات خداوند آگاه نیست . هو اللطیف

۳- هیچ پرده و مانعی جلوی علم خدا را نمی گیرد. هو اللطیف الخبیر

۴- با اینکه زشتی های ما را می داند باز هم به ما لطف دارد. وهو اللطیف الخبیر

۵- خداوند به همه ی لطائف و رموز هستی آگاه است . هو اللطیف الخبیر

۱۰۴- قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَعْبَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ

ترجمه :

همانا از سوی پروردگارتان ، مایه های بینش و بصیرت ، (کتب آسمانی و دلائل روشن) برای شما آمده است . پس

هر که بصیرت یافت ، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و

ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم .

نکته ها :

○ از آیه ی ۹۵ تا اینجا در معرفی خدا و انتقاد از شرک بود، این آیه به منزله ی نتیجه و خلاصه ی آیات گذشته است .

○ مشابه این آیه در قرآن زیاد است که نتیجه ی ایمان و کفر، خوبی و بدی، یا بصیرت و کوردلی انسان را متوجه خود او می داند. همچون:

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (۲۰۷)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا (۲۰۸)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (۲۰۹)

پیام ها:

۱- با نزول قرآن، راه عذری بر هیچ کس باقی نمانده است. قد جاءکم بصائر

۲- مردم در انتخاب راه، آزادند. مَنْ أَبْصَرَ... وَ مَنْ عَمِيَ

۳- آگاه کردن مردم، از شئون ربوبیت الهی است. بصائر من ربکم

۴- سود ایمان و زیان کفر مردم، به خودشان برمی گردد نه خدا. فلنفسه... فعلیها

۵- کیفر گروهی از مردم، نشانه باطل بودن تعالیم انبیا نیست، بلکه نشانه ی کوردلی خود آنان است. و مَنْ عَمِيَ

۶- وظیفه ی پیامبر، ابلاغ است نه اجبار. ما اءنا علیکم بحفیظ

۱۰۵- وَ كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسَتْ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

ترجمه:

و بدین سان آیات را در شکل های گوناگون بیان می کنیم، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند: تو (نزد کسی) درس خوانده ای! (بگذار بگویند، ولی ما) برای کسانی بیان می کنیم که اهل فهم و علم باشند.

نکته ها:

○ کفار برای باز کردن راه تکذیب پیامبر می گفتند: این حرف ها از خودش نیست، از دیگری آموخته است. دَرَسَتْ چنانکه در موارد دیگر نیز می گفتند: اِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ (۲۱۰) انسانی به او یاد داده است، اءعانه علیه قوم آخرون (۲۱۱) گروهی دیگر کمکش کرده اند.

پیام ها:

۱- تنوع در شیوه ی بیان و استدلال و آموزش، راه پذیرش را بازتر می کند. نصرّف الايات

۲- مخالفین به اهمیت قرآن اعتراف دارند و می گویند: این معارف را از کسی آموخته و نمی گویند حرفها بی محتوی است. دَرَسَتْ

۳- در مقابل آیات الهی، برخی با تهمت و انکار ایستادگی می کنند. دَرَسَتْ، ولی برخی که اهلند، ارشاد می شوند. لقوم يعلمون

بان که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ، لاله روید و در شوره زار، خَس

۱۰۶- اِتَّبِعْ مَا ءُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ اَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه:

تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان.

نکته ها:

○ در آیه ی قبل، تهمت مشرکان به پیامبر مطرح شد که می گفتند: کلام تو وحی نیست، بلکه آموخته از دیگران است. اینجا به پیامبر دلداری می دهد که تو کار خویش را بکن و به حرف مخالفان اعتنایی نداشته باش.

○ شیوه های برخورد با مخالفان، در موارد مختلف متفاوت است، از جمله:

گاهی سلام کردن است . اذا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قالوا سلاما(۲۱۲)
 گاهی سکوت و عدم برخورد است . ذَرَهُمْ (۲۱۳)، حَسْبُنَا اللَّهُ (۲۱۴)
 گاهی اعراض و بی اعتنایی است . اءَعْرِضْ عَنْهُمْ (۲۱۵)
 گاهی درستی و غلظت است . و اَغْلُظْ عَلَيْهِمْ (۲۱۶)
 گاهی مقابله به مثل است . فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ (۲۱۷)
 پیام ها :

۱- رهبران الهی نباید با تهمت ها و تحقیرها و تحلیل های ناروای دشمنان ، در راه خود سست شوند. اَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ الْيَكِ

۲- گاهی بشر چنان سقوط می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به فرمان الهی از او روگردان می شود.
 واءَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۷- وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا اَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ
 ترجمه :

و اگر خداوند می خواست (همه به اجبار ایمان می آوردند و) شرک نمی ورزیدند (ولی سنت الهی چنین نیست) و ما تو را بر آنان نگهبان قرار ندادیم و تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی .
 نکته ها :

○ مشیت و خواست خداوند دو گونه است : خواست تشریحی و خواست تکوینی . خداوند از نظر تشریحی ، هدایت همه ی مردم را خواسته است و لذا پیامبران و کتب آسمانی را فرستاده است ، اما از نظر تکوینی خواسته است که مردم بر اساس اراده و اختیار خود، راه را انتخاب کنند، نه آنکه مجبور به پذیرش دین باشند.
 پیام ها :

۱- اراده وخواست خداوند، تَخَلَّفَ ندارد. لو شاءالله ما اشركوا

۲- مشیت و اراده الهی بر آزاد گذاشتن انسان هاست و وجود مشرکین ، نشانه ای از این آزادی است . ولو شاء الله ما اشركوا

۳- پیامبران الهی ، مربی و معلم مردمند نه زندانبانانی که با زور و تحمیل ، دستور دهند. ما جعلناك عليهم حفيظا

۴- پیامبر، نه مسئول دفع بلا از مشرکان و نه مسئول جلب منفعت برای آنان است . ما جعلناك عليهم حفيظا و ما انت عليهم بوكيل

۵- انبیا ضامن وظیفه اند نه نتیجه . با آن همه تلاش ، گروه بسیاری مشرک ماندند. و ما اءنت عليهم بوكيل

۶- پیامبر، برای هدایت مردم سوز و گداز داشت . و ما اءنت عليهم بوكيل

۱۰۸- وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ترجمه :

و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند ناسزا نگویند که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می گویند. ما این گونه عمل هر امتی را برایشان جلوه دادیم . سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است ، پس خداوند آنان را به آنچه می کردند خبر می دهد.

نکته ها :

○ خداوند، انسان را چنان آفریده که چه کارهای خوب و چه کارهای بد، کم کم در روح او تاءثیر می گذارد و به آن عادت می کند. از این رو، زینت دادن کارها گاهی به خدا نسبت داده شده ، زَيْنًا، که خالق این تاءثیر است ، و

گاهی به شیطان نسبت داده شده که از طریق وسوسه و وعده، زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد. زین لهم الشیطان (۲۱۸)

○ حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به سربازان خود توصیه می‌کرد که به پیروان معاویه دشنام و ناسزا نگویند، بلکه سیمای آنان را مطرح کنند که بهتر از دشنام است. (۲۱۹)

○ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از مصادیق دشنام به خدا، دشنام به ولیّ خداست. (۲۲۰)

○ حساب لعن و نفرین و برائت، از حساب دشنام و ناسزا جداست. لعن و برائت که در آیات دیگر قرآن از سوی خداوند اعلام شده، در واقع بیانگر اظهار موضع ما در برابر ستمگران و مشرکان است که بیزاری خود را از راه آنان اعلام می‌کنیم. لعنة الله على الظالمين (۲۲۱)، براءة من الله... (۲۲۲) پیام‌ها:

۱- احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنیم و از هرگونه بددهنی و ناسزا پرهیزیم. لاتسبوا

۲- به بازتاب برخوردی خود توجه کنیم. لاتسبوا... فیسبواالله

۳- با فحش و ناسزا، نمی‌توان مردم را از مسیر غلط باز داشت. لاتسبوا

۴- ناسزاگویی، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است. لاتسبوا... فیسبوا... عدوا

۵- دشنام، یا نشانه نداشتن منطق است، یا نداشتن ادب و یا صبر. (مسلمان با پرهیز از ناسزا، باید نشان دهد که صبر و منطق و ادب دارد.) لاتسبوا

۶- هر کاری که سبب توهین به مقدّسات شود، حرام است. فیسبواالله

۷- استفاده از حربه‌ی دشنام و ناسزا، در نهی از منکر و تبلیغات و مناظرات ممنوع است. لاتسبوا

۸- کاری که سبب کشیده شدن دیگران به گناه و حرام می‌شود، حرام است. (۲۲۳) لاتسبوا... فیسبوا

۹- گاهی انسان ناخودآگاه در گناه دیگران شریک می‌شود، آنجا که مقدمات گناه دیگران را فراهم کند. فیسبواالله

۱۰- از سنت‌های الهی، زیبا جلوه کردن اعمال امت‌ها در نظر آنان است. زینا لكل أمة عملهم (هر امتی اعمال خود را هرچند ناحق باشد، زیبا می‌پندارد)

۱۱- جلوه‌نمایی و زیبادیدن، نشانه‌ی حقانیت نیست. زینا لكل أمة عملهم

۱۲- آگاه کردن مردم از کرده‌های خویش در قیامت، از شئون ربوبیت الهی است. الی ربهم مرجعهم فینبهم ...

۱۰۹- واءفسموا بالله جهدا یمینهم لئن جاءتهم آية لیؤمننّ بها قل إنّما الایة عند الله وما یشرکم ائنها إذا جاءت لا یؤمنون

ترجمه:

و با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه‌ای برایشان بیاید، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد. بگو: معجزات، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می‌دانید (بلکه ما می‌دانیم) که اگر معجزه‌ای هم بیاید، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد.

نکته‌ها:

○ گروهی از کفار قریش، نزد پیامبر آمده، گفتند: تو هم مانند موسی و عیسی معجزاتی بیاور تا به تو ایمان آوریم،

حضرت پرسید: چه کنم؟ گفتند: کوه صفا را تبدیل به طلا کن، مردگان ما را زنده کن، خدا و فرشتگان را

نشانمان بده و آنگاه سوگند یاد کردند که در این صورت ایمان خواهند آورد. آیه نازل شد که معجزه دست

خداوند است و طبق حکمت انجام می‌گیرد، نه هوس‌های مردم. (۲۲۴)

معجزه به مقدار اتمام حجت لازم است، نه به مقدار ارضای تمایلات هر فرد. بگذریم که برخی پیشنهادها مثل دیدن خدا خلاف عقل است و چنان نیست که نظام هستی بازیچه‌ی هوس‌های مشرکان باشد.

پیام ها :

- ۱- مشرکین مکه ، الله را قبول داشتند و به آن سوگند یاد می کردند. اقساموا بالله
 - ۲- فریب سوگندهای دروغین مخالفان را نخورید. واقسموا بالله جهد ایمانهم
 - ۳- برهان خواهی آری ، تسلیم شدن در برابر هوسها هرگز. انما الا یات عندالله
 - ۴- معجزات پیامبران ، به دست خداست . انما الا یات عندالله
 - ۵- لجاجت ، درد بی درمانی است که صاحبان آن ، با دیدن هر نوع معجزه ، باز هم ایمان نمی آورند. لایؤ منون
- ۱۱۰- وَتَقَلَّبُ اَعْقِدَتَهُمْ وَاَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ یُؤْمِنُوا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَ نَذَرُهُمْ فِی طُعْنِهِمْ یَعْمَهُونَ
- همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند، این بار نیز دلها و چشم هایشان را دگرگون و واژگون می کنیم و آنان را در طغیانشان رها می سازیم تا سرگردان بمانند.

پیام ها :

- ۱- وارونه شدن دل افراد لجوج ، سنت خداوند است . وَ تَقَلَّبُ اَعْقِدَتَهُمْ
- ۲- ایمان به خدا و رسالت نیاز به قلب سالم دارد. وَ تَقَلَّبُ اَعْقِدَتَهُمْ
- ۳- گناه و لجاجت ، دید و بینش انسان را دگرگون می سازد. وَ تَقَلَّبُ اَعْقِدَتَهُمْ
- ۴- کسی که با دیدن معجزات اولیه ایمان نیاورده ، نباید تقاضای معجزات دیگری کند. لم یؤ منوا به اَوَّلَ مَرَّةٍ
- ۵- گرچه خداوند مقلّب القلوب است ، ولی این انسان است که با انتخاب ایمان یا کفر زمینه دگرگونی را فراهم می کند. تَقَلَّبُ ... کما لم یؤ منوا
- ۶- طغیان ، ریشه ی کفر است . لم یؤ منوا ... طغیانهم
- ۷- کسی را که خداوند رها کند، سرگردان می شود. نذرهم ... یعمهون

جزء ۸

۱۱۱- وَلَوْ اَعْنَانَا نَزَلْنَا اِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰی وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَیْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوْا لَیُّوْمِنُوْا اِلَّا اِءَن یَشَاءَ اللّٰهُ وَ لٰكِنَّا اَعْکَثَرَهُمْ یٰجْهَلُوْنَ

ترجمه :

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم و مردگان با آنان سخن می گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می آوردیم باز هم ایمان نمی آوردند، مگر آنکه خداوند بخواهد (به اجبار ایمان آورند)، ولی بیشترشان نادانی می کنند.

نکته ها :

○ گویا یکی از درخواست های مشرکان ، نزول فرشتگان و سخن گفتن مردگان با آنان بوده است ، غافل از آنکه این مشرکان به قدری لجوجند که حتی اگر امور غیبی مثل فرشتگان برای آنان محسوس شود باز هم ایمان نخواهند آورد. سعدی نیز می گوید:

چون بود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد
آهنی را که بد گهر باشد
سگ به دریای هفتگانه مشوی
چون شود تر، پلیدتر باشد
خر عیسی گرش به مکه بری

چون بیاید هنوز خر باشد

○ قُبُل یا به معنای مقابل است ، یا جمع قبیل ، به معنای گروه و دسته .

○ در دو آیه ی قبل ، ادعای دروغ مشرکان مطرح شد که می گفتند: اگر معجزه بیاید ایمان می آوریم ، اینجا نمونه آن معجزات مطرح شده است .

○ شبیه این آیه ، در سوره ی حجر آیات ۱۴ و ۱۵ آمده است : **وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرَجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَعْيُنُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ** اگر از آسمان دری باز شود و کفار از آن بالا روند، باز هم گویند: چشم ما را جادو کرده اند.
پیام ها :

۱- برای دل‌های لجوج ، هیچ آیه و نشانه ای زمینه ساز ایمان نمی گردد. ما کانوا لیؤ منوا

۲- خدا اگر بخواهد، می تواند به اجبار، همه را مؤ من سازد، ولی این خلاف حکمت اوست . ما کانوا لیؤ منوا الا ان یشاء الله

۳- جهالت ، عامل ایمان نیارودن به آیات الهی است . ما کانوا لیؤ منوا... و لکن اکثرهم یجهلون
۱۱۲- **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ**
ترجمه :

ی پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداختند، بلکه) ما این گونه برای هر پیامبری ، دشمنی از شیطان های انس و جن قرار دادیم . که برخی از آنان حرف های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می کنند.
البته اگر پروردگارت می خواست ، چنین نمی کردند. (ولی سنت الهی بر آزادی انسان ها می باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ می سازند به خود واگذار.
نکته ها :

○ در دو آیه ی قبل آمده بود که : ما آنان را به حال خود رها کردیم ، نذرهم فی طغیانهم یعمهون اینجا می فرماید: تو نیز آنان را به حال خود رها کن . فذرهم

○ سقوط انسان ، از قبول وسوسه ی شیطان شروع می شود، **يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ** (۲۲۵) آنگاه هر که وسوسه در او اثر گذاشت از یاران شیطان می شود، **إخوان الشیاطین** (۲۲۶) و در نهایت خودش شیطان می گردد. شیاطین الانس

○ تضاد و درگیری ، زمینه ساز تکامل اختیاری است . به همین جهت خداوند، جهان را عالم تراحم و تضاد اختیاری قرار داده است . و کذلک
پیام ها :

۱- از عوامل استقامت و پایداری انسان ، آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است . و کذلک

۲- مبارزه حق و باطل ، در طول تاریخ وجود داشته است . و کذلک

۳- رهبر جامعه ، باید برای مخالفت ها آماده باشد. و کذلک

۴- انتظار ریشه کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم . و کذلک جعلنا

۵- از سنت های الهی روبرو شدن انبیا با مخالفان گوناگون است . و کذلک جعلنا لکل نبی عدا

۶- کفار لجوج ، شیطانند. شیاطین الانس ...

۷- شیاطین انس و جن از طریق القا به یکدیگر، با هم ارتباط دارند. یوحی بعضهم الی بعض ...

۸- شیاطین ، روشهای شیطنت را به یکدیگر می آموزند. یوحی بعضهم الی بعض

۹- مخالفان انبیا، تبلیغات درون گروهی دارند. یوحی بعضهم الی بعض

۱۰- کلمات زیبا و فریبنده ، می تواند از عوامل اغفال انسان باشد. یوحی ... زخرف القول غرورا

۱۱- خداوند انسان را آزاد آفریده و دنیا را میدان درگیری ها قرار داده است . ولو شاء ربک ما فعلوه

۱۲- اختیار و آزادی بشر، در مسیر رشد و تربیت اوست . و لو شاء ربک ما فعلوه

۱۳- در نظام هستی ، یک اراده حاکم است نه دو قدرت ، یزدان و اهریمن در برابر هم نیستند و تلاش های انحرافی

از قدرت و سلطه ی الهی بیرون نیست . ولو شاء ربک ما فعلوه

۱۱۳- وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ

ترجمه :

(و)شیاطین ، سخنان فریبنده ی خود را بر مردم می خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند، به آن

سخنان مایل شود و آن را بپسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند.

نکته ها :

○ تصغی از صغُو، به معنای تمایل است ، تمایلی که از راه شنیدن حاصل می شود.

○ اِقْتِرَاف ، به معنای تحصیل و کسب چیزی است .

پیام ها :

۱- وسوسه ها و تبلیغات ، به تنهایی عامل انحراف نیست ، بلکه گوش دادن و دل سپردن و جذب شدن ، مؤثر است

. لتصغی ... لیرضوه

۲- ایمان نداشتن به آخرت ، سبب تسخیر و نفوذ شیطان است . لایؤ منون بالآخرة

۱۱۴- اءَفَغَيْرَ اللَّهِ اءَبْتَغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي اءَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مَفْصَلًا وَالَّذِينَ اءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ اِنَّهُ مَنزَلٌ مِّنْ رَبِّكَ

بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَتِّرِينَ

ترجمه :

پس (بگو:) آیا (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم ؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به

تفصیل به سوی شما نازل کرد، و کسانی که به آنان کتاب داده ایم ، (یهود و نصاری) می دانند که این کتاب ، از

طرف پروردگارت به حق نازل گشته است ، پس به هیچ وجه از تردیدکنندگان مباش .

نکته ها :

○ حَكَمَ را برخی با حاکم یکی دانسته اند، اما برخی گفته اند: حَكَمَ ، داوری است که طرفین دعوا، او را انتخاب کرده

باشند، ولی حاکم ، هرگونه داور است . (۲۲۷) در مجمع البیان آمده است : حَكَمَ ، کسی است که به حق داوری

کند، ولی حاکم ، به هر قاضی گفته می شود.

○ در آیه ۱۱۱، سخن این بود که اگر مردگان هم با اینان حرف بزنند یا فرشتگان فرود آیند، ایمان نخواهند آورد. در

این آیه می فرماید: اهل کتاب ، وحی بودن قرآن را می دانند و تقاضای معجزات دیگر، تنها بهانه است .

○ پیامبر صلی الله علیه و آله در راه خود تردیدی ندارد، لذا خطاب لا تكونن من المتمرتین هشدار به مسلمانان است

که نگران حقانیت راه خود نباشند.

پیام ها :

۱- با وجود کتابی همچون قرآن ، به سراغ داوری دیگران رفتن ، نادرست و قابل توبیخ است . اءَفَغَيْرَ اللَّهِ اَبْتَغَىٰ

حَكْمًا (جز خداوند، کسی حق قانون گذاری و داوری ندارد)

۲- خداوند، قرآن را به تفصیل نازل کرده است . هو الَّذی انزل الیکم الکتاب مفصلاً

۳- قوانین و احکام اسلام ، ابهام ندارد. مفصلاً

۴- یکی از دلایل حقایق اسلام، بشارت انبیای گذشته در تورات و انجیل است. الذین آتیناهم الكتاب يعلمون انه منزل من ربك چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید: يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ ابْنائِهِمْ (۲۲۸) اهل کتاب، پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می شناختند.

۵- رهبر باید از قاطعیتی تردیدناپذیر در راه دعوت خود برخوردار باشد. فلا تکونن...

۶- مبادا به خاطر ایمان نیاوردن اهل کتاب، در شما تردیدی پیدا شود، زیرا آنان حقایق قرآن را خوب می دانند و انکارشان به دلیل لجاجت است. يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترین

۱۱۵- وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ترجمه:

و کلام پروردگارت، در صداقت و عدالت به حد کمال و تمام رسید. هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست.

نکته ها:

○ مراد از کلمه در این آیه، به دلیل آیه قبل، آیات قرآن است ولی واژه ی کلمه در فرهنگ قرآن و روایات، گاهی به معنای وعده ی حتمی آمده است، و تمت کلمه ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا (۲۲۹) که تحقق وعده ی الهی را نسبت به بنی اسرائیل به خاطر صبرشان بیان می کند. گاهی به معنای دین آمده است، کلمه الله یعنی دین خدا، و گاهی به پیامبر و اولیای الهی اطلاق شده است، چنانکه درباره ی حضرت عیسی علیه السلام می خوانیم: کلمته القاها الی مریم (۲۳۰) در روایات نیز از قول ائمه علیهم السلام آمده است که ما کلمات الهی هستیم. نحن الکلمات (۲۳۱)

پیام ها:

۱- قرآن، آخرین کتاب آسمانی و اسلام، آخرین دین الهی است. تمت کلمه ربك

۲- قرآن، معجزه ای کامل برای اثبات رسالت پیامبر اکرم است. تمت کلمه ربك

۳- قرآن، پاسخگوی همه ی نیازهای هدایتی جوامع بشری است. تمت کلمه ربك

۴- اسلام، مکمل ادیان گذشته است. تمت کلمه ربك ...

۵- اتمام دین با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جلوه ای از ربوبیت خداوند است. و تمت کلمه ربك

۶- مبنای قوانین و سنت های خداوند در نظام هستی، صدق و عدل است. و تمت کلمه ربك صدقاً و عدلاً

۷- اخبار قرآن، صادق و احکامش بر عدل استوار است. و تمت کلمه ربك صدقاً و عدلاً در آیه ی دیگر می خوانیم

: وَ مَنْ اصدق من الله حدیثاً (۲۳۲)

۸- در قرآن، تحریف راه ندارد. لا مبدل لکلماته

۹- خداوند نیازها را بسیار خوب می داند و با توجه به آن، قرآن را نازل کرده است. و هو السميع العليم

۱۱۶- وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

ترجمه:

و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند، منحرف و گمراه می کنند. زیرا آنان جز از گمان

پیروی نمی کنند و آنان، جز به حدس و گمان نمی پردازند.

نکته ها:

○ خرس به معنای تخمین و حدس است. چون بعضی از تخمین ها نادرست از آب در می آید، به معنای دروغ هم

آمده است. (۲۳۳)

پیام ها:

۱- راه هدایت و راه قرآن ملاک است ، نه راه مردم و اکثریت . و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّكَ ... و اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ...
۲- اکثریت ، دلیل حقانیت نیست . ملاک ، حق است نه عدد، پس در پیمودن راه حق از کمی افراد نهراسید. اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ...

۳- جلب نظر اکثریت ، گاهی به قیمت نابودی و انحراف خود انسان تمام می شود. اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ... یضْلُوک (در راه خدا حرکت کنیم هر چند خلاف راء اکثریت باشد)

۴- اکثریت ، چنان جلوه ای دارد که خدا پیامبر را هم از تبعیت آن بر حذر می دارد. و اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ مَنْ فِی الْاَرْضِ یضْلُوک (انبیا باید تابع وحی باشند، نه آرای مردم)

۵- ریشه ی ضلالت ها، اعتماد به حدس و گمان است . یضْلُوک اِنْ یَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ

۶- اکثریتی که به جای حق ، در پی حدس و هوس باشند، قابل پیروی نیستند. اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ... یضْلُوک ... یخرصون

۷- در انتخاب راه ، دلیل وبرهان لازم است ، نه حدس و گمان . اِنْ یَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ... یخرصون

۱۱۷- اِنْ رَبِّكَ هُوَ اَعْلَمُ مَنْ یضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِیْنَ

ترجمه :

قطعاً پروردگار تو، خود به کسانی که از راه او گمراه می شوند، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه تر است

نکته ها :

○ مَهْدِی، یعنی کسی که از ابتدا به هدایت الهی راه یافته است ، مانند امامان معصوم علیهم السلام اما مَهْتَدِی کسی

است که پس از ضلالت ، هدایت شده باشد.(۲۳۴)

پیام ها :

۱- بشر نیز علم دارد، اما تنها خدا اعلم است . هو اعلم (ضمیر هو میان مبتدا و خبر نشانه ی انحصار است .)

۲ تربیت ، نیاز به آگاهی عمیق دارد. رَبِّک ...اعلم

۳ با تظاهر و نفاق ، خود و دیگران را مغریبیم ، که خدا همه را بهتر می شناسد. هو اعلم مَنْ یضِلُّ...

۴ از اعلم پیروی کنیم ، نه اکثریت . و اِنْ تُطِعِ اَکْثَرَ یضْلُوک ... اِنْ رَبِّکَ هُوَ اَعْلَمُ

- فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

ترجمه :

پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید.

نکته ها :

○ بردن نام خداوند هنگام ذبح حیوان ، نوعی مصونیت دادن به مادیات و به صحنه آوردن ایمان است . یاد خدا در

هر کاری خوب است ، اما در ذبح حیوان که گرفتن جان آن مطرح است ، ضرورت می یابد.

○ از نشانه های جامعیت مکتب اسلام این است که در یک مسئله ی جزئی مانند ذبح ، همه ی جوانب آن را مطرح

کرده است : هم مکتب (نام خدا)، هم وسیله (آهن)، هم شیوه ی بریدن رگ ها، هم امت (مسلمان بودن کسی که

ذبح می کند) و هم جهت (قبله) و هم موارد مصرف . فکلوا مما ذکر اسم الله

پیام ها :

۱- غذا و خوراک مؤ من باید جهت الهی داشته باشد. فکلوا مما ذکر اسم الله

۲- نام خداوند، مهر جواز مصرف و پروانه ی استفاده از گوشت حیوانات قابل مصرف است . فکلوا مما ذکر اسم الله

علیه ...

۳- برای تحکیم پایه های توحید، از هر فرصتی، حتی ذبح حیوان باید استفاده کرد. آری توحید، تنها یک مسأله ی ذهنی نیست. فکلوا ممّا ذکر اسم الله علیه

۴- تغذیه ی حلال و التزام به احکام، شرط ایمان است. ان کنتم بآياته مؤمنين
۱۱۹- وَمَا لَكُمْ اِذَا تَأَكَّلْتُمْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَيُضِلُّوْنَ
بِءَهْوَائِهِمْ بَغِيْرٍ عِلْمٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ

ترجمه :

و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی خورید؟ (و بی جهت حلال ما را بر خود حرام می کنید)، در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر آنچه (از محرّمات) که به خوردن آن مضطرّ شدید، همانا بسیاری از مردم، دیگران را جاهلانه به خاطر هوس های خود گمراه می کنند. قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه تر است.

نکته ها :

○ گروهی با شبیه افکنی و مقایسه میان حیوان ذبح شده و مرده، مردم را به انحراف کشیده و می گفتند: چرا حیوانی را که ما می کشیم حلال است و آنچه را خدا می کشد، حرام؟ که این آیه ضمن هوشیار نمودن مردم، پاسخ آنان را نیز می دهد.

پیام ها :

- ۱- هر کس بدون دلیل حلال های الهی را بر خود حرام کند باید توبیخ شود. و ما لکم الا تاءکلوا... (گویا بعضی از مسلمانان تحت تاءثیر سنت های جاهلی قرار می گرفتند و حلال هایی را بر خود حرام می کردند).
- ۲- خوردن گوشت حیوان هم اگر رنگ الهی داشته باشد حلال، و گرنه حرام است. ذکر اسم الله
- ۳- همه ی محرّمات الهی، در مکتب آسمانی اسلام بیان شده است. و قد فصل لکم ما حرّم علیکم (۲۳۵)
- ۴- اصل و قانون کلی در خوردنی ها، حلال بودن است و هر چه حرام باشد، خداوند بیان می کند. فصل لکم ما حرّم
- ۵- احکام اسلام، بن بست ندارد. الا ما اضطررتم الیه
- ۶- اضطرار، تکلیف را ساقط می کند. الا ما اضطررتم الیه
- ۷- تکلیف های الهی، متناسب با شرایط زمان، مکان و توان انسان است. الا ما اضطررتم الیه
- ۸- استفاده از خوردنی های حرام، در موارد اضطراری جایز است. الا ما اضطررتم الیه
- ۹- تعیین حلال و حرام، بر پایه ی دستورات الهی است. حرّم علیکم
- ۱۰- جهل و هواپرستی، از عوامل انحراف است. لیضلّون بءهوائهم بغیر علم
- ۱۱- گمراه ساختن مردم، تجاوز به حقوق جامعه است. اءعلم بالمعتدین
- ۱۲۰- وَذَرُوا ظَهْرَ الْاِثْمِ وَبَاطِنَهُ اِنَّ الَّذِیْنَ یُكْسِبُوْنَ الْاِثْمَ سَیُجْزَوْنَ بِمَا کَانُوْا یَفْتَرُوْنَ

ترجمه :

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند، خواهند دید.

نکته ها :

- چه در گذشته چه امروز، مردم تنها از گناه آشکار هراس داشته و دارند.
- بعضی گفته اند مراد از گناهان پنهان، گناهایی است که آثار آن پنهان است، مثل غذاهای حرام که قساوت قلب می آورد.

پیام ها :

۱- گناه ، جاذبه و کششی دارد که باید با اراده ی قاطع ، از آن دل کند. و ذروا ظاهر الاثم و باطنه
۲- اسلام ، هم به طهارت ظاهر توجه دارد، هم باطن ، هم باید از گناهان عملی دوری کرد و هم از گناهان قلبی ،
مانند سوء ظن. ظاهر الاثم و باطنه

۳- کیفر الهی ، برای گناهانی است که با علم و عمد انجام می گیرد. ان الذین یکسبون الاثم

۴- گرچه شیطان وسوسه می کند، اما انسان با اراده گناه می کند. یکسبون الاثم

۵- قیامت و کیفر آخرت ، دور نیست . سیجزون

۶- کیفرهای الهی ، نتیجه ی عملکرد خود ماست . بما کانوا یقتربون

۱۲۱- وَلَا تَأْتُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَيَّ أَوْلِيَاءِهِمْ لِيَجِدُواكُمْ وَإِنْ
أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمَشْرِكُونَ

ترجمه :

و از آنچه نام خداوند بر آن برده نشده ، نخورید، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است . همانا
شیاطین ، به دوستان خود القا می کنند تا به جدال با شما برخیزند (که مثلا چه فرقی است میان حیوان مرده یا
ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما هم مشرک می شوید.

نکته ها :

○ چون حرام خواری ، قساوت قلب می آورد و زمینه ی گناهان دیگر است ، اسلام آن را به شدت منع کرده است .

○ در آیه ۵ سوره ی مائده خواندیم که طعام اهل کتاب برای شما حلال است . این آیه می گوید: گوشت هر حیوانی

که نام خداوند بر آن برده نشود حرام است . از آنجا که اهل کتاب ، این شرط را رعایت نمی کنند، پس گوشت

حیوان آنها برای ما حرام است و مراد از طعام در آن آیه ، حبوبات و امثال آن است ، نه گوشت . (۲۳۶)

○ وسوسه ی شیاطین این گونه است که می گوید: حیوان مرده را خدا کشته و کشته ی خدا بهتر از کشته ی انسان

است ! پس چرا حیوان مرده ، حرام ولی حیوان ذبح شده حلال است ؟! غافل از آنکه اجرای فرمان الهی مهم است

و حیوان مرده ، به خاطر بیرون نیامدن خون های کثیف از بدنش ، معمولاً بیماری هایی را همراه دارد. علاوه بر

آنکه مردن ، خود دلیل بیماری و ناسالم بودن حیوان است .

پیام ها :

۱- مسلمان ، حتی در مسائل تغذیه باید تعهد دینی را مراعات کند. و لا تأءکلوا مما لم یذکر اسم اللّٰه علیہ

۲- بردن نام خدا به هنگام ذبح ، تشریفات نیست ، بلکه حکمی لازم الاجراست و ترک آن ، فسق است . اِنَّهُ لَفِسْقٌ

۳- هر کجا ناباوری بیشتر است ، تاءکید نیز لازم است . چون پذیرفتن شرایط حلال بودن ذبح ، برای مردم جاهل

سنگین بود، خداوند با چند تاءکید مسئله را مطرح کرد. اِنَّهُ لَفِسْقٌ (جمله اسمیه ، اِنَّ و حرف لام ، نشان تاءکید

است)

۴- انسان ، در اثر مصرف حرام ، زمینه ی پذیرش القائات شیطانی را پیدا می کند. و لا تأءکلوا... و ان الشیاطین

لیوحون

۵- شیطان ها، قدرت وسوسه و القا دارند. ان الشیاطین لیوحون

۶- وسوسه های شیاطین ، تنها در اولیای آنان نافذ است ، نه در اولیای خدا. لیوحون الی اءولیائهم

۷- پشتوانه ی جدال های انسان ، وسوسه ها و هوس هاست . لیوحون ... لیجادلوکم

۸- جدال در احکام الهی ، از حربه ها و القائات شیطانی است . و ان الشیاطین ... لیجادلوکم

۹- جدال در احکام دینی ، انسان را به شرک می کشاند. لیجادلوکم ... لمشرکون

۱۰- خداپرستانی که در عمل ، مطیع غیر خدا می باشند، مشرکند. انکم لمشركون
 ۱۲۲- اءَوْمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ
 زَيْنَ الْكٰفِرِيْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

ترجمه :

و آیا آنکه (به واسطه ی جهل و شرک) مرده بود، پس او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد، مَثَل او مَثَل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست ؟ این گونه برای کافران ، کارهایی که می کردند جلوه داده شده بود. نکته ها :

- این آیه درباره ی ایمان آوردن حضرت حمزه ، عموی پیامبر نازل شده است ، که چون از اذیت و آزار ابوجهل نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و مکتب او آگاه شد، به حمایت از پیامبر سراغ ابوجهل رفت و با مشت بر سر او کوبید. آنگاه گفت : من از امروز، به محمد ایمان می آورم . از آن پس تا زمان شهادت ، یک افسر رشید و با ایمان برای اسلام بود.
- در تعبیر قرآنی ، مرگ ، هم بر مرحله قبل از نطفه گفته شده است : کنتم امواتا فاءحیاکم (۲۳۷) هم به گمراهی : اءَوْمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ (۱۲۲) موتوا ثم اءحیاهم (۲۳۹) و هم به مرگ حقیقی : انک میّت و انهم میّتون (۲۴۰).
- امام باقر علیه السلام فرمود: نوری که در میان مردم راه را از چاه نشان می دهد، امام و رهبر آسمانی است . (۲۴۱) پیام ها :

- ۱- حیات و مرگ واقعی انسان ، ایمان و کفر اوست . میتا فاءحییناه
- ۲- ارشاد و هدایت ، کار خداست ، هر چند خود انسان زمینه ی هدایت را فراهم می کند. فاءحییناه
- ۳- استفاده از تمثیل ، سؤ ال و مقایسه ، در تبلیغ و تربیت مؤ ثر است . اءومن کان ... کمن مثله ...
- ۴- مؤ من ، هرگز به بن بست نمی رسد. او در جامعه هم بینش دارد و هم حرکت . نورا یمشی به فی الناس
- ۵- وقتی نور نباشد، ظلمت ها انسان را فرامی گیرد. فی الظلمات لیس بخارج منها
- ۶- حقّ، یکی وباطل بسیار است . (کلمه ی نور مفرد آمده ، ولی کلمه ی ظلمات جمع آمده است)
- ۷- جز نور ایمان وهدایت الهی ، برای بشر نجات بخشی نیست . لیس بخارج منها
- ۸- زیبا پنداشتن اعمال ، مانع رشد و خروج انسان از تاریکی است . لیس بخارج منها کذلک زین للکافرین
- ۹- کارهای انسان بی ایمان ، در دید و تفکر او مؤ ثر است . کذلک زین لکافرین ما کانوا یعملون
- ۱۰- کارهای پر جاذبه ، کفّار (مثل ابتکارات و اختراعات و تکنولوژی و تمدّن)، چنان برای آنان جلوه کرده که نمی گذارد انحرافات و سقوط انسانیت خود را درک کنند. زین للکافرین ما کانوا یعملون
- ۱۲۳- وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا فِيْ كُلِّ قَرْيَةٍ اَكْبَرَ مُجْرِمِيْهَا لِيَمْکُرُوْا فِيْهَا وَمَا يَمْکُرُوْنَ اِلَّا بِاَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ

ترجمه :

و ما این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می گماریم تا در آن قریه ها و مناطق ، حيله (و فسق و فساد) کنند، اما جز به خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند (که نتیجه ی حيله ، به خودشان باز می گردد). نکته ها :

- در شاعن نزول آیه ی قبل ، به جنگ و ستیز ابوجهل با پیامبر اسلام اشاره شد، این آیه می فرماید: وجود ابوجهل ها، چیز تازه ای نیست و همیشه و همه جا در مقابل دعوت های حقّ، چنین مهره های فاسدی بوده است . و کذلک

پیام ها :

- ۱- سنت الهی ، پاسخ دادن به مکر و حيله های دشمنان است . و کذلک
- ۲- تلاش های خوبان و بدان ، همه در مدار قدرت الهی است . جعلنا... مجرمیها (هم در این آیه که مربوط به مجرمان است و هم در آیه قبل که درباره مؤمنین بود کلمه ی جعلنا بکار رفته است)
- ۳- رهبران فاسد و مفسد، ریشه ی فساد جامعه اند. اکابر مجرمیها لیمکروا فیها
- ۴- مکر و تزویر، حربه ی رهبران مفسد است . لیمکروا
- ۵- از دست دادن صفا و صداقت و گرفتار شدن به قهر الهی ، بزرگ ترین ضربه ای است که حيله گران به خود می زنند. ما یمکرون الا باءنفسهم
- ۶- بدتر از بیماری ، جهل به بیماری است و بدتر از حيله ، ندانستن اینکه آثار سوء آن به حيله گر برمی گردد. ما یشعرون

۱۲۴- وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلَ اللَّهِ ءَعَلِمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ
ترجمه :

ون آیه و نشانه ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد، داده شود، (بگو:) خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد. به زودی به آنها که گناه کردند، به سزای آن مکر و نیرنگ ها که می کردند، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید.

نکته ها :

- در شاعن نزول آیه گفته اند که ولیدبن مغیره ، مغز متفکر کفار، می گفت : چون سن و ثروت من بیش از محمد صلی الله علیه و آله است ، پس باید به من هم وحی شود. البته چنین حرفی از ابوجهل هم نقل شده است .
- درباره ی جمعی از سران کفر که در جنگ بدر کشته شدند، وعده ی الهی عملی شد و ذلت به آنان رسید.

پیام ها :

۱- سردمداران قدرتمند، به دلیل خود برتریینی ، استکبار نموده ودعوت اسلام را نمی پذیرند. قالوا لن نؤ من حتی نؤ تی مثل ما اوتی

۲- ملاک گزینش های الهی ، علم او به شایستگی هاست . الله اعلم

۳- نتیجه ی استکبار در برابر حق، ذلت و خواری است . لن نؤ من ... سیصیب الذین اجرموا صغار عند الله
۱۲۵- فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَعْنَ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَعْنَ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
ترجمه :

خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می گشاید و هر که را (به خاطر اعمال و خصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند، سینه اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می دهد، گویا به زحمت در آسمان بالا می رود. خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد.

نکته ها :

○ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نشانه ی شرح صدر چند چیز است : الانابة الى دارالخلود والتجافی عن دار الغرور والاستعداد للموت قبل نزول الفوت توجه و گرایش خاضعانه به سوی آخرت و دوری از دنیای حيله گر و

آمادگی برای مرگ قبل از آنکه فرصت را از دست بدهد. (۲۴۲) امام سجاد علیه السلام نیز در شب ۲۷ رمضان دعایی را که متضمن همین خواسته است ، مکرر می خواند. (۲۴۳)

○ مراد از هدایت و ضلالت الهی ، فراهم کردن اسباب هدایت برای شایستگان و از بین بردن اسباب ، برای ناهلان است .

○ منظور از صدر، روح و دل است . مراد از شرح صدر، گسترش افق عقل و فکر بلندی روح ، برای پذیرش حق و هدایت است و این نیازمند گذشتن از هوسها و تمنیات دل است . آنکه شرح صدر نداشته باشد، همواره در لاک خود می ماند و بیرون نمی آید. نتیجه ی شرح صدر، بصیرت و نورانیت همراه با قلب رقیق و حقیق است .

○ این آیه یکی از معجزات علمی قرآن است که عوارض صعود به آسمان را بیان کرده و می فرماید: کسی که حاضر به پذیرش حق نگردد، روحش تنگ و کم ظرفیت می شود، همانند کسی که می خواهد به آسمان برود که به علت سنگینی و فشردگی هوا و نبود اکسیژن ، سینه اش تنگ و تنفسش سخت می شود.

○ امام رضا علیه السلام فرمود: نشانه ی سعه صدر، تسلیم خدا بودن ، اطمینان به او داشتن و دلگرم شدن به وعده های الهی است و نشانه ضیق صدر، تردید و اضطراب است. (۲۴۴)

○ از سنت های الهی آن است که برای پاکدلان حقیق، شرح صدر قرار دهد و لجوجان گریزان از ایمان را گرفتار سلب توفیق و رجس سازد.

○ حضرت موسی همین که مأمور تبلیغ شد، در اولین دعای خود از خداوند خواست : ربّ اشرح لی صدري (۲۴۵) ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون درخواست ، خداوند به او سعه ی صدر عطا کرد. اءلم نشرح لك صدرک (۲۴۶).

پیام ها :

۱- قبول حق ، ظرفیت و زمینه درونی می خواهد. یشرح صدره للاسلام

۲- شرح صدر، موهبتی الهی است . یشرح صدره للاسلام

۳- خروج از مدار فطرت و عقل ، عامل خفقان و تنگی روح و روان می گردد. یصعد فی السماء

۴- منحرفان هر چند به ظاهر، خود را در گشایش و آرامش ببینند، ولی در واقع گرفتار تنگناها و فشارند. ضیقاً حرجاً

۵- بی حوصلگی و کم ظرفیتی ، نوعی رجس و پلیدی روح است . يجعل صدره ضیقاً... الرجس

۶- کسی که به حق ایمان نیاورد، به تدریج آلوده می شود. کذلک يجعل الله الرجس علی الذین لایؤمنون

۱۲۶- وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

ترجمه :

و این راه پروردگار تو است که مستقیم است ، قطعاً ما آیات خود را برای قوم و گروهی که پند می پذیرند به تفصیل بیان کرده ایم .

نکته ها :

○ کلمه ی هذا، ممکن است اشاره به کلمه ی اسلام باشد که در آیه ی قبل آمده بود.

پیام ها :

۱- جز راه خدا، راه های دیگر بیراهه است . وهذا صراط ربك مستقيماً

۲- برای تذکر، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است . فصلنا... یذکرون

۳- خداوند، حجت را بر همه تمام کرده است ، اگر اهل توجه باشند، آیات و نشانه های حق ، با بیان های مختلف روشن شده است . لقوم یذکرون

۴- توجّه دائمی به تذکّرات الهی ، راه دستیابی به صراط مستقیم است . هذا صراط ربّك ... لقوم یدّگرون
۱۲۷- لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

سرای سلامت نزد پروردگارشان ، تنها برای آنان است و او به پاداش اعمالی که انجام می دادند، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است .

پیام ها :

۱- در بهشت ، خشونت ، رقابت ، حسرت ، تهمت ، حسد ، کینه ، دروغ ، اندوه و هیچ گونه مرگ و مرض و فقر راهی ندارد. دار السّلام

۲- برتر از نعمت امنیّت و سلامت ، در سایه ی لطف مخصوص پروردگار بودن است . دار السّلام عند ربّهم

۳- خداوند خود امور رهروان راه مستقیم را به عهده دارد. و هو ولیّهم

۴- رسیدن به ولایت الهی ، در سایه ی عمل و تلاش انسان است . و هو ولیّهم بما كانوا يعملون

۱۲۸- سَنُكَفِّرُكُمْ مِنَ الْاِنْسِ وَقَالَ اَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْاِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا اءَجَلَنَا الَّذِي اءَجَلْت لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوِيكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

ترجمه :

(به یاد آورید) روزی که خداوند، همه آنان را گرد می آورد (سپس به جنیان خطاب می فرماید): ای گروه جن! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید. و دوستان ایشان از نسل بشر گفتند: پروردگارا! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم . خداوند می فرماید: آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شمارا ببخشد). همانا پروردگار تو حکیم و داناست .

نکته ها :

○ در آیات قبل ، به کارهای شیاطین و وسوسه هایشان اشاره شد، در اینجا سرنوشت وسوسه پذیری از شیاطین را که دوزخ است ، بیان می کند. ضمنا به گفته قرآن ، شیطان از جن است و جنّی که مردم را گمراه کرده همان شیطان است .

پیام ها :

۱- به عاقبت کار خود بیندیشیم . ویوم (هر کجا کلمه یوم در آغاز آیه بکار رفته ، مراد یادآوری چنین روزی است .)

۲- جنّ، مکلف و مختار است و مورد خطاب و توبیخ و کیفر و پاداش قرار می گیرد. یا معشر الجنّ

۳- شیطان ، به گمراه کردن گروه کم راضی نیست و گروه زیادی از انسان ها را منحرف کرده است . قد استکثرتم

من الانس در آیه ای دیگر می فرماید: ولقد اضلّ منکم جبلاً کثیرا اءفلم تکونوا تعقلون (۲۴۷)

۴- دادگاه قیامت ، علنی است . یحشرهم ، یا معشر الجنّ

۵- در قیامت ، جنّ اغواگر پاسخی در برابر توبیخ ندارد و تنها پیروان انسانی او سخن می گویند. یا معشر الجنّ...

قال اولیاءهم من الانس

۶- بهره گیری انسان و جنّ از یکدیگر طرفینی است . استمتع بعضنا ببعض

۷- در قیامت ، انسان و جنّ، یکجا جمع و محشور می شوند. جمعیا

۸- پیروی از وسوسه های شیطانی ، به تدریج انسان را به ولایت پذیری از او وامی دارد. اولیاءهم

۹- همه ی منحرفان ، کیفر یکسان ندارند و باقی ماندن در آتش ، وابسته به اراده ی خداوند است . الا ماشاء الله

۱۰- احکام دادگاه الهی ، بر مبنای علم و حکمت است . حکیم علیم

۱۲۹- وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

ترجمه :

و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلط می کنیم ، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می کردند.

نکته ها :

○ در آیه ۱۲۷ خواندیم که سرپرست آنان که به راه مستقیم می روند، تنها خداست . در این آیه می خوانیم که سرپرست گروهی از مردم به خاطر عملکردشان ستمگرانند.

○ طبق روایات ، کیفر ترک کنندگان امر به معروف و نهی از منکر، متخلفان از ادای خمس و زکات و یاری کنندگان به ظالمان ، تسلط ستمگران بر آنان است . (۲۴۸) در حدیث می خوانیم : هر گاه خداوند از کار قومی راضی باشد، کارشان را به نیکان می سپارد و اگر ناراضی باشد، کارشان را در دست بدان قرار می دهد.(۲۴۹)

پیام ها :

۱- همان گونه که شیاطین جن بر انسان مسلط می شوند، برخی از ظالمان نیز بر بعضی دیگر تسلط می یابند.

کذلک

۲- کام جویی های حرام ، زمینه ساز حکومت های باطل و سلطه ی ظالمان است . استمتع بعضنا ببعض ... نولّی بعض

الظالمین بعضا

۳- تنها حاکمان ظالم نیستند، محکومان ترسو و ساکت و عیاش هم ظالمنند. بعض الظالمین بعضاً

۴- سبب سلطه ی ستمگران ، رفتار خود مردم است . نولّی ... بما کانوا یکسبون

۱۳۰- لَأَنسِ أَعْيُنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَوْمَئِذٍ أَعْيُنَ عَدُوِّ إِبْرَاهِيمَ إِذْ يَمُوتُ فَيَقُولُ هَذَا مَا لَدُنَّكَ فَلَمَّا تَوَلَّوْا سَاءُ لِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

عَرَّثْنَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

ترجمه :

در قیامت به آنان گفته می شود: ای گروه جنّ و انس ! آیا پیامبرانی از خودتان به سویتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند؟ گویند: ما علیه خودمان گواهی می دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده اند.

نکته ها :

○ از آیات قرآن استفاده می شود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، برای جنّ نیز فرستاده شده و آنان نیز قرآن را می فهمند، گروهی هم ایمان می آورند.(۲۵۰) به گفته ی برخی مفسران (مثل آلوسی ، قرطبی ، طبرسی و سید قطب) رسولان جنّ، وحی را از طریق رسولان انس دریافت کرده و به نژاد خود می رسانند. زیرا کلمه ی رسول به غیر انسان هم گفته می شود، مثل : الله يصطفى من الملائكة رسلاً(۲۵۱)

○ در این آیه ، دو اقرار از سوی کافران آمده است ، یکی گواهی به آمدن پیامبران ، دوّم اعتراف به کفر خویش .

○ مواقف در قیامت مختلف است ؛ گاهی در موقفی کفار ابتدا انحراف خود را انکار می کنند، مثل آیه ۲۳ همین سوره : واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین ، آنگاه که فهمیدند قیامت جای انکار نیست ، به گناه خود اعتراف می کنند.

پیام ها :

۱- جنّ و انس هر دو مکلف به پذیرش دعوت انبیایند و رسولان برای هر دو نژاد آمده اند. الجنّ والانس

۲- انذار، قوی ترین اهرم تربیت و وظیفه ی مهم پیامبران است . و یبذرونکم

۳- قوی ترین ضامن اجرای احکام الهی برای اصلاح فرد و جامعه ، ایمان به معاد است . یبذرونکم لقاء یومکم هذا

۴- قیامت ، جای کتمان وانکار نیست ، لذا انسان ها علیه خود اقرار می کنند. شهدوا علی انفسهم
۵- دنیاخواهی ، عامل بی اعتنایی به دعوت های انبیاست . غرتهم الحیاء ... (فریفته شدن به دنیا، موجب فراموشی
آخرت است .)

۶- علاقه ی افراطی به دنیا، انسان را به کفر می کشاند. غرتهم الحیاء الدنیا... انهم کانوا کافرین
۱۳۱- ذَلِكْ اِنَّ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَّاهْلُهَا غٰفِلُونَ
ترجمه :

این (اتمام حجّت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم ، آبادی هایی را که اهلش (از شناخت
حق) غافلند نابود نمی کند. (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار
می دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می کند).
نکته ها :

○ سنّت خداوند آن است که راه حق را با فرستادن انبیا و هشدارهای مختلف به مردم نشان می دهد و حقایق را
بیان کرده ، اتمام حجّت می کند. در آن صورت اگر بی اعتنایی کردند، کیفر می دهد. این قانون و سنّت کلی در
آیات متعددی مطرح شده است ، از جمله : و ما اهلکننا من قریة الا لها منذرون (۲۵۲) ما هیچ قریه ای را هلاک
نکردیم مگر آنکه مردم آنجا بیم دهندگانی داشتند. و ما کنّا معذبین حتی نبعث رسولا (۲۵۳) ما تا پیامبری
نفرستیم ، عذاب نمی کنیم .

پیام ها :

۱- کیفر دادن گناهکار، از شئون ربوبیت خداوند است . رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى
۲- عقاب بدون بیان و هشدار، ظلم و قبیح است . مهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ و اهلها غافلون
۱۳۲- وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَّمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده اند درجاتی است ، و پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست .
نکته ها :

○ مراد از درجات در این آیه ، درجات رشد نیست ، بلکه شامل درجات سقوط نیز می شود.

پیام ها :

۱- خداوند، عادل است و مرتبه ی هر کس را طبق عملکرد خود او قرار می دهد. درجات مِمَّا عملوا

۲- سعادت و شقاوت انسان ، بسته به اعمال اوست . مِمَّا عملوا

۳- انسان باید بهوش باشد، زیرا تحت نظر خداست . و ما رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

۱۳۳- وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ اِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا اَنْشَاءُكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ اٰخِرِينَ

ترجمه :

و پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است . اگر بخواهد، شما را می برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین
می کند، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد.

۱۳۴- اِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَآتٍ وَّمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

به راستی آنچه وعده داده می شوید، آمدنی است و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او
بگریزید).

پیام ها :

۱- تنها خداوند بی نیاز مطلق است ، پس هرگز خود را بی نیاز نبینیم . رَبِّكَ الْغَنَىٰ فِي جَايٍ دِيْغَرٍ مِّى فَرْمَايِد: يَا اٰیٰهَا النَّاسُ اَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ اِلَى اللّٰهِ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنَىٰ الْحَمِيْد (۲۵۴) اى مردم ! همه شما نیازمند خداييد و تنها اوست که بی نیاز و ستوده است .

۲- گناهکاران ، باید در همین دنیا هم بترسند، زیرا محو آنان توسط قدرت الهی بسیار ساده است . يذْهَبْكُمْ

۳- ریشه ی ظلم (که در دو آیه قبل آمده بود)، یا نیاز است ، یا سنگدلی و هیچ یک از این دو در خدا وجود ندارد .
الْغَنَىٰ ذُو الرِّحْمَةِ

۴- شرط مرئی خوب ، بی نیازی و عطوفت است . رَبِّكَ الْغَنَىٰ ذُو الرِّحْمَةِ

۵- بقای اجتماعات بشری ، به مشیت الهی بستگی دارد . اِنْ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ

۶- بود و نبود انسان ها، نفع و زیانی برای خداوند ندارد . الْغَنَىٰ... اِنْ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ

۷- خداوند از عبادات ما بی نیاز است ، دستورهای عبادی ، عامل رشد خودماست . الْغَنَىٰ

۸- رحمت خداوند، فراگیر است ، ولی گاهی بشر کار را به جایی می رساند که خداوند همه را نابود می کند .

ذُو الرِّحْمَةِ ... يذْهَبْكُمْ

۹- وعده های الهی قطعی است ، نه شوخی . اِنْ مَا تُوْعَدُوْنَ لَآتٍ

۱۰- مجرم در قیامت نمی تواند با قدرت الهی در افتد . و ما انتم بمعجزين

۱۳۵- قُلْ يَقَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىْ عَامِلٌ فَاَسُوْفٌ تَعْلَمُوْنَ مَنْ تَكُوْنُ لَهٗ عَقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهٗ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُوْنَ

ترجمه :

بگو: ای قوم من ! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر اساس سیرت خویش) عمل می کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست ، همانا ستمکاران رستگار نمی شوند .

پیام ها :

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، چون به راه خود یقین دارد، مأمور است در برخورد های خود، ثبات و قاطعیت خود را به دیگران اعلام کند . قُلْ يَا قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىْ عَامِلٌ ...

۲- سرپیچی مردم ، وظیفه ی پیامبران را عوض نمی کند . اِنِّىْ عَامِلٌ

۳- سرنوشت مردم ، وابسته به عملکرد خودشان است . اَعْمَلُوا ... فَاَسُوْفٌ تَعْلَمُوْنَ

۴- ملاک موفقیت ، حسن عاقبت و سرانجام کار است ، نه جلوه ها و تلاشهای زودگذر . عَاقِبَةُ الدَّارِ

۵- ظالم ، رستگار نمی شود . اِنَّهٗ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُوْنَ

۶- سرپیچی از راه خدا و انبیا ظلم است . الظَّالِمُوْنَ

۱۳۶- لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْاَنْعَامِ نَصِيْبًا فَاَقْلُوْا هٰذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَهٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ اِلَى اللّٰهِ

وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهٗوَ يَصِلُ اِلَى شُرَكَائِهِمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ

ترجمه :

و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است ، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند: این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدايند، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی رسید، ولی هرچه سهم خدا بود به شرکا می رسید، چه بد است آنچه داوری می کنند!

نکته ها :

○ آنان که از مدار تربیت انبیا بیرون رفته و به وادی خیال می روند، حرف ها و تصمیم هایشان نیز خیالی و بی منطق است و خود را مالک همه چیز می دانند و تقسیم بندی می کنند . یکبار پسران را سهم خود و دختران را

سهم خدا می دانند. الکم الذکر و له الانثی (۲۵۵) یکبار هم غلات و حیوانات را بین خدا و بت ها تقسیم می کنند. مشرکان می پنداشتند سهم بت ها غیر قابل تغییر است و آن را خرج بتکده ها و خدمه آنها می کردند، و سهم خدا را نیز به این بهانه که خدای آسمان ها بی نیاز است، هنگام کم و کسر آمدن ها خرج بتخانه ها می کردند. نه خرج کودکان، فقرا و مهمانان.

پیام ها :

۱- در کشاورزی و دامداری، گرچه انسان نقش دارد، اما زارع و خالق اصلی خداست. لله ممّا ذرّاء در آیه ای دیگر می فرماید: انتم تزرعونہم اء نحن الزّارعون (۲۵۶)

۲- قانون زکات و تقسیم درآمد و منافع، در عقائد انسان های قبلی نیز بوده است، هر چند به صورت خرافی. هذا لله ... هذا لشركائنا

۳- مشرکان با آنکه بت ها را شریک خدا می پنداشتند، ولی برای خداوند موقعیت ویژه ای از عزت و غنا قائل بودند و تلفات را از سهم خدا کم می کردند و می گفتند: او نیازی ندارد. ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم

۴- رسالت انبیا، مبارزه با خرافات است. ساء ما یحکمون

۱۳۷- وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ آءِؤْدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ

ترجمه :

و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می شدند)، کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند. و اگر خداوند می خواست چنین نمی کردند (و به اجبار جلو آنان را می گرفت)، پس آنان را با دروغ هایی که می بافند واگذار.

نکته ها :

○ همان گونه که تقسیم کشت و دام، میان خدا و شریکان، در نظر مشرکان جلوه داشت، عشق به بت و فرزندکشی در پای بت را هم وسوسه های شیطانی در نظرشان آراسته بود.

○ يُرْدُوهُمْ : از ارداء به معنای هلاک کردن است.

○ مشرکان یا می گویند: دختر ننگ است و زنده به گورش می کنند، ایمسکه علی هون (۲۵۷) یا می گویند: خرجی ندارم و باید نابود شود، خشیه املاق (۲۵۸) یا آن را نوعی قرب به بت ها می دانند، که همه ی اینها نوعی تزیین است.

پیام ها :

۱- بینش غلط و خرافی، سبب می شود که انسان، فرزند خود را پای بت سنگی و چوبی قربانی کرده و به آن افتخار نماید. زین ... قتل اءودلاهم

۲- مجرمان، حتی برای فرزندکشی هم توجیه درست می کنند تا روان و وجدان خود را آرام کنند. زین

۳- در انتقاد، انصاف را مراعات کنیم. لکثیر من المشرکین نه آنکه همه چنین اند.

۴- توجیه گناه و آراستن زشتی ها، عامل هلاکت و سقوط است. زین ... لیردوهم

۵- خرافه گرایی، سبب التقاط و آمیختگی دین با شبهات است. ولیلبسوا

۶- پیامبر، مسئول ابلاغ است نه اجبار، اگر مردم گوش نکردند، آنان را رها کرده و به سراغ دل های آماده می رود. فذرهم

۷- افکار و رفتار منحرفان، نباید حقیقیان را دلسرد کند. فذرهم و ما یفترون

۸- شریک پنداشتن برای خداوند، افترا به اوست . فذرهم و ما یفترون
 ۱۳۸- وَقَالُوا هَذِهِ اَنْعَمٌ وَّحَرْتُ حَجْرًا لَا يَطْعَمُهَا اِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَاَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَاَنْعَمٌ لَا يَدْكُرُونِ اَسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَفْتَرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيْهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

ترجمه :

و مشرکان (به پندار خویش) گفتند: اینها، دام ها و کشت هایی ممنوع است ، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده ها) که ما بخواهیم . و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام است و چهارپایانی که نام خدا را (هنگام ذبح) بر آن نمی برند (این احکام را) به دروغ به خدا نسبت می دادند. خداوند به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می بستند جزا خواهد داد.

نکته ها :

○ حَجْرٌ به معنای منع است و تحجیر یعنی منطقه ای را سنگ چین کردن و مانع شدن از ورود دیگران برای تصاحب آن . حَجْرٌ اسماعیل نیز جایی است که با دیوار سنگی جدا شده است . عقل را هم حَجْرٌ گویند، چون انسان را از زشتی ها باز می دارد. هل فی ذلک قسم لَدی حَجْرٍ (۲۵۹)

○ در دو آیه ی قبل ، عقائد خرافی مشرکان درباره ی سهم خدا و بت ها از کشاورزی و چهارپایان مطرح بود. در این آیه چگونگی مصرف سهم بت ها بیان شده که احدی حق استفاده ندارد، مگر خادمین بت ها و بتکده ها.

○ با توجه به این آیه ، مشرکان چهار انحراف داشتند: ۱ ممنوع شمردن بعضی از چهارپایان . ۲ ممنوع شمردن بعضی از محصولات کشاورزی . ۳ ممنوع کردن سواری برخی از چهارپایان . ۴ نبردن نام خدا به هنگام ذبح حیوانات .

○ قرآن ، هدف آفرینش چهار پایان را سوار شدن بر آنها و مصرف از گوشت آنها می داند: جعل لکم الانعام لتركبوا منها و منها تاءکلون (۲۶۰) و تحریم بهره برداری از چهارپایان را، از بدعت های جاهلی می شمرد که در آیه ۱۰۳ سوره ی مائده نیز بیان شده است .

○ اسلام ، آیین جامعی است که حتی انحراف در بهره گیری از حیوانات را هم تحمل نمی کند. وقتی قرآن ، از بی مصرف ماندن حیوان و تحریم سوار شدن بر آن نکوهش می کند، به طریق اولی از بی مصرف ماندن انسان ها، منابع ، سرمایه ها و استعدادها بیشتر نکوهش می کند.

پیام ها :

۱- احکام دین باید منسوب به خدا باشد، نه بر پایه ی گمان ، خیال ، قیاس و استحسان . قالوا... بزعمهم ... افتراءً علیه

۲- مبارزه با خرافات ، یکی از وظایف اصلی پیامبران است . افتراء علیه سیجزیهم

۳- تحریم حلال ها و تحلیل حرام ها، افترا بر خداست . هذه انعام و حرث حجر... افتراء

۴- بدعت گذاران ، در انتظار کیفر قوانین موهوم خود باشند. سیجزیهم

۱۳۹- وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْاَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَّمَحْرَمٌ عَلٰی اَزْوَاجِنَا وَاِنْ يَكُنْ مِیْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيْهِمْ وَصَفَهُمْ اِنَّهٗ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

ترجمه :

و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان ، این بود که می)گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است ، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد. همانا او حکیم و داناست .

نکته ها :

○ آشنایی با خرافات دوران جاهلیت، انسان را با زحمات رسول خدا برای هدایت آنان آشنا ساخته، روح قدرشناسی را در انسان، زنده و شکوفا می کند.

پیام ها :

۱- تبعیض بی جا میان زن و مرد، عملی جاهلی و مطرود است. خالصه لذکورنا و محرّم علی ازواجنا
۲- در جاهلیت، تحقیر زن تا آن حد بود که در برخی موارد از حیوان سالم بهره ای نداشت و فقط در گوشت حیوان مرده شریک بود. شرکاء

۳- جزا و کیفر الهی، بر اساس علم و حکمت اوست. سیجزیهم ... حکیم علیم
۱۴۰- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ
ترجمه :

به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند.
نکته ها :

○ ابن عباس از بزرگان صدر اسلام می گوید: هر که می خواهد میزان جهالت اقوام دوران جاهلی را بداند، همین آیات سوره ی انعام که بیانگر خرافات و اعتقادات بی اساس مشرکان است، را بخواند. (۲۶۱)

○ جاهلان عرب، به گمان تقرّب به بت ها، یا به جهت حفظ آبرو، دختران خود را گاهی قربانی بت ها یا زنده به گور می کردند.

پیام ها :

۱- جهالت و سفاهت، عامل خسارت است. (خسارت هایی چون: از دست دادن فرزند، از دست دادن عاطفه، فقدان نعمت های حلال، کسب دوزخ و کیفر الهی). قَدْ خَسِرَ
۲- خسارت واقعی، فدا شدن انسان در راه باطل است. (چه قربانی بت شدن، چه فدای خیال و غیرت نابجا) قَدْ خَسِرَ

۳- تحریم نابجای حلال ها، افترا بر خداوند است. وحرّموا ما رزقهم الله افتراء

۴- انجام هر کاری و تحریم هر چیزی، یا دلیل شرعی می خواهد یا عقلی. بغیر علم افتراء علی الله

۵- با خرافات، با شدیدترین وجه مقابله و برخورد کنیم.

۱۴۱- و هو الذی انشا جنت معروشت و غیر معروشت والنخل والزّرع مختلفاً اکلُهُ والزیتون والرّمّان متشبهاً و غیر متشبهه کُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ
ترجمه :

و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داربست و بی داربست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون، و زیتون و انار، (برخی میوه ها) شبیه به همند و برخی شباهتی با هم ندارند. همین که باغها ثمر داد، از میوه اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد.

نکته ها :

○ جَنّات، باغ های پر درخت و زمین های پوشیده از زراعت است. معروش، درختی است که نیاز به داربست دارد. اُكُلْ به معنای ماءکول و خوراکی است.

○ در آیه ۹۹ همین سوره خواندیم: *أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ* هنگامی که درخت بار آورد، با دقت به آن نگاه کنید. در این آیه می خوانیم که *كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ*، هنگامی که بار داد، بخورید. نتیجه اینکه: خوردن باید با تامل و دقت باشد، نه غافلانه.

○ امام باقر علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود: شخصی زراعتی داشت که تمام محصولاتش را صدقه می داد و خود و عیالش بی چیز می ماندند. خداوند این عمل را اسراف خواند. (۲۶۲)

این آیه، درس خدشناسی را همراه با اجازه مصرف خوارکی ها و رسیدگی به طبقات محروم و انفاق به آنان و اعتدال داشتن و زیاده روی نکردن در مصرف و انفاق را بیان می کند. انشاء، کلو، آتو، لا تسرفوا چنانکه در جای دیگر نیز می خوانیم: *وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا* (۲۶۳)

○ امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: حتی اگر مسلمان یافت نشد، حق برداشت را به مشرک فقیر بپردازید (۲۶۴) در روایتی دیگر فرمود: این حق برداشت، غیر از زکات است. (۲۶۵)

○ امام صادق علیه السلام فرمود: میوه را در شب برداشت نکنید و شبانه درو نکنید تا فقیران نیز بتوانند حاضر شوند و چیزی بگیرند. (۲۶۶)

در سوره ن والقلم نیز می خوانیم که خداوند باغ کسانی را که تصمیم گرفتند شبانه و به دور از چشم فقرا میوه ها را بچینند و به آنها ندهند، سوزاند.

پیام ها:

۱- تنوع میوه ها و محصولات کشاورزی، آن هم از یک آب و خاک، نشانه قدرت الهی است. انشاء... مختلفاً أکله

۲- خداوند برای خود در محصولات، حقی قرار داده است. *آتُوا حَقَّهُ*

(آری، نور و هوا، آب و خاک، توان و نیرو و فکر و استعداد، همه و همه از آن خداوند است و او بر همه حق دارد.)

۳- در انفاق نیز میانه رو باشیم. *وآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ* و لا تسرفوا

۴- اسلام، دین اعتدال است، هم تحریم نابجا را ممنوع می کند (در آیه قبل) و هم مصرف بی رویه را. لا تسرفوا

۵- شرط مصرف، پرداخت حق محرومان است. *كُلُوا... آتُوا حَقَّهُ*

۶- مقدار مصرف، محدود به عدم اسراف است. *كُلُوا... لا تسرفوا*

۷- هنگام برداشت محصول، به یاد محرومان باشیم. *يَوْمَ حَصَادِهِ*

۸- تولید و محصول را در زمانی برداشت کنیم تا زمینه ی بهره برداری دیگران هم باشد. *يَوْمَ حَصَادِهِ*

۹- هنگام رسیدن و برداشت محصول، آمادگی انسان برای انفاق بیشتر است، پس فرصت را از دست ندهیم. *آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ*

حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ

۱۰- میوه ی نارس نخورید و میوه را تازه مصرف کنید. *كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ*

۱۱- اسراف کار، مبعوض خداوند است. *أَنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفَ*

- *وَمِنَ الْأَنْعَمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُّوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ*

ترجمه:

و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک) اند (و یا از کرک و پشم آنها برای

فرش استفاده می شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی

نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست.

نکته ها:

○ در آیه ی قبل به نعمت های خداوند در محصولات کشاورزی اشاره شده و در اینجا به دامداری و انواع بهره هایی که انسان از حیوانات می برد.

○ مراد از کلمه فَرَش ، چهارپایانی مثل گوسفند است که به خاطر نزدیکی بدنشان به زمین ، به منزله فرش هستند، یا اینکه از پشم و کرک و موی آنها فرش می بافند.

○ بیشتر مفسران ، کلمه ی حَمُولَةٌ را به معنای حیوانات باربر دانسته اند، و فَرَش را حیوانات غیر باربر معنا کرده اند. پیام ها :

- ۱- هستی و آفریده هایش ، مسخر انسان است . حموله و فرشا
- ۲- قانون کلی در حیوانات ، حلال بودن مصرف آنهاست ، مگر آنکه دلیلی بر حرمت باشد. کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
- ۳- تحریم حلال ها، از گام های شیطانی است . کَلُوا... و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
- ۴- تنها توصیه به خام خواری که امروز در میان گروه کنیری رواج دارد و نهی از مصرف گوشت ، ممنوع است . و من الانعام ... کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
- ۵- نسبت به خوردنی ها باید مواظب باشیم . کَلُوا... و لَا تَتَّبِعُوا چنانکه اولین اهرم شیطان برای گمراه کردن حضرت آدم ، غذا بود.

۶- سر سفره ی خداوند، از دشمن او پیروی نکنیم . کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

۷- سیاست شیطان ، انحراف تدریجی است ، نه دفعی . خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

۱۴۳- تَمْنِيَةٌ اَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ اَلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اِمَّا الْاُنثَيَيْنِ اِمَّا اَسْتَمَلْتَ عَلَيْهِ اَزْوَاجًا الْاُنثَيَيْنِ نَبُّونِي بِعَلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ترجمه :

(خداوند برای شما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را. از گوسفند دو زوج (نر و ماده) و از بز، دو زوج (به کسانی که از پیش خود، بعضی چهارپایان را تحریم می کنند) بگو: آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده های آنها را یا آنچه را شکم آنها در برگرفته است ؟ اگر راست می گوئید از روی علم و دانش به من خبر دهید.

۱۴۴- نَبِيِّنَ اِمَّا اَسْتَمَلْتَ عَلَيْهِ اَزْوَاجًا الْاُنثَيَيْنِ اِمَّا اَسْتَمَلْتَ عَلَيْهِ اَزْوَاجًا كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شما حلال کرده است) بگو: آیا خداوند نرهای این دو را حرام کرده یا ماده ها را یا آنچه را که شکم آن دو در برگرفته است ؟ یا مگر شما شاهد و حاضر بوده اید که خداوند به حرمت این گوشت ها به شما سفارش کرده است ؟! پس کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند، دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد؟ قطعاً خداوند، گروه ستمکار را هدایت نمی کند.

نکته ها :

○ کلمه ی زوج هم به مجموع نر و ماده گفته می شود و هم به هر یک از نر و ماده به تنهایی . در این آیه به هر کدام به تنهایی گفته شده و مراد از هشت جفت ، هشت عدد است ، چهار نر و چهار ماده که چهار تا در آیه ۱۴۳ و چهار تا در آیه ۱۴۴ بیان شده است . در آیه ۴۵ سوره ی نجم نیز کلمه ی زوج در یک فرد بکار رفته است ، نه در دو تا. خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثَى

○ در آیه ۶ سوره ی زمر، خلقت هشت نر و ماده ی حیوانات در کنار خلقت انسان بیان شده است . خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ، ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْاَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ اَزْوَاجٍ

○ احتمال دارد که ترتیب نام بردن از حیوانات چهارگانه ، اشاره به برتری آنها در مصرف باشد. (گوسفند، بز، شتر و گاو)

○ در بعضی روایات ، ثمانیه ازواج به ۱۶ فرد تفسیر شده که این چهار حیوان هر کدام دو نوع یکی نر یکی ماده و هر کدام اهلی و وحشی دارد. امام هادی علیه السلام فرمود: گاومیش از نوع گاو وحشی است. (۲۶۷)

پیام ها :

- ۱- برای خرافه زدایی از دین ، باید عقائد حق را بسیار باز و روشن مطرح کرد. ثمانیه ازواج ...
- ۲- در فتوا یا عقیده به حلال و حرام چیزی ، علم لازم است . نبئونی بعلم
- ۳- حلال بودن نیازی به دلیل ندارد زیرا اصل در خوردنی ها حلیت است بلکه حرام بودن دلیل لازم دارد. قل الذکرین حرم ام الأنتیین ... نبئونی بعلم

۴- افترا بر خدا، بزرگ ترین ظلم است . فمن اظلم ممن افتری علی الله

۵- دروغ بستن به خدا، مایه ی گمراه ساختن مردم است . لیضل الناس

۶- افترا، انسان را از هدایت پذیری خارج می کند. لایهدی

۷- باورها و عقائد یا باید بر اساس علم و عقل باشد که در آیه قبل خواندیم ، نبئونی بعلم و یا بر اساس شرع .

۱۴۵- قل لا اجد فی ما اوحی الیّ محرماً علی طاعیم یطعمه الا اءن ینکون مینه اءو دماً مسفوحاً اءو لحم ینزیر فانه

رجس اءو فسقاً اهل لغیر الله به فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فان ربکغفور رحیم

ترجمه :

بگو: در آنچه به من وحی شده ، بر کسی که چیزی می خورد هیچ حرامی نمی یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد که قطعاً پلید است ، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد. پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطر شد، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حد ضرورت نباشد، (مانعی ندارد). همانا خداوند تو آمرزنده و مهربان است .

نکته ها :

○ میتة ، تنها حیوانی نیست که خود به خود مرده باشد، بلکه اگر طبق دستور اسلام ، ذبح نشود در حکم مردار و حرام است .

○ حرمت مردار و خون ، چهار مرتبه در قرآن مطرح شده است ، دوبار در سوره های مکی (۲۶۸) و دوبار در سوره های مدنی (۲۶۹).

○ اهل از اهلل به معنای بلند کردن صدا هنگام دیدن هلال اول ماه است . سپس به هر صدای بلندی گفته شده است . مشرکان در هنگام ذبح حیوانات ، با صدای بلند نام بت ها را می بردند، از این رو اهل گفته شده است .

○ جمله لا اءجد... الا اءن ینکون میتة در برابر تحریم های جاهلانه مشرکان است وگرنه گوشت بعضی پرندگان و درندگان دیگر نیز حرام است که در این آیه نیامده است و به اصطلاح این حصر، حصر اضافی است نه حقیقی .

○ از نظر اسلام مضطر به کسی می گویند که خود را از راه ستمگری وگردن کشی وگناه مضطر نکرده باشد، غیر باغ و تنها به مقدار رفع اضطرار، مجاز است نه بیشتر. و لاعاد

پیام ها :

۱- یگانه منبع علم پیامبر صلی الله علیه و آله برای بیان احکام ، وحی است . لا اجد فی ما اوحی الیّ

۲- اصل و قانون اولیه ، حلال بودن حیوانات است . لا اءجد

۳- تنها محرّمات ابلاغ شده در آیات و روایات تکلیف آور است ، پس اگر با جستجو و تتبع ، دلیلی بر حرمت چیزی نیافتیم ، برای ما حلال است . لا اءجد

۴- وقتی در مسأله ی خوردن و نخوردن شخص پیامبر هم باید از وحی دستور بگیرد، دیگران چگونه از پیش خود چیزی را حرام می کنند؟ فی ما اوحی الیّ

۵- دلیل تحریم گوشت خوک ، آلودگی و پلیدی آن است . فانه رجس

۶- احکام تغذیه ، برای مرد و زن یکسان است . طاعم یطعمه در مقابل آن عقیده خرافی در آیه ۱۳۹ که برای مردان گوشت همه ی حیوانات را حلال و برای زنان برخی موارد را حرام می دانستند. خالصه لذكورنا ومحرم علی اءزواجنا

۷- در قانون ، باید اهم و مهم رعایت شود. حفظ جان ، مهم تر از حرام بودن مصرف مردار است . فَمَنْ اضطرَّ
۸- در اسلام بن بست نیست ، وقتی اضطرار پیش آید مصرف حرام ها مجاز می شود. فَمَنْ اضطرَّ
۹- سوء استفاده از قانون در موارد استثنا، ممنوع است و باید به همان مقدار اضطرار، بسنده شود. غیر باغ و لا عاد
۱۰- خون باقیمانده در گوشت پس از ذبح شرعی حرام نیست . خون ریخته شده حرام است . دما مسفوحا
۱۱- در جایی که اضطرار به طور قهری پیش آید، می توان از گوشت حرام استفاده کرد، ولی اگر با دست خودمان کاری کردیم که مضطر شدیم استفاده مجاز نمی شود. اضطر (به صورت مجهول آمده است)
۱۲- وجود قوانین تخفیفی و اضطراری ، جلوه ای از مغفرت و رحمت الهی است .
۱۴۶ رحیم وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوُ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكُمْ جَزَاءُ الَّذِي كَفَرَ بِعَيْبِهِمْ وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ

ترجمه :

و بر یهودیان ، هر (حیوان) ناخن دار را حرام کردیم و از گاو و گوسفند، پیه هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقدار که بر پشت گاو و گوسفند یا همراه روده و مخلوط به استخوان است . این (تحریم)، کیفر ماست به خاطر ظلمی که مرتکب شدند و قطعاً ما راستگوییم .

نکته ها :

○ در آیه ی قبل ، محرّمات در اسلام و در این آیه ، محرّمات یهود بیان شده ، تا معلوم گردد که عقائد خرافی

مشرکین ، با هیچ یک از ادیان آسمانی سازگار نیست .(۲۷۰)

○ ظُفْرُ به معنای ناخن است ، اما به سَمِّ برخی حیوانات که شکاف ندارد (مثل سمّ اسب یا نوک پای شتر) نیز اطلاق شده است ، از این رو شتر و حیواناتی که سمّ چاک نیستند، چه چهار پایان چه پرندگان ، بر یهود حرام است (۲۷۱).

○ حوایا جمع حاویه ، به محتویات شکم گفته می شود.(۲۷۲)

○ در آیه ی ۱۶۰ سوره نساء هم می خوانیم : فَبِظَلَمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ حَرَامٌ شَدَنَ برخی طیبّات بر یهود، به خاطر ظلم های آنان بوده است ، بگذریم که یهود نیز مانند مشرکین پاره ای از چیزها را بر خود حرام کرده بودند. قرآن می فرماید: كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ (۲۷۳)

○ تحریم بعضی خوردنی ها بر یهود، موقت بود و توسط حضرت عیسی علیه السلام بر طرف شد. چنانکه در جای دیگر می خوانیم : لَاحِلٌ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ (۲۷۴)

○ احکام الهی سه نوع است : الف : دارای مصلحت یا مفسده ی واقعی است . مثل اکثر احکام . ب : دارای جنبه آزمایشی است مثل فرمان ذبح حضرت اسماعیل . ج : دارای جنبه ی کیفری است ، مثل همین آیه . آری ، یکی از عذاب های خدا، تنگناهای معیشتی است .

پیام ها :

۱- گاهی محدود ساختن غذای متخلفان و یاغیان ، بلامانع است . حرّمنا... ببغیهم

۲- کیفر الهی منحصر در آخرت نیست ، در دنیا هم هست . جزیناهم ببغیهم

۱۴۷- فَإِنَّ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَسِعَتْهَا وَلَا يَرْدُ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

ترجمه :

(ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو: پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (اما) عذاب او از قوم تبهکار، دفع نمی شود.

پیام ها :

۱- رهبر باید آماده ی شنیدن تکذیب و تهمت از سوی برخی مردم باشد. فان کذبوک فقل ...

۲- با تکذیب کنندگان ، باید برخوردی خیرخواهانه کرد و اگر تاءثیر نداشت ، از تهدید استفاده شود. ذو رحمة لا یرد بآءسه

۳- مرتبی باید دریای رحمت باشد. ربکم ذو رحمة

۴- بیم و امید، در کنار هم کارساز است . ذو رحمة ، بآءسه

۵- درهای رحمت الهی حتی به روی مخالفان هم بسته نیست . فان کذبوک ربکم ذو رحمة

۶- رحمت خداوند، پیش از قهر اوست . ذو رحمة ... بآءسه

۷- گستردگی رحمت الهی ، مانع کیفر کردن او نیست . ربکم ذو رحمة ... و لایرد بآءسه هرچند کیفر او نیز در مسیر تربیت انسان و از رحمت و ربوبیت او سرچشمه می گیرد.

۱۴۸ سیقول الذین اشركوا لوشا الله ما اءشركنا ولا ءاباؤنا ولا حرمنا من شىء كذالك كذب الذین من قبلهم حتی ذاقوا بآءسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا ان تتبعون الا الظن وان اءنتم الا تخرضون

ترجمه :

به زودی کسانی که شرک ورزیده اند، خواهند گفت : اگر خدا می خواست ، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام نمی کردیم . کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا برای شما دانشی هست ؟ آن را برای ما آشکار کنید! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی کنید و شما جز حدس زن و دروغگویانی بیش نیستید.

نکته ها :

○ در این آیه یک خبر غیبی از آینده مطرح است که مشرکان چه خواهند گفت ، سیقول الذین اشركوا آن آینده به وقوع پیوست و آنچه پیشگویی شده بود آنان گفتند. و قال الذین اشركوا(۲۷۵)

○ این بهانه که اگر خدای خواست ، ما و پدرانمان مشرک نمی شدیم بارها توسط مشرکان مطرح شده است ، چنانکه در آیه ۳۵ سوره ی نحل و آیه ۲۰ سوره زخرف نیز آمده است .

○ سؤال : این آیه سخن مشرکان را نقل می کند که اگر خدا از شرک ما راضی نیست ، چرا ما را از آن باز نمی دارد؟ پس شرک ما مورد رضای خداست !

پاسخ : انجام هر کار از هر کسی ، از مدار قدرت خداوند بیرون نیست ، لکن اراده و مشیت خداوند آن است که انسان راه خود را آزادانه انتخاب کند. دولت که آب و برق و گاز را به منزل ما می آورد، این امکانات ، دلیل راضی بودن دولت به سوءاستفاده ما نیست . خداوند به انسان عقل و وحی عطا کرده و راه حق و باطل را به او نشان داده و او را در انتخاب آزاد گذاشته ، ولی اراده و اختیار، نشانه ی راضی بودن او به خلاف ما نیست .

○ خداوند، خواهان ایمان اختیاری مردم است نه اجبار آنان به ایمان آوردن . در قرآن بارها آمده است که : اگر خدا می خواست ، همه را هدایت می کرد و پیامبر هم حق اکراه و اجبار مردم به ایمان را ندارد.

پیام ها :

۱- رهبران و اندیشمندان دینی باید خود را برای پاسخگویی به شبهات و بهانه جویی های آینده آماده کنند.

سیقول

- ۲- فرستادن انبیا و کتب آسمانی برای آنست که مردم با آزادی و اختیار، موحد شوند. پس منطق مشرکین (که اگر خدا می خواست با قهر و قدرت مانع شرک ما می شد) غلط است. لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا
- ۳- بدتر از گناه، توجیه آن است. مشرکان، شرک خود را توجیه کرده و آن را مشیت الهی می دانستند. لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا (جبرگرایی، بهانه ای است برای فرار از مسئولیت)
- ۴- مشرکین، انحراف خود را با تاریخ نیاکان خود توجیه می کردند. لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا
- ۵- عقیده به جبر، از توجیهاات بی اساس منحرفان است. لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا شَيْطَانٌ هُمْ كَمَا رَهَبُوا مَنْحَرَفَانِ اسْتِ، گمراهی خود را به خدا نسبت داد و چنین گفت: رَبِّ بَمَا اءْغَوَيْتَنِي (۲۷۶)
- ۶- مخالفان، همواره با اهرم جبر، به تکذیب پیامبران پرداخته اند. كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
- ۷- قرآن از مخالفان هم تقاضای حجت و دلیل می کند. قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ
- ۸- آنان که به بهانه ی سرنوشت، از مسئولیت می گریزند، منتظر چشیدن قهر خدا باشند. ذاقُوا بِاَسْنَانِ
- ۹- طرفداران جبر، منطق ندارند و در پی خیالاتند. اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ
- ۱۰- اگر به جای علم و یقین، در پی ظن و گمان باشیم، گمراه خواهیم شد. اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَخْرُصُونَ
- ۱۴۹- قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ اِجْمَعِينَ

ترجمه :

بگو: دلیل روشن و رسا تنها برای خداوند است، پس اگر می خواست همه ی شما را (به اجبار) هدایت می کرد. نکته ها :

○ خداوند، با فطرت توحیدی که در انسان قرار داده و با هدایت انبیا و عقل، حجت را بر مردم تمام کرده و راه خیر و شر و پایان نیک یا بد هر کدام را هم بیان نموده است. برای خطاکاران هم راه توبه و جبران را باز گذاشته است. معجزه های روشن انبیا و شیوه ی نیکوی دعوت و استدلال های محکم آنان وسازگاری دین با فطرت و عقل، حجت را بر مردم تمام کرده است.

و با این همه، مشرکان جز گمان بی اساس، دلیلی بر شرک خود ندارند و اگر راه غیر خدا را بپویند، از خطاها، ضعف ها، محدودیت های علمی و فکری و هوسها پیروی کرده اند.

○ در روایات آمده که خداوند در قیامت به انسان می فرماید: راه حق را می دانستی یا نمی دانستی؟ اگر بگوید: می دانستم، می پرسد: چرا عمل نکردی؟ و اگر بگوید: نمی دانستم، می پرسد: چرا در پی یاد گرفتن نبودی، این است حجت بالغه ی خدا بر مردم. (۲۷۷)

پیام ها :

- ۱- تنها خداست که حجت بالغه دارد و همه ی ما در پاسخ او عاجز و تهیدست و مقصریم. فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ
- ۲- در راه خدا هیچ گونه ابهام و بهانه ای که دستاویز مخالفان باشد نیست، نه در استدلال، نه در سابقه، نه در صفات پیامبر و نه در شیوه ی برخورد با آنان. فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ
- ۳- مشیت خداوند، بر هدایت آزاده و ارادی انسان و آزادی و اختیار اوست. فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ
- ۴- اراده ی خداوند، تخلف ناپذیر است. فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ
- ۱۵۰- قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ اَعْنَ اللّٰهَ حَرَمَ هَذَا فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدُوْا مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ اِهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوْا بِاٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ

ترجمه :

ای پیامبر! به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت ها را ناجا بر خود حرام کرده اند) بگو: گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده ، بیاورید. پس اگر شهادت دادند، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسته های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، همان ها که برای پروردگارشان شریک قرار می دهند، پیروی نکن .

نکته ها :

○ اسلام ، دین منطق و آزادی است ، در دو آیه ی قبل خداوند از مشرکان پرسید: آیا شما از چیزی اطلاع دارید که ما نداریم ؟ هل عندکم من علمٍ، در اینجا هم می فرماید: اگر گواه دارید بیاورید. هَلُمَّ شُهَدَاءَکُمْ
○ در این آیه ، ابتدا می فرماید: اگر دلیل و گواه دارند بیاورند، سپس می فرماید: اگر هم شهادت دادند، تو قبول نکن (چون صادقانه نیست).

○ یعدلون از عدل به معنای همتاست . پس برّبهّم یعدلون یعنی برای خداوند، شریک و همتا و شبیه قرار می دهند. پیام ها :

۱- اسلام ، دین منطق و برهان است و از مخالفان خود گواه طلبیده و آنان را به مجادله ی نیکو دعوت می کند. قل هَلُمَّ شُهَدَاءَکُمْ

۲- یکی از وظایف مبلغان دینی ، برخورد با بدعت هاست . قل هَلُمَّ شُهَدَاءَکُمْ ... اِنَّ اللّٰهَ حَرَمَ هَذَا

۳- هر گواهی و شهادتی ، اعتبار ندارد. فَاِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ

۴- مواظب باشیم شرایط و جوّ اجتماع ، ما را به اشتباه نیفکند. فَاِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ (تصدیق کردن و همگام شدن با گواهان ناحق حرام است)

۵- قوانین بشری اگر برخاسته از هوس های کفّار باشد، قابل پیروی نیست . لَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا...

۶- انسان های با ایمان نباید از سنّت های مشرکان تقلید کنند. لَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا...

۷- مشرکین ، خداوند را خالق می دانند لکن در تدبیر و مدیریت امور هستی برای او شریک قائلند. و هم برّبهّم یعدلون

۱۵۱- قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسنا و لا تقتلوا اء و ولدکم من املق نحن نرؤکم و اباہم و لا تقرّبوا الفؤحش ما ظہر منها وما بطن و لا تقتلوا النفس الّتی حرّم اللّٰه الا بالحقّ ذلکم و صکم به لعلکم تعقلون

ترجمه :

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم : چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم ، و به کارهای زشت ، چه آشکار و چه پنهان ، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده ، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع) نکشید، اینهاست آنچه خداوند شمارا به آن توصیه فرموده ، باشد که تعقل واندیشه کنید.

نکته ها :

○ در این آیه و دو آیه بعد، به چند اصل مهم اشاره شده که از مشترکات همه ی ادیان آسمانی است ، در تورات هم (سفر خروج ، باب ۲۰) مشابه این دستورها آمده است .

○ دو نفر از سران مدینه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. همین که حضرت این آیات را خواند، مسلمان شده و درخواست مبلغ کردند. پیامبر نیز مصعب بن عمیر را همراهشان فرستاد. این حرکت زمینه ساز مسلمان شدن مردم مدینه گشت .

- قرآن در چهار آیه (۲۷۸) نسبت به پدر و مادر سفارش کرده است و در هر چهار مورد همراه با مسأله ی توحید و نهی از شرک است. همان گونه که در آفرینش اوّل خداست، بعد پدر و مادر. در این آیات هم اوّل توحید است، بعد نیکی به والدین، ضمناً این آیه چون محرّمات را می شمرد، پس ترک احسان به والدین هم حرام است.
- پنج دستور این آیه چنان به یکدیگر پیوند دارند که گویا یک دستورند. وصّاکم به ضمیر به مفرد است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: احسان به والدین، یعنی کاری نکنیم که آنان وادار به درخواست و سوّالی از ما شوند. (۲۷۹)

پیام ها :

- ۱- بیان احکام الهی برای مردم، یکی از وظایف انبیاست. اءتل ما حرّم
 - ۲- چون اصل در همه چیز، حلال بودن است، از این رو حلالها شمارش نشده و فقط محرّمات گفته شده است. اءتل ما حرّم
 - ۳- محرّمات دین، از سوی خداست و پیامبر از پیش خود چیزی را حرام نمی کند. حرّم ربکم
 - ۴- ممنوعیت منکرات، جهت تکامل و تربیت انسان است. حرّم ربکم
 - ۵- چون شرک، ریشه ی مفسد است، در راءس محرّمات آمده است. الاّ تشرکوا
 - ۶- بعد از یکتاپرستی، احسان به والدین آمده است. بالوالدین احسانا
 - ۷- دستورهای این آیه همه در قالب نهی است، مگر نیکی به پدر و مادر که در قالب امر است. یعنی نه تنها نیازید، بلکه احسان کنید. و بالوالدین احسانا
 - ۸- فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر، عملی جاهلانه است، اگر خدا ضامن روزی است، چه ترسی از فقر؟ نحن نرزقکم
 - ۹- هم اصلاح جامعه از مفسد لازم است، هم اصلاح روح از رذایل. ما ظهر منها و ما بطن
 - ۱۰- برخی از گناهان چنان خطرناک است که نزدیک آنها هم نباید رفت. لا تقربوا
 - ۱۱- دستورات الهی، مطابق عقل یا زمینه شکوفایی آن است. لعَلکم تعقلون
- ۱۵۲- و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی اءحسَنُ حَتّٰی یَبْلُغَ اءَشُدَّهُ وَاَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُکَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا وَاِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ کَانَ ذَا قُرْبٰی وَبِعَهْدِ اللّٰهِ اءَوْفُوا ذَلِکُمْ وَصَّکُمْ بِهٖ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُوْنَ
- ترجمه :

به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد. (در داد و ستدها) پیمانه و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ کس را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی کنیم. و هرگاه سخن می گوئید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید، هر چند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید. اینها اموری است که خداوند، شمارا به آن سفارش کرده است، باشد که یاد کنید و پند بگیرید.

نکته ها :

- خداوند، کارهای خود را به نحو احسن انجام می دهد: اءحسن الخالقین (۲۸۰)، اءحسن تقویم (۲۸۱)، نزل اءحسن الحدیث (۲۸۲) و... از ما هم خواسته که کارهایمان به نحو احسن باشد، لیبلوکم ایکم احسن عملاً (۲۸۳) چه در تصرفات و فعالیت های اقتصادی، الاّ بالتی هی احسن (۲۸۴)، چه در گفتگو با مخالفان، جادلهم بالتی هی احسن (۲۸۵)، چه در پذیرش سخنان دیگران، یستمعون القول فیتبعون احسنه (۲۸۶) و چه بدی های مردم را با بهترین نحو جواب دادن، ادفع بالتی هی احسن السیئة (۲۸۷) که در تمام این موارد، کلمه ی احسن به کار رفته است.

- قوم حضرت شعیب ، به خاطر کم فروشی گرفتار عذاب شدند. در قرآن نیز سه بار از کم فروشی نهی شده است .
- کلمه ی کیل هم به معنای پیمانانه است و هم به معنای پیمانانه کردن . کلمه ی قسط هم می تواند مربوط به اوفوا باشد یعنی پرداخت ، عادلانه باشد و هم مربوط به کیل و میزان باشد، یعنی خود پیمانانه و ترازو سالم باشد. البته نتیجه هر دو یکی است .

پیام ها :

- ۱- چون یتیم مدافعی ندارد و اموالش لغزشگاه است مواظب باشیم . لاتقربوا
- ۲- برای حفظ حقوق ایتم باید بهترین طریقه ی بهره گیری از اموال و دارایی او انتخاب شود. بآلتی هی اءحسن . جز کسانی که اهلیت اقتصادی و تقوای کافی دارند، نباید دیگران به مال یتیم نزدیک شوند. لاتقربوا... الا
- ۳- وقتی ایتم به رشد و تجربه ی کافی رسیدند، سلطه ی خود را از آنان بردارید. حتی یبلغ اءشده
- ۴- نظام اقتصادی جامعه ی اسلامی باید بر اساس قسط باشد. بالقسط
- ۵- اگر اجرای عدالت در حدّ اعلی ممکن نیست ، لااقلّ در حدّ توان و امکان مراعات کنید. لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها
- ۶- تمام دستورات و اوامر و نواهی الهی ، فوق طاقت انسان نیست . لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها
- ۷- بدون قدرت ، تکلیفی نیست . لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها
- ۸- در اسلام ، تکلیف به اندازه ی توان است . هر که توانا تر، تکلیفش هم سنگین تر. لا نکلّف نفساً الاّ وُسعها
- ۹- عدالت ، هم در رفتار و هم در گفتار، یک اصل است . اوفوا الکیل ... و اذا قلتم فاعدلوا (در گواهی ها، وصیت ها، قضاوت ها، صدور حکم ها، انتقادهای و ستایش ها، عدالت را مراعات کنیم .)

۱۰- به پیمان های الهی (که شامل فرمان های عقل و وحی و وجدان و فطرت می شود) وفادار باشیم . (عهد الله هم شامل پیمانی است که خدا با انسان دارد و هم پیمانی که انسان با خدا می بندد) بعهد الله اوفوا

۱۱- رابطه ی خویشاوندی را بر ضابطه ی حقّ و عدل ، ترجیح ندهیم . فاعدلوا ولو كان ذا قربی

۱۵۳- وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَنَفَّرَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ترجمه :

و این (دستورها) راه مستقیم من است . پس آن را پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماست ، باشد که تقوا پیشه کنید.

نکته ها :

○ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای توضیح این آیه از روش نمایشی استفاده کرده ، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: این راه مستقیم است که یکی بیش نیست . سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند: اینها راههایی است که شیطان به آن دعوت می کند. (۲۸۸)

○ در پایان سه آیه ی اخیر، سه تعبیر مختلف آمده است :

در پایان آیه ۱۵۱ که نهی از شرک و قتل و فحشا است . لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ آمده است ، یعنی زشتی این امور با اندکی تعقل و فکر، برای همه روشن می شود.

در آیه ی ۱۵۲ که به حفظ مال یتیم و رعایت قسط و عدل و وفای به عهد فرمان می دهد، تعبیر لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ آمده ، یعنی خوبی عدالت را فطرت و نهاد هر کس می پذیرد، تنها باید تذکر داد.

در این آیه نیز که پیروی از دستورهای خداست ، لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ آمده ، یعنی تقوا همان گام نهادن در راه اطاعت و فرمان الهی است .

○ آنگونه که نور یکی است و ظلمات متعدّد، راه مستقیم یکی است و راه های انحرافی متعدّد. (صراط مفرد آمده ولی سُبُل جمع)

○ در روایات می خوانیم که مصداق عینی راه مستقیم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت او هستند. (۲۸۹)

پیام ها :

۱- اساس همه ادیان الهی ، پیروی از راه خدا و دوری از راه دیگران است . صراطی ... فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ
۲- عمل به احکام الهی ، سبب وحدت است و به سراغ احکام غیر الهی رفتن ، مایه ی تفرقه می باشد. صراطی مستقیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بَكُمْ عَنِ سَبِيلِهِ

۳- شاید بتوان با توجّه به پایان سه آیه ی اخیر، چنین نتیجه گرفت که مراحل رشد و کمال انسان عبارت است از:
تَعْقَلْ ، لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ، تَذَكَّرْ ، لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ وَ تَقْوَا . لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۱۵۴- ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ
ترجمه :

سپس به موسی ، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت خود را) تمام کنیم ، و (این کتاب) بیانگر همه ی مسائل و وسیله هدایت و رحمت باشد، شاید مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند.
نکته ها :

○ میان قرآن و تورات ، شباهت های فراوانی است . در انجیل ، تکیه بر مواظبت است و در زبور، تکیه بر دعاست ، ولی از نظر قوانین ، شباهت تورات به قرآن بیشتر است . از این رو به تورات ، امام گفته شده است . و من قبله کتاب موسی اماما (۲۹۰) در این آیه هم تورات ، رحمت ، هدایت و بیانگر هر چیز معرفی شده است .

پیام ها :

۱- هر کتاب آسمانی نسبت به زمان خودش ، کامل است . تماما
۲- تنها نیکوکاران و نیکواندیشان ، پیام های کتب آسمانی و قوانین الهی را بهتر می گیرند. علی الَّذِي أَحْسَنَ
۳- همه ی نیازهای انسان برای رسیدن به تکامل ، در کتب آسمانی آمده است . تفصیلاً لِكُلِّ شَيْءٍ

۴- کتاب آسمانی در مسیر هدایت انسان و رحمت الهی است . هدی و رحمة
۵- یکی از مقاصد کتب آسمانی و پیامبران الهی ، ایمان انسان به قیامت است . لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

۱۵۵- وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
ترجمه :

و این (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم . پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

۱۵۶- اِنَّ تَقُولُوا اِنَّمَا اَنْزَلِ الْكِتَابُ عَلٰى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَاِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ

(آن تورات را نازل کردیم) تا نگویند کتاب (آسمانی) ، فقط بر دو طایفه ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی خبر بوده ایم .

نکته ها :

○ کلمه مبارک از ریشه ی برکت ، بر دو امر تاءکید می کند: ۱ ریشه قوی و ثابت . ۲ رشد دائم . قرآن ، هم دارای مطالبی اساسی و تغییرناپذیر و استوار است و هم با گذشت زمان ، پرده هایی از اسرارش کشف و روز به روز جلوه ی آن بیشتر می شود.

○ اِنَّ تَقُولُوا بِهٖ مَعْنٰی لَوْلَا تَقُولُوْا اِسْت ، یعنی : تا نگویند و بهانه نگیرید.

○ در اسهٔ به معنای تلاوت و علم است .

پیام ها :

- ۱- قرآن ، تنها کتاب تئوری و نظری نیست ، بلکه کتاب سعادت و برنامه ی عمل انسان است . کتاب ... فاتَّبِعُوهُ
- ۲- سعادت بشر در دو چیز است : اطاعت حق ، اجتناب از باطل . فاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا
- ۳- خداوند، حجت را بر مردم تمام کرده است . کتاب انزلناه ... اءن تقولوا
- ۴- دستگاه تبلیغاتی مسلمانان باید برای هر کشور و ملت و زبانی ، برنامه های صحیح در سطح جهان آماده کند، تا حجت بر آنان تمام شود و نگویند ما از حق بی خبر بودیم

۱۵۷- اءن تقولوا لوانا انزل علينا الكِتَابُ لَكُنَّا اءْهْدَى مِنْهُمْ فَكُلَّمَا جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَنْ اءْظَلَمَ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِيْنَ يَصْدِفُوْنَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يَصْدِفُوْنَ

ترجمه :

یا نگویند اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته تر بودیم . (برای جلوگیری از این بهانه ها) بی شک از سوی پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد. پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد.

نکته ها :

○ یصدفون از صدف ، به معنای اعراض شدید از چیزی بدون تاءمل و اندیشه است .

پیام ها :

- ۱- مشرکین مکه ، به هدایت یافتگی پیروان تورات و انجیل اعتراف داشتند، ولی خود را برای دریافت کتاب آسمانی شایسته تر از آنان می دانستند. لکننا اهدی منهم
- ۲- نزول قرآن برای همه ، اتمام حجت است . فقد جاءکم بینه من ربکم
- ۳- قرآن ، پرتوی از ربوبیت خداوند است . بینه من ربکم
- ۴- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت است . هدی و رحمة
- ۵- پیش از آزمایش ، مدعی زیاد است ، ولی امتحان ، صداقت ها را آشکار می کند. لکننا اهدی ... فمن اظلم ممن کذب ...

۶- از بزرگ ترین ظلم ها به انسانیت ، اعراض از کتب آسمانی است . فمن اظلم ممن کذب بآیات اللّٰه

۷- کیفر اعراض از دین حق و پشت کردن به آیات الهی ، عذاب شدید است . الَّذِيْنَ يَصْدِفُوْنَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُوْنَ

۸- عامل اصلی بدبختی های انسان ، عملکرد خود اوست . بما کانوا یصدفون

۱۵۸ اهل ینظرون الا ان تاتیهم الملائکه اویاتی ربک اءو یاءتی بعض آیت ربک یوم یاءتی بعض آیت ربک لا ینفع نفساً ایمن نھا لم تکن ءامت من قبل اءو کسبت فی ایم نھا خیراً فلانتظروا انا منتظرون

ترجمه :

آیا (با دیدن آن همه آیات و بینات و معجزات ، باز هم) جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد ایشان بیایند، یا خود پروردگارت بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (نشانه های قیامت) بیاید؟! (مگر نمی دانند) روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خود کار خیری را کسب نکرده ، ایمان آوردنش سودی ندهد. بگو: منتظر (قهر خدا) باشید که ما هم در انتظاریم .

نکته ها :

○ در آیه ۹۲ سوره ی اسراء توقعات نابجای کفار مطرح شده است که می گفتند: ما به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه آسمان را بر ما فروریزی ، یا خدا و فرشتگان را نزد ما آوری . این انتظارات در این آیه رد شده است .

پیام ها :

- ۱- کافران لجوج ، با دیدن معجزات الهی هم تسلیم نمی شوند. هل ينظرون ...
- ۲- نتیجه ی طفره رفتن در ایمان ، ناکامی است . لاینفع نفسا ایمانها
- ۳- ایمان و عمل ، در شرایط آزاد و طبیعی ، کارساز است ، نه در حال اضطرار و ترس جان . یوم یاءتی بعض آیات ربّک لاینفع

۴- عمل صالح بدون ایمان سودبخش نیست . او کسبت فی ایمانها خیراً

۱۵۹- إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
ترجمه :

(ای پیامبر!) تو را با کسانی که دین خود را پراکنده ساخته و گروه گروه شدند، هیچ گونه ارتباطی نیست . (تو مسئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست ، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد.
نکته ها :

○ تفرقه افکنی در دین ، یعنی بدعت گذاری و تفسیر دین به رایی خود که در قرآن و حدیث ، شدیدترین تعبیرات ، درباره این گونه کسان آمده است . به برخی از این نمونه ها توجه کنید:

قرآن می گوید: وای بر آنان که با دست خود مطلبی می نویسند، سپس می گویند: این از طرف خداوند است . (۲۹۱) علی علیه السلام می فرماید: هرگاه بدعتی آید، سنتی می رود . (۲۹۲) و یکی از وظایف انبیا و علما، بدعت زدایی و جلوگیری از تحریف هاست . (۲۹۳)

در روایات آمده است : توبه ی صاحب بدعت ، پذیرفته نمی شود . (۲۹۴)

خداوند، هیچ عملی را از بدعتگذار قبول نمی کند . (۲۹۵)

کسی که به بدعتگذار احترام گذارد یا لبخندی بزند، در فروپاشی دین گام برداشته است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه در میان امتم اختلاف شد، هر کس طبق سنت و گفته من عمل کند و سراغ راه و روش دیگران نرود، پاداش صد شهید خواهد داشت . (۲۹۶)

در قرآن ، بارها از یهود، به خاطر تحریف هایی که علمایشان در دین پدید آوردند انتقاد شده است . درباره حضرت موسی علیه السلام هم می خوانیم : وقتی از کوه طور برگشت و انحراف و گوساله پرستی قوم خود را دید، از فرط ناراحتی الواح تورات را بر زمین افکند و ریش برادرش را که جانشین او بود گرفت و گفت : چرا امتم منحرف

شدند؟ هارون در پاسخ گفت : ترسیدم اگر برای جلوگیری از انحرافشان شدت عمل به خرج دهم ، مردم متفرق شوند و تو بگویی چرا مردم فرقه فرقه شدند (تفرقه ای که با بازگشت تو هم قابل اصلاح نباشد).

این آیات و روایات ، مسئولیت سنگین دین شناسان را در حفظ اصالت مکتب و مقابله با انحرافات فکری ، در عین حفظ وحدت اجتماعی امت ، بیان می کند.

پیام ها :

- ۱- میان معارف دینی تفاوتی نیست ، باید به همه ایمان داشت و عمل کرد، نه فقط بعضی . انّ الذین فرقوا دینهم
- ۲- از عوامل تفرقه و جدایی ، تغییر و تحریف در مکتب است . انّ الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا
- ۳- با آنان که مجموعه ی مکتب اسلام را قبول ندارند، نباید همکاری کرد آنان از امت محمد محسوب نخواهند شد.

لست منهم فی شیء انان مورد تهدید خداوند هستند. انما امرهم الی الله

۴- تفرقه افکنی در دین ، نوعی شرک است . فرقوا دینهم ... لست منهم فی شیء در آیات ۳۲ و ۳۳ روم آمده است . ولا تكونوا من المشرکین . من الذین فرقوا دینهم از مشرکین نباشید همان کسانی که در دین خود تفرقه به وجود آوردند.

۱۶۰- مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

ترجمه :

هر که نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هر که بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد.

نکته ها :

○ از کلمه ی جاء استفاده می شود که پاداش و کیفر مورد بحث در این آیه ، مربوط به دادگاه قیامت است . و گرنه چه بسا خلاقی که با توبه محو یا به نیکی تبدیل شود. یبدل الله سیئاتهم حسنات (۲۹۷)، یا مورد عفو قرار می گیرد. یَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۲۹۸)، و چه بسا نیکی ها که با ریا و عُجْب و گناهان دیگر محو و حبط شود. پس عملی ملاک است که به صحنه ی قیامت آورده شود. جاء بالحسنة ... جاء بالسئئة

گرچه آیه ی مربوط به عمل نیک و بد است ، ولی طبق روایت ، آنکه نیت خیر کند پاداش دارد ولی نیت سوء تا به مرحله عمل نرسد، کیفر ندارد و این فضل الهی است .

○ در روایات آمده است : هر که در ماه ، سه روز روزه بگیرد، گویا همه ی ماه را روزه گرفته است ، زیرا هر روزش ده روز حساب می شود. عشر امثالها

○ پاداش ده برابر، حداقل است . بعضی اعمال ، در بعضی شرایط و برای بعضی افراد، پاداش تا هفتصد برابر بلکه پاداش بی حساب هم دارد.

○ از ده پاداش الهی ، فقط یک قسمت مزد است و نه قسمت دیگر فضل . فَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۲۹۹)

○ سؤال : اگر کیفر گنهکار، به اندازه ی گناه اوست ، پس چرا یک روز روزه خوردن ، شصت روز روزه کفاره دارد؟ پاسخ : مقصود از مثل در آیه ، از نظر عدد نیست ، بلکه کیفیت و چگونگی است . اهمیت یک روز، روزه ماه رمضان ، برابر با ۶۰ روز در غیر ماه رمضان است . مثل شب قدر که در اهمیت ، بیش از هزار ماه است . این بیان اهمیت است ، نه برتری عددی .

پیام ها :

۱- در شیوه ی تربیتی اسلام ، تشویق ده برابر تنبیه است . عشر امثالها

۲- تشویق چند برابر، ظلم نیست ولی کیفر بیش از حد ظلم است . فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون

۳- خداوند، در پاداش با فضل خود رفتار می کند، ولی در کیفر، با عدل . عشر امثالها... الا مثلها

۴- عمل انسان همیشه و همه جا همراه انسان است . من جاء بالحسنة ... و من جاء بالسئئة

- قُلْ اِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مَلَّةً اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه :

بگو: همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده ، دینی استوار که همان آیین حق گرای ابراهیمی است ، و او از مشرکان نبود.

نکته ها :

○ کلمه ی قِيم و قِيَم ، به معنای راستی ، استواری و پایداری است ، آری ، دینی استوار و جاوید می ماند که به مسائل مادی و معنوی این جهان و آن جهان مردم توجه کند.

○ امام حسین علیه السلام فرمود: هیچ کس جز ما و شیعیان ما، پیرو آیین ابراهیم علیه السلام نیست . (۳۰۰)

پیام ها :

۱- سخنان و تعالیم پیامبر، نظر شخصی او نیست ، بلکه متن وحی الهی است ، که باید به مردم اعلام کند. قل

- ۲- راه مستقیم ، راه پیامبر است . هدانی ربّی الی صراط مستقیم
- ۳- هدایت ، تنها کار خداست ، انبیا هم با هدایت الهی راه مستقیم را پیدا می کنند. هدانی ربّی
- ۴- هدایت ، از شئون ربوبیت است . هدانی ربّی
- ۵- راه ابراهیم علیه السلام ، همان یکتاپرستی است ، نه افکار شرک آلود. حنیفاً و ما کان من المشرکین (مشرکان ، عقائد انحرافی خود را به ابراهیم علیه السلام نسبت می دادند)
- ۶- بت شکنی و اعراض از شرک ، تنها کار پیامبر اسلام نیست ، بلکه او به پیروی از حضرت ابراهیم چنین می کرده است . ملّة ابراهیم حنیفاً
- ۷- اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ ، یکی بوده است . اسلام ، همان آیین حضرت ابراهیم است و تنفّر از شرک ، راه همه ی پیامبران می باشد. قل اَنّی ... ملّة ابراهیم و ما کان من المشرکین
- ۱۶۲- قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
- ترجمه :

بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است .

- ۱۶۳- لَا شَرِيكَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اٰمَرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِيْنَ
- شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیت) مأمور شده ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پروردگارم .

نکته ها :

- روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ی نماز این آیات را می خواند.(۳۰۱)
- مرگ ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک ، و نُسُک بر نماز. بنابراین ، نماز، هسته ی مرکزی در درون عبادات است .
- اسلام ، به معنای تسلیم بودن در برابر امر خداوند است و به همه ی انبیا نسبت داده شده است . حضرت نوح علیه السلام خود را مسلمان دانسته است ، اُمرت آن اکون من المسلمین (۳۰۲) حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می خواهد که او و ذریّه اش را تسلیم او قرار دهد. و اجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا أمة مسلمة لک (۳۰۳)، حضرت یوسف علیه السلام نیز از خداوند مسلمان مردن را درخواست می کند: توقنی مسلماً(۳۰۴) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز اولین مسلمان است ، و انا اول المسلمین به این معنا که یا در زمان خودش ، یا در رتبه و مقام تسلیم ، مقدّم بر همه است .

پیام ها :

- ۱- راه و روش و هدف خود را در برابر راههای انحرافی ، با صراحت و افتخار اعلام کنیم . قل
- ۲- با آنکه نماز، جزو عبادات است ، ولی ، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. صلاتی و نُسُکی
- ۳- انسان های مخلص ، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریحی خود (نماز و نُسُک) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند. انّ صلاتی و نُسُکی و محیای و مماتی لله
- ۴- آنگونه که در نماز قصد قربت می کنیم ، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد. محیای و مماتی لله ...
- ۵- مرگ و حیات مهم نیست ، مهم آن است که آنها برای خدا و در راه خدا باشد. محیای و مماتی لله
- ۶- آنچه برای خدا باشد، رشد می کند. لله ربّ العالمین
- ۷- مرگ و زندگی دست ما نیست ، ولی جهت دادن به آن دست ماست . لله
- ۸- اخلاص در کارها، فرمان الهی است . بذلک امرت

۹- پیشوای جامعه، باید در پیمودن راه و پیاده کردن فرمان الهی، پیشگام باشد. اول المسلمین
۱۶۴- قُلْ اَعْبُدُوا اللَّهَ اَعْبُدِي رَبَّاهُ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ اِلَّا عَلَيْهِمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَى ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّكُمْ
مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

ترجمه:

بگو: آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم؟ در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زبان خویش نمی کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی کشد، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاه می کند.

نکته ها:

○ موضوع عدل الهی در کیفر و اینکه هیچ کس گناه دیگری را به دوش نمی کشد، نه تنها در اسلام، بلکه به تصریح قرآن، در صُحُف ابراهیم و موسی ۸ نیز آمده است. ام لم یُنْبَأَ بما فی صُحُف موسی . و ابراهیم الذی وَفَى . اءَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَى (۳۰۵)

○ سؤال: اگر کسی گناه دیگران را بر دوش نمی کشد، پس آنچه در قرآن آمده است که رهبران گمراه و منحرف، گناهان پیروان را هم به عهده می گیرند چیست؟ لیحملوا ءاوزارهم کامله یوم القیامه و من ءاوزار الذین یضلونهم بغير علم (۳۰۶)

پاسخ: این امر بی دلیل نیست، زیرا سران گمراهی، سبب انحراف دیگران شده اند و در واقع، گناه گمراه کردن و اضلال را به دوش می گیرند.

○ زن حامله ای که مرتکب زنا شده بود را برای مجازات نزد عمر آوردند و او دستور سنگسار داد. حضرت علی علیه السلام فرمود: گناه طفل در رحم مادر چیست؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: لا تزر وازرَةٌ وِزْرَ اُخْرَى (۳۰۷)
پیام ها:

۱- در برخورد با منکران و مشرکان، موضع بر حق خود را قاطعانه اعلام کنیم. قل اءغیر الله

۲- وجدان بیدار، بهترین پاسخ دهنده به سؤالالات درونی است. اءغیر الله اءبعی

۳- چون خداوند، یگانه پروردگار همه ی هستی است، پروردگار من هم هست. و هو ربّ کلّ شیء

۴- کفر و شرک و نیکی و فساد مردم، ضرری به خدا نمی زند، بلکه دامنگیر خودشان می شود. لا تکسب کلّ نفس الا علیها

۵- در پیشگاه خداوند مسئولیت عمل هر کس، بر عهده ی خود اوست. لا تزر وازرَةٌ وِزْرَ اُخْرَى

۶- برپایی قیامت و بازخواست انسان، پرتویی از ربوبیت خداوند است. ثمّ الی ربکم مرجعکم

۷- دنیا نیز پایانی دارد، ثمّ الی ربکم مرجعکم و سرانجام به حقایق آنچه لجوجانه با آن مخالفت کرده ایم، آگاه خواهیم شد. فینبئکم بما کنتم فیہ تختلفون

۱۶۵- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ رِزْقًا وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ
وَ اِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

ترجمه:

و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده، بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است و البته او حتما آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

○ سوره ی انعام با حمد الهی آغاز شد الحمد لله الذی خلق... و با رحمت الهی پایان می پذیرد. انه لغفور رحیم

○ منظور از خلافت الارض، یا جانشینان خدا در زمین هستند و یا جانشینی انسان امروز از امت های پیشین.

پیام ها :

- ۱- انسان ، خلیفه ی خدا و امیر زمین است ، نه اسیر هستی . و هو الذی جعلکم خلایف الارض
 - ۲- تفاوت های مردم و آزمایشات الهی ، حکیمانه و در مسیر رشد و تربیت انسان است و از ربوبیت خداوند سرچشمه می گیرد. و هو ربّ کلّ شیء... رفع بعضکم فوق بعض ...
 - ۳- تفاوت و برتری بعضی در داده های خداوند، ملاک برتری نیست ، وسیله ی آزمایش است . لیبلوکم فی ما آتاکم
 - ۴- آنچه را در اختیار داریم ، از خدا بدانیم . فی ما آتاکم
 - ۵- معیار و مقدار آزمایش هر کس ، به میزان داده ها و امکانات اوست . لیبلوکم فی ما آتاکم
 - ۶- پس از آزمایش ، خداوند نسبت به مردودین سریع العقاب است و نسبت به قبول شدگان غفور رحیم .
 - ۷- بیم و امید باید در کنار هم باشد. سریع العقاب ... لغفور رحیم
- الحمد لله ربّ العالمی